

هدف «آموزش برای همه» تنها زمانی قابل تحقق است که مقامات، مکاتب و اجتماعات به مسئولیت قانونی و اخلاقی خود در قبال کلیه اطفال پی ببرند.

کمیسیون ملی یونسکو برای مالیزیا

# خبرنامه

## شبکه تقویت آموزش-آسیا

### فصلنامه دوم و

### سوم سال 2008



ترجمه: بنیاد خرد با حمایت مالی و فنی یونسکو

فهرست مطالب

- 4..... به قلم هیئت تحریریه .....
- 5..... سرمقاله مهمان: آموزش اطفال، پی ریزی زندگی است.....
- 12..... مراقبت از آینده خود ماست.....
- 15..... نقطه نظرات متعلمین در خصوص آموزش فراگیر در یک مکتب کمیته انکشاف روستایی بنگلادش.....
- 15..... تاهیه محبوب.....
- 21..... چگونه برای EENET Asia بنویسید.....
- 24..... غیبت در مکاتب در اندونزی شرقی.....
- 27..... هدف آموزش چیست؟.....
- 28..... حال آنها به من احترام می گذارند.....
- 30..... بالا بردن میزان مشارکت اطفال در ولایات کوهستانی جنوب شرقی هند.....
- 32..... نقص شناسی - دوست یا دشمن؟ رابطه بین نقص شناسی و فراگیری.....
- 34..... آموزش فراگیر، نیاز زمان حاضر.....
- 35..... آموزش فراگیر، نیاز زمان حاضر.....
- 44..... دیوید، منبع امیدواری.....
- 46..... پذیرش اجتماعی از مکتب آغاز می گردد: اطفالی که با همدیگر یاد می گیرند، می آموزند که با همدیگر زندگی کنند.....
- 47..... پذیرش اجتماعی از مکتب آغاز می گردد: اطفالی که با همدیگر یاد می گیرند، می آموزند که با همدیگر زندگی کنند.....
- 50..... آرزوی من.....
- 51..... چرا ما باید یک نظام آموزشی خاص و مجزا داشته باشیم؟.....
- 53..... پروژه آموزش فراگیر در لائو ۲۰۰۸-۱۹۹۳.....
- 56..... برداشت تعلیم دهندگان از منابع لازم برای بهداشت (حفظ الصحه) موثر مکاتب دولتی در پاکستان.....
- 58..... فلمهای آموزنده.....
- 65..... رویدادها.....

- 65..... میزگردی پیرامون آموزش فراگیر: مشکلات و راه حل ها
- 66..... کنفرانس تکنالوژی مساعدتی
- دومین کنفرانس بین المللی پیرامون انکشاف زبان، احیای زبان و آموزش چند  
 68..... زبانه در اجتماعات قومی- زبانی
- 70..... نگاه اجمالی به آموزش مسلکی پیوسته به معلمان برونی
- کنفرانس آماده سازی منطقوی آسیا-اقیانوسیه در ارتباط با چهل و هشتمین  
 72..... نشست کنفرانس بین المللی آموزش
- 75..... کنفرانس مرور سیاست میان مدت «آموزش برای همه» در جنوب آسیا
- 76..... پاسخ های خوانندگان
- 78..... نشریات مفید



عکس های 1 و 2 با کمک IDP Norway، و عکس های 3، 4 و 5 توسط سیمون بیکر

## به قلم هیئت تحریریه

خوانندگان عزیز، به ششمین شماره EENET Asia خوش آمدید. از ونیتا کاول دعوت کرده ایم تا به عنوان مهمان، مقاله ای در مورد «آموزش؛ پایه زندگی در دوران طفولیت» بنویسد. صدای اطفال از مکاتب افغانستان، بنگلادش، تاجیکستان، و تجربیات معلمان درباره فراگیر کردن آموزش و ایجاد فضای مناسب برای اطفال درمکاتب افغانستان، قرقیزستان و پاکستان از طریق این نشریه به گوش همگان می رسد. این امر، پیشرفتی را که در سالهای اخیر در منطقه رخ داده است، برجسته مینماید. گزارشاتی که از برنامه های آموزش فراگیر در کلمبیا، هند، لائو، پاکستان و تیمور لست به دست ما می رسد ما را تشویق می کند که پیش برویم و به ما در مورد چگونگی اجرای برنامه های آموزش فراگیر در کشورهایی که هیچ منابعی در آن وجود ندارد، ایده هایی می دهد.

سه برنامه تحقیقی در مورد سلامت مکاتب در افغانستان، رابطه بین "نقص شناسی" و آموزش فراگیر ازبکستان و آسیای مرکزی، و موانعی که در راه ثبت نام و حضور مداوم درمکاتب اندونزی وجود دارند، در این مقاله گنجانده شده اند. امیدواریم که این معلومات، شما را به انجام کارهای تحقیقی بیشتر و ارائه آن به خوانندگان ترغیب نماید. یک مقاله از هند، اهمیت فیلمها در ارتقاء سطح آگاهی در مورد آموزش فراگیر و مناسب برای اطفال را برجسته می سازد.

شجاعت بسیاری از همکاران ما در کار کردن در مناطق جنگی، الهام بخش ما می باشد. طالبان، صدها دختر را به دلیل رفتن به مکتب کشته اند و چهار تن از همکاران ما در کمیته نجات بین المللی (IRC)، در اوایل سال جاری از جان گذشتگی فراوانی از خود نشان دادند و به دلیل آموزش به اطفال در این کشور از هم پاشیده، توسط طالبان کشته شدند. علاوه بر اندوهی که در دل داریم، نباید فراموش کنیم که نتیجه تلاشهای آنها و افراد بیشمار دیگری در سازمانهای دولتی و غیر دولتی، به ثبت نام 2.1 میلیون دختر افغانی در مکاتب منجر شده است، این رقم هفت سال پیش صفر بود.

گزارشاتی از وقایعی که در برونی دارالسلام، هند، اندونزی، نپال، تاجیکستان، و تایلند رخ داده، به دست ما رسیده است. شماره بعدی خیرنامه EENET Asia در تاریخ مارچ 2009 منتشر خواهد شد. خواهشمندیم مقالات، پاسخ خود به این شماره و گزارش وقایعی که در شهر یا کشورتان رخ میدهد را برای ما ارسال نمایید. ما منتظر دریافت آنها از شما می باشیم.

## سرمقاله میهمان: آموزش اطفال، پی ریزی زندگی است

ونیتا کائول

آیا تا بحال به شگفتی و اهمیت سال های ابتدایی زندگی یک طفل یا هر انسان دیگری اندیشیده اید؟ همانطور که شخصی بدرستی اشاره کرده است «سال های ابتدایی زندگی هر طفلی تا آخر عمرش با او باقی می ماند». همچنین میراث فرهنگی آسیایی ما ۵ سال اول طفولیت را سال های شکل گیری می داند که طی آن اطفال ارزش ها را می پذیرند و کردار خود را شکل می دهند که تا آخر عمرهم با آنها خواهد ماند. و هم اکنون تحقیقات اخیر بین المللی در زمینه علوم روانی خصوصا در مورد رشد مغز نیز تاکید می کنند که سال های اولیه طفولیت نقش اساسی در توسعه زندگی دارند، چرا که رشد مغز در این سال ها از آهنگ و رشد بالایی برخوردار است. شواهدی وجود دارند که نشان دهند تجربیات مبتنی بر رشد مغز در سال های اولیه، یک سری رشته های عصبی و زیست شناسی را بوجود می آورد که بر صحت، یادگیری و رفتار فرد در طول زندگی تاثیرگذار هستند. شواهد زیادی هم اینک موجود است که نشان می دهد طی این سال های اولیه زندگی، برخی دوره ها وجود دارند که از آنها بعنوان دوره های مهم و اساسی شکل گیری شناخت ویژه و شایستگی های اجتماعی و روان سنجی یاد می شود که اساسا موجب موفقیت های بعدی در زندگی هر کس می شوند. این دوره بطور ویژه در شکل گیری زبان و مهارت های اجتماعی، تفکرهای نمادین و مهارت های مربوط به توان مقایسه، نقش دارد که همه آنها در زمان مکتب و در زندگی هر فرد اهمیت دارند.

اگر در طی این دوره مهم، طفل از مزایای یک محیط برانگیزاننده و غنی فیزیکی و روانی-اجتماعی بهره مند نشود، فرصت رشد مغزی او، در بالاترین حد امکان، بطور چشمگیر و بعضا بطور غیرقابل جبرانی کاهش می یابد. این تحقیق ساحاتی را، بویژه در کشورهای در حال انکشاف، شناسایی کرده است که در آنها فرصت ها و موقعیت های زندگی درصد بالایی از اطفال بدلیل فقر، در معرض خطر قرار دارد. در بسیاری از کشورها زمانیکه اطفال فقیرتر به سن مکتب می رسند با کمبودهای مهم در زمینه مهارت های شناختی و اجتماعی روبرو هستند. چیزی که باید منطقا در این سال ها پیگیری شود، اهمیت حیاتی سرمایه گذاری بمنظور تضمین یک محیط مناسب برای همه اطفال و در نتیجه پایه گذاری درست و سالم یک زندگی است. این مهم نه تنها حق هر طفلی است بلکه در دراز مدت بر کیفیت سرمایه های انسانی در دسترس کشور، خصوصا در منطقه ما، ( که در سال های آینده بزرگترین امتیاز ما داشتن نیروی جوان خواهد بود)، تاثیر می گذارد.

اما چگونه می توانیم اطمینان یابیم که همه اطفال از یک پایه درست و سالم زندگی برخوردار هستند؟ در واقع بهترین سرمایه گذاری که در سال های اولیه زندگی هر طفل می توانیم انجام دهیم، استفاده از یک برنامه با کیفیت «آموزش و مراقبت در دوران طفولیت» ( ECCE ) است. هم اینک تحقیقات بین المللی زیادی حکایت از آن دارند که اطفالی که برنامه فوق را پشت سر گذاشته اند در زندگی خود خصوصا در زمینه کیفیت زندگی خانوادگی، وضعیت کاری و انطباق کلی خود با جامعه موفق بوده اند. با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی طی چند دهه اخیر، که اغلب استرداد خانه های بدون تجهیزات لازم برای نگهداری و مراقبت بهتر اطفال را در بر داشته است، نیاز به تعلیم و تربیه با کیفیت در دوران طفولیت حتی اهمیت بیشتری هم یافته است. تغییرات مزبور خاص در ارتباط با تغییراتی است که در ساختار خانواده پدید آمده، از شکل خانواده مشترک و بزرگ تا شکل خانواده هسته ای. بنابراین تربیت و کلان کردن اطفال که سابقا یک مسئولیت مشترک در خانواده بود، امروزه فقط بر دوش پدر و مادر است. حتی

اغلب این مسئولیت حالت طبقه بندی شده هم پیدا کرده است، بدین مفهوم که در حالیکه اطفال طبقه بالای اجتماعی اقتصادی بدست پرورش دهندگان مزد بگیر عمدتاً آموزش ندیده و موقتی سپرده می شوند، در طبقات اجتماعی-اقتصادی پایین تر، مسئولیت مراقبت از اطفال معمولاً بر دوش خواهران بزرگتر است که اغلب موجب پرورش آنها خارج از مکتب و در واقع به هدر رفتن دوران طفولیت و محرومیت آنها از تحصیل می شود. بعلاوه رشد شهرنشینی و افزایش اشتغال مادران خارج از خانه، امکان اطمینان از کیفیت تعالیم ابتدایی غیر رسمی و آموزش اطفال در منزل، را تحت الشعاع قرار می دهد. این تحولات اجتماعی در کنار پی بردن به اهمیت سال های اولیه زندگی است که برای داشتن یک زندگی با کیفیت، اولویت را به تعلیم و تربیه با کیفیت در دوران خردسالی داده است.

یک برنامه با کیفیت «آموزش و مراقبت در دوران طفولیت» (ECCE) چگونه است؟ یک برنامه با کیفیت «آموزش و مراقبت در دوران طفولیت»، برنامه ای است که از نیازهای کلی اطفال در زمینه صحت، تغذیه و تحصیلات حمایت می کند. در حالیکه در سه سال اول زندگی نیازهای تغذیه ای طفل اولویت دارند (چرا که این دوره زندگی مرحله مهمی است که بالاترین احتمال سوء تغذیه وجود دارد)، در سنین بین ۳ تا ۶ سالگی اولویت با برنامه آموزش مناسب اطفال (ECE) است. امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا این مرحله پیش آموزشی تا سن ۸ سالگی ادامه پیدا می کند، چرا که اعتقاد بر این است که نیازهای رشدی و شخصیتی اطفال ۶ تا ۸ ساله بیشتر از آنکه با آموزش دوره ابتدائیه مطابقت داشته باشد با دوره کم سن تر طفولیت دارای نقاط مشترک است. بنابراین متدلوژی تعلیم و یادگیری باید در بازی ها و فعالیت ها در راستای برنامه مراقبت و آموزش در دوران طفولیت، تداوم داشته باشد. مسلماً باید به سنین ۶ تا ۸ سالگی بعنوان دوره گذار نگاه کرد که باید تا حد امکان دوران خوشایندی برای اطفال باشد تا بتوانند خواسته های رسمی تر تحصیل در مقطع ابتدائیه را با موفقیت پاسخگو باشند.

هدف یک برنامه مناسب «آموزش و مراقبت در دوران طفولیت»، عمدتاً پروراندن زمینه در اطفال در تمام ادوار توسعه است. و شامل فعالیت هایی برای توسعه فیزیکی و حرکتی، رشد زبانی، رشد اجتماعی و عاطفی، رشد شناختی و همچنین توسعه قدرت زیبایی شناسی و خلاقیت در اطفال می باشد. اعتقاد تمام متخصصان امر آموزش براین است که بازی بهترین وسیله آموختن در این مرحله است چرا که بازی یک امر طبیعی برای اطفال محسوب می شود و در واقع کلید خلاقیت و عامل اصلی علاقمندی اطفال نسبت به آموختن است. بهتر است برنامه «آموزش و مراقبت در دوران طفولیت» به زبان مادری اطفال که تا بحال با آن آموخته اند و از آن استفاده کرده اند، باشد. بدین طریق آنها می توانند دانش جدید را خیلی راحت تر یاد بگیرند و در آن پیشرفت کنند. فعالیت های اطفال باید مورد تشویق قرار گیرند و همچنین باید فرمولی، که همه جوانب رشد را در بر می گیرد، طراحی شود، بنحوی که در هر گامی که طفل به سمت پیشرفت برمی دارد، تشویق گردد. همچنین نیازهای رشدی آنها در شرایط پیچیده افزایش می یابد و بنابراین نیازمند میزان بالاتری از تشویق است. فعالیت هایی که در زمره بازی محسوب می شوند عبارتند از: داستان، شعر، بازی های زبانی، بازی های عددی و پیش عددی، موسیقی و تحرک، هنر خلاق و مهارت، بازی با گودی و سامان بازی های سبک، فعالیت هایی برای رشد و تقویت بخش حرکتی، خلق یک نمایش و فعالیت هایی که به اطفال اجازه کشف کردن، تجربه اندوختن، سؤال پرسیدن، دلیل آوردن و حل مشکلات کوچک را می دهد. وسایل لازم برای بازی/یادگیری عبارتند از: کتاب داستان های عکس دار، کارت های داستان، قطعات ساختمانی، و دیگر وسایل دست ساز، پازل، گودی و



سامان بازی های سبک برای بازی های تخیلی/تفکری، کارت آموزش زبان و اعداد و ارقام، دومینو، وسایلی برای خواندن عکس و نظایر آن. باید بین میزان بازی های آزاد و بازی های دیکته شده، بازی های داخل صنف و بازی های خارج از صنف، بازی های فردی، گروهی کوچک و گروهی بزرگ و همچنین فعالیت هایی که در سکوت انجام می شوند و آنهایی که نیازمند انرژی بیشتری هستند، توازن برقرار شود. اطفال ۵ تا ۶ ساله نیازمند فعالیت های آماده سازی مخصوص مکتب درباره مهارت ها و مفاهیم پیش از نوشتن، پیش از خواندن و پیش از شمارش اعداد هستند. بنابراین یک برنامه خوب طفل محور، برنامه ای است که بر مبنای نیازهای رشدی اطفال، خصوصیات و علایق آنها طراحی شده و نیز بر ارتقاء برخی از مهارت های اولیه و رقابتی بین اطفال تکیه داشته باشد که از طریق آنها، وی برای رفتن به مکتب و همچنین وارد شدن به عرصه زندگی آماده می شود. لست برخی از این فعالیت ها برای رجوع آسان در صفحه میانی این جزوه موجود است. معلم ها می توانند این لست را روی یک چارت دیواری در صنف قرار دهند تا دائما هدفی را که برای رسیدن به آن زحمت می کشند، به خاطر بیاورند. البته در این حالت احتمال از بین رفتن تمرکز معلم حین تدریس وجود دارد.

متاسفانه با نگاهی به اطراف خود متوجه می شویم که این نوع از برنامه مترقیانه «آموزش در دوران طفولیت» فقط در دسترس تعداد محدودی از اطفال قرار دارد. در حالیکه اکثریت اطفال بویژه در جوامع فقیرتر از هیچگونه برنامه «آموزش و مراقبت در دوران طفولیت» برخوردار نیستند یا برنامه ای که بدان دسترسی دارند، دارای کیفیت پایینی است، تعدادی از اطفال به فلسطان های خصوصی که مثل سمارغ همه جا سر درآورده اند، می روند. در خلاء وجود مقررات یا سیستم شناسایی، این فلسطان ها معمولا توسط مربیانی اداره می شوند که فاقد آموزش و مهارت در زمینه آموزش در دوران طفلی هستند. در نتیجه در این فلسطان ها در عمل آموزش رسمی و سوادآموزی و شمارش اعداد (که قاعدتا باید در مکتب ابتدایی تدریس شود) تدریس می شود؛ این در حالی است که اطفال در این سن از نظر بلوغی و تجربه ای آمادگی ندارند. این فرایند فشارهای آکادمیک فراوانی را روی اطفال وارد می آورد که می تواند برای رشد و پیشرفت آنان مضر باشد. تحقیقات نشان می دهد که زمانی که اطفال می خواهند چیزهایی را که یاد گرفته اند، حتی از طریق مصنوعی و طوطی وار حفظ کردن، عملی کنند، این امر می تواند برای رشد شخصیتی آنان مضر باشد. اولاً وقتی از آنان انتظار می رود که ورای توانایی هایشان یاد بگیرند، امکان شکست بیشتر از موفقیت می شود. این در واقع نتیجه آن چیزی است که آنرا نشانه «یادگیری احمقانه» می نامیم به این مفهوم که طفل در حقیقت نادان نیست اما بدلیل این توقع بیجا، شروع به قبول این باور می کند که نادان است و در واقع سطح اعتماد برای زندگی را از دست می دهد. تاثیر معکوس دوم این است که تحصیل آکادمیک زود هنگام پایه های ضعیفی را بوجود می آورد که کل آموزش و تحصیلات آتی روی آن قرار می گیرد. همچنین اطفال تحت فشار تنها طوطی وار یاد می گیرند که خود منجر به بوجود آمدن یک عدم توازن در وی می شود، چرا که دیگر مهارت های شناختی و زبانی او به آن حدی که باید باشد، نرسیده و رشد نکرده است. مهمتر از همه، در پرتو فشار شاهد پدیده ای خواهیم بود که به «فرضیه تخریب علاقه» معروف است. یعنی اطفال سعی می کنند مهارت هایی را که از آنها خواسته شده است، یاد بگیرند، بیاموزند اما بدلیل فشار بیجا برای یادگیری، آنها تمایل و علاقه خود را برای استفاده از این مهارت ها از دست می دهند. آیا تا بحال نشنیده ایم که بسیاری از معلمان و والدین شکایت دارند که علیرغم اینکه فرزندشان خواندن را یاد گرفته، اما علاقه ای به خواندن کتابی بجز کتاب های درسی اش را ندارد! هم برای والدین و هم برای معلمان لازم است به یاد داشته باشند که این مسئله ممکن است در برنامه آموزشی مناسب مترقیانه که دوباره از سر گرفته شده است،

مناسب باشد و در بلند مدت نتایجی را برای اطفال در بر داشته باشد. بنابراین خیلی مهم است که ما معلمان ضمن مشورت با یکدیگر، معلومات و دانش خود را در مورد یک برنامه خوب «آموزش و مراقبت در دوران طفولیت» در اختیار هم قرار دهیم. پس به طریق خیلی ساده عرضه و تقاضا می توانیم خواستار یک برنامه خوب که بدون شک حق هر طفلی است، شویم.

خانم ونیتا کائول، دارای مدرک ماستری در زمینه آموزش از بخش آسیای جنوبی مرکز انکشاف بشری بانک جهانی در دهلی نو است. با ایشان می توانید از طریق آدرس زیر تماس بگیرید:

[vkaul@worldbank.org](mailto:vkaul@worldbank.org)

The World Bank, 70, Lodi Estate, New Delhi 110 003, India

به یاد و خاطره نیکول دایل (Nicole Dial) ، شیرلی کیس (Shirley Case)، محمد ایمل، ذیبح الله (IRC Afghanistan) و جکی کیمرک (دفاتر مرکزی IRC Afghanistan) ، و تمام مدرسان ملی و بین المللی؛ معلمان؛ والدین و متعلمین شجاع و متعهدی که حین پیشبرد و حمایت از آموزش اطفال آسیب پذیر در شرایط فوق العاده مشکل در کشورهای جنگ زده، خود قربانی خشونت های نظامی شدند.

**تقویت آموزش در کشورهای جنگ زده:  
بازسازی برای فراگیری و مناسبت**

هئت تحریریه



سه نداد،  
توسط موسسه نجات اطفال

توانند بمنظور بهره مندی از حقوق و نیازهای آموزشی خود منتظر خاتمه جنگ و منازعه بمانند. "سیستم آموزش برای اطفال متأثر از جنگ" از اسناد و طرح های آموزشی، کنفرانس های بین المللی آموزشی، و مذاکرات مربوط به "آموزش برای همه" بهره مند نمی باشد. با این همه عملی داکار در سال ۲۰۰۰ بیان می دارد که جامعه بین الملل به منظور تحقق طرح "آموزش برای همه" باید نیازهای نظامهای آموزشی کشورهای جنگ زده، بلاهای طبیعی و بی ثباتی آموزش همگانی را رفع نماید. در



چنین شرایطی، بدین منظور، شرکای بین المللی با همکاری شرکای دولتی و غیردولتی باید آموزش را از سر گیرند.

منازعه و درگیری نظامی موجب بی خانمان شدن عده کثیری از مردم می شود و اطفال را در معرض خطرات جدی قرار می دهد. جوانانی که در شرایط جنگ و درگیری زندگی می کنند، در معرض آسیب، تکان روحی و مرگ قرار دارند و همچنین کار اجباری استثماری یا فراخوانده شدن اطفال به خدمت عسکری یا سوءاستفاده از آنها تحت عنوان بردگان جنسی دور از انتظار نیست. در واقع اطفال در این شرایط با مسولیت های جدیدی که خاص بزرگسالان است، از قبیل تامین هزینه های زندگی یا مراقبت از خواهر و برادرهای خود، روبرو می شوند. حتی زمانی که جنگ و منازعه خاتمه یابد نیز آینده آنها تباہ شده است چرا که سن فراگیری آنها گذشته است و فرصت را از دست داده اند.

تقویت آموزش در کشورهای جنگ زده با چالشهای خاصی مواجه است. درگیری نظامی تاثیر بدی روی نظام های آموزشی می گذارد، خانواده ها را از هم می پاشاند، بقاء و زنده ماندن را ضروری ترین نیاز میگرداند و موجب نابودی نظام های آموزشی می شود. با این حال، آموزش می تواند مهارت ها و دانش لازم را که برای زنده ماندن بدانها نیاز است، در اختیار اطفال قرار دهد و زمانی که بزرگ شدند احتمال وقوع دوباره منازعات نظامی را کاهش دهد. در محیط یک مکتب رسمی یا غیررسمی اطفال در واقع می توانند روند بازپروری و ترمیم آسیب های روحی و غم و غصه هایشان را آغاز کنند و همچنین احساساتشان را بدون هیچگونه ترس، بیان نمایند. مکاتب در پشتیبانی از اطفال و درک احساساتشان و همچنین انکشاف اجتماعی آنها از طریق فراهم کردن رفاه، امنیت و فرصت - که برای اینها معلمان نیز نیاز به آموزش و حمایت دارند-، حیاتی و مهم هستند.

هر روز به مکتب رفتن حس نرمال و طبیعی بودن را ایجاد می کند و تنها در چنین محیطی است که اطفال اجازه پیدا می کنند تا مثل یک طفل رفتار کنند. در جوامع جنگ زده، آموزش باید به مثابه لازمه بوجود آمدن صلح بلندمدت و رفاه نگریسته شود.

اگرچه تعداد اطفالی که در سن رفتن به مکتب ابتدائیه هستند ولی به مکتب نمی روند، در سالهای اخیر از ۱۰۰ میلیون به ۷۲ میلیون کاهش پیدا کرده است، ولی وضعیت کشورهای جنگ زده بهبود کمتری یافته است. در واقع این کشورها به تنهایی نیمی از اطفالی را در خود جای می دهند که در کل دنیا نمی توانند به مکتب بروند.

سالها طول می کشد تا یک نظام آموزشی که درگیرجنگ بوده است دوباره بهبود یابد و به وضعیت اولیه بازگردد؛ حتی ممکن است یک نسل از آموزش و عوایدش بطور کلی محروم شود، همچنین نرخ پایین سرمایه گذاری بین المللی در زمینه آموزش در کشورهای در حال جنگ، تنها بمقدار کمی می تواند اوضاع را تسکین دهد. در میان ۲۰ کشوری که در سال ۲۰۰۸ بعنوان کشورهای بی ثبات در معرض خطر هستند، نام افغانستان، پاکستان، سریلانکا و کره شمالی به چشم می خورد. بسیاری از کشورهای فقیردر لست کشورهای محروم جای دارند که خود در بردارنده این پیام است که درگیری و منازعه موجب فقر می شود و برعکس؛ در همین حال تاریخ نیز به ما آموخته است که نیمی از کشورهای بی ثباتی که راه صلح را در پیش گرفته اند، حداکثر پس از پنج سال دوباره گرفتار جنگ و منازعه شده اند. سریلانکا و تیمورشرقی دوکشوری هستند که عمدتاً در لست سیاه ورودی و خروجی منازعه و شرایط اضطراری بوده اند. اطفال اغلب تمام دوران طفولیت شان را در شرایط اضطراری می گذرانند. حمایت از آموزش در چنین شرایطی با تمرکز ویژه بر آموزش فراگیر برای همگان دارای اولویت نیست. به

هرحال تجربیات نشانگر آن هستند که حتی در چالش انگیزترین شرایط هم امکان ارائه آموزشی با کیفیت وجود دارد. در افغانستان، نرخ ثبت نام در سطح مکاتب ابتدائیه طی چند سال گذشته بطور پیوسته افزایش یافته است. وجود ۱.۷ میلیون دختر در مکاتب ابتدایی بالاترین رقم در تاریخ افغانستان و در واقع یک مرحله مهم و برجسته در تاریخ کشور محسوب می شود. با این وجود هنوز بسیاری از دختران با موانع عمده ای در راه تحصیلشان از قبیل، کمبود مکتب، فاصله و دور بودن مکتب و ازدواج در سن پایین روبرویند. در جنوب و شرق افغانستان، ناامنی و همچنین حملات هدفمند به مکاتب، دسترسی اطفال را به مکاتب همچنان با موانع اینچنینی روبرو ساخته است، ضمن آن که گروه های اقلیت متعدد و نیز اطفال دارای معلولیت از حق آموزش عمومی محروم هستند.

در حال حاضر نهادهای ملی و بین المللی در افغانستان، از طریق ساختن و بازسازی مکتب، تهیه جا و همچنین بیک و کتاب و نیز سرعت بخشیدن به برنامه ریزی آموزشی با هدف هماهنگ ساختن دوباره اطفالی که به مکتب نمی آیند با صنف مربوط به رده سنی آنها، در زمینه توانمندسازی وزارت معارف تلاش می کنند. علاوه بر این، برنامه های غیر رسمی و فراگیر برای انکشاف و پیشرفت اطفال به حاشیه رانده شده در نظر گرفته شده است، به شمول اطفال کوچی، اطفال اقلیت سیک، اطفال معلول، اطفال بیجا شده داخلی و اطفال پناهنده ای که از کشورهای همسایه عودت می کنند.

تلاش حاضر در واقع رویکردی دو بعدی است که بین نیازهای آموزشی عملی و فوری، و نیازهای بلند مدت آموزشی مردم و کل کشور توازن برقرار سازد و بر پایه هدف نهایی انکشاف ملی و فراگیر و متوازن بنا شده باشد. برای مثال، افغانستان به چند صد هزار معلم نیاز دارد که از این میان 48 هزار نفر آنها باید زن باشند، البته در صورتیکه شاهد افزایش چشمگیر ثبت نام باشیم. تنها یک سوم زنان معلم در افغانستان از آموزش لازم برخوردارند. نزدیک به 27 هزار معلم زن که هم اکنون مشغول تدریس اند، نیازمند حمایت های مسلکی-کاری به منظور افزایش دانش و مهارتهای خود در زمینه تدریس، می باشند.

وضعیت اطفال در کشورهای جنگ زده، درست مثل غرق شدن کشتی در وضعیتی است که هیچ قایق نجاتی درکار نباشد. سرنوشت این اطفال در گرو اولین قایق نجاتی است که برای نجات آنها به سمتشان بیاید. این قایق نجات می تواند یک گروه نظامی، گروه جنایی، افراطی یا مکتب باشد. اگر هیچ مکتبی آنها را نجات ندهد و یا قایق نجات جای کافی برای حمل تمام اطفال در سن مکتب نداشته باشد، این فرصت در واقع به دیگر گروهها واگذار می شود که غالباً تخریب کننده بوده و انتخابی اجباری را بر آنها تحمیل می کنند.

علیرغم همه این مشکلات، اطفال افغان و خانواده هایشان نشان داده اند که در مواجهه با جنگ، منازعه و ناامنی از انعطاف پذیری فوق العاده ای برخوردارند. اکنون باید آموزش بعنوان وسیله ای جهت صلح و جلوگیری از جنگ و منازعه بکار گرفته شود. طراحی و انجام مداخلات ویژه که ممکن است در بخشهای مختلف کشور متفاوت باشد، (ضمن توجه به دغدغه های امنیت محلی، ظرفیت حکومت، مناطق و نواحی که بیشترین نیاز را دارند و چگونگی همکاری بهتر با تمویل کنندگان و همچنین تلاش های محلی در این زمینه) بسیار حائز اهمیت می باشد.

ثبت نام متعلمین در روستاهای افغانستان با افزایش چشمگیر 400 درصدی در سال 2002 مواجه بوده است. با این حال تنها ثبت نام و

بازگشت به مکتب کفایت نمی کند و چنین روستاهایی باید با معیارهای دیگری، که حاکی از آن است که در صنف درس در حوزه آموزش و یادگیری چه اتفاقی می افتد، مورد سنجش قرار گیرند. واکنش های بخش تعلیم و تربیه همچنین باید از انعطاف پذیری برخوردار باشد و در کل دربرگیرنده صحت، تغذیه، آب آشامیدنی و نیز سیستم تخلیه فاضلاب، محیط آموزشی، پشتیبانی و دیگر نیازهای اساسی و حقوقی، همگی بر مبنای ظرفیتهای فعلی این بخش باشد. آموزش معلمان، مشارکت دادن جامعه در طرح ها و مدیریت محیط آموزشی و بازبینی مواد درسی به لحاظ محتوای تبعیض آمیز و همچنین بطور همزمان در پیش گرفتن برنامه هایی که حقوق بشر و صلح را آموزش و تمرین می دهند، برای ارتقا کیفیت آموزش امری حیاتی محسوب می شوند. آموزش باید با فرایند ملت سازی در افغانستان ادغام گردد.

آموزش مبتنی بر اصول عدم تبعیض باید با هر اقدام مسئولانه ادغام گردد. برنامه های آموزشی که بطور مناسبی طراحی شده باشند، همزمان با توسعه مواردی چون حل مسئله، منازعه و درگیری، متعادل شدن صلح، برابری و حقوق بشر از هويت شناختی، روانی و اجتماعی و فیزیکی اطفال نیز حمایت می کنند. این برنامه ها همچنین شامل آموزش مهارتهای زندگی مثلا در ارتباط با آگاهی دادن نسبت به زمین های ماین گذاری شده و همین طور ایدز و ویروس HIV می شود. حتی در زمان صلح، برخی از گروه های متعلمین نظیر دختران، اطفال معلول و اقلیت ها ممکن است از نظر اجتماعی به حاشیه رانده شوند و از حق آموزش عمومی محروم گردند. در شرایط اضطراری احتمال دارد که گروه هایی که از حق خود محروم گشته اند افزایش یابد و گروه های جدیدی از اطفال دارای نیازهای خاص، از قبیل اطفال سرباز، اطفال معلول بر اثر ماین های کار گذاشته شده در زمین ها، اطفال جدا شده از خانواده، اطفال بیجا شده داخلی، پناهندگان و ایتام ظهور پیدا کنند. بازسازی نظام آموزشی فرصت خوبی را برای انتقال آموزش با کیفیتی که پاسخگوی نیازهای همه اطفال باشد، فراهم می سازد. این

نیکول، شرلی و جکی این فرصت را یافته اند که بطور خستگی ناپذیری بمنظور انتقال آموزشی که بیشترین حالت فراگیری را داشته باشد، کار کنند. کمک این افراد در قلب و ذهن جامعه افغان، کارمندان، گروه های همکار آنها نقش بسته است. و برای آنها دلتنگ خواهند شد. ما خود را متعهد می دانیم که کار آنها را ادامه دهیم و ارزش هایی را که آنها بخوبی ایجاد کرده اند، زنده نگهداریم.

فرصتی است که افغانستان نباید آن را از دست بدهد.



## توجه و مراقبت از اطفال

### مراقبت از آینده خود ماست

#### فریدا توروبکوا

بعد از سه روز برنامه آموزشی متوجه شدم که گروه های مختلفی از اطفال در کشور زندگی می کنند؛ اطفال معلول، اطفال خانواده های فقیر یا پر اولاد، اطفال کارگر یا اطفالی که دیگر تحت سرپرستی والدینشان قرار ندارند. بنابراین ما معلمها باید با همکاری والدین، جامعه و مقامات دولتی فضایی را فراهم سازیم تا در آن، این اطفال بتوانند در کنار دیگر اطفال تحصیل نموده و در خانواده هایشان زندگی کنند. "توجه و مراقبت از اطفال در واقع توجه و مراقبت از آینده خود ماست."

به محض تکمیل اولین طرح اصول اولیه و مفهوم آموزش فراگیر، تقریباً تمامی معلمها این چنین فرم هایی را برای مربیان پر کرده اند. پروژه "حمایت از حقوق اطفال در آموزش و پیشرفت" توسط یونیسف ترتیب و در می 2008 آغاز گردید. اهداف اولیه این پروژه پیشبرد و گسترش رفتار و منش دوستانه معلمان نسبت به اطفال و استفاده از آنها در روش های آموزش فراگیر منطقه کادامچیا از توابع بتکن اوبلاست بود.

یکپارچه سازی موفقیت آمیز اطفال نیازمند حمایت قوی والدینی است که در ابتدا باید نسبت به اهمیت آموزش و تحصیل اطفال در روستایی که در آنجا و همچنین در مزارع کار می کنند، آگاه شوند.

کلبو مونولوا، معلم مکتب ابتدائیه، مکتب میدان

بعنوان بخشی از این پروژه، 129 معلم آموزش دیدند و کار خود را به منظور شناسایی اطفالی آغاز کردند که به دلایل مختلف به مکتب نمی روند. این معلمان اکنون دریافته اند که اطفال به دلایلی که پیش از آن هیچکس فکرش را نمی کرد، از رفتن به مکتب محروم هستند. طبق نخستین نتایج بدست آمده در طی هفته اول، اطفال خانواده های مذهبی ترجیح می دهند تا به مدرسه بروند و بنابراین تحصیل در مکتب های متداول را قبول نمی کنند. بسیاری از اطفال معلول، امروزه می توانند با استفاده از سیستم آموزشی برای افراد منفرد، در خانه به تحصیل بپردازند. اما بدیهی است که در این صورت اطفال معلول نمی توانند زندگی در مکتب و فعالیتهای آن را تجربه کنند، آنها نمی توانند وقت خود را با دیگر اطفال سپری کنند، که این موضوع خود در داشتن آموزشی با کیفیت از اهمیت بالایی برخوردار است. بنا به دلایل اقتصادی، والدین اغلب ترجیح می دهند اطفال شان را برای تحصیل به مکاتب شبانه روزی یا پرورشگاه بفرستند. در اجرای پروژه، ما با موارد حادثری مواجه شدیم. طی جلسه آموزشی برای اعضای کمیسیون روانپزشکی و علمی، از یک خانم خواسته شد تا پسر 7 ساله خود را از مکتب شبانه روزی اوخکورگون خارج سازد. تمام اعضای کمیسیون طی این جلسه به معاینه این پسر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که او از صحت کامل برخوردار است و از اینرو باید به مکتب معمولی برود. ما برای مدت طولانی با مادر این طفل صحبت کردیم تا وی را قانع کنیم که تحصیل در مکتب شبانه روزی، با اختلالات روحی و عاطفی همراه است و بدین سان تحصیل در چنین مکاتبی مناسب پسر وی نیست. پر واضح بود که

این مادر به علت فقر مجبور شده بود چنین کاری بکند اما ما برایش توضیح دادیم که باید اولویت خود را در برخورداری پسرش از یک زندگی شاد قرار دهد، چیزی که با زندگی دور از خانه و دور از والدین غیر ممکن می گردد. در پایان این مادر قانع شد تا طفلش را به خانه بازگرداند.

در این پروژه برای پرداختن به موضوعاتی از این دست، انجمن های والدین و معلمان و کانون های اطفال در 5 روستای آزمایشی در ساحه کدجایی تشکیل شدند. این انجمن ها شامل والدین، معلمان، مددکاران و نمایندگان مقامات محلی می شدند.

### وظایف اصلی این انجمنها:

- حمایت از حقوق و منافع اطفال
- همکاری با مقامات محلی به منظور ایجاد شرایط لازم که اطفال را قادر به یادگیری و مشارکت نماید.
- بسیج والدین و جامعه به منظور تدارک آموزش برای همه اطفال

برای اجرای وظایف بالا، انجمن ها تصمیم گرفتند تا همکاری تنگاتنگی با رهبران مساجد محلی داشته باشند تا از این طریق، والدین مذهبی را نسبت به اهمیت کیفیت آموزش همه اطفال آگاه سازند. برای فراهم ساختن آموزش فراگیر اطفال در خانه، اعضای انجمن روستای اروزبکو تصمیم گرفتند تا در تالار اوخنه یک گروه مرجع تشکیل دهند. در اینجا قبل از اینکه اطفال بطور کامل وارد نظام آموزش فراگیر شوند، صنوف فردی با معلم دارند و سپس در جریان آموزش متداول قرار خواهند گرفت. ما همچنین به اهمیت مشاوره دادن به والدین پی بردیم، چرا که بیشتر آنها از حقوق اطفال آگاهی ندارند و در اغلب موارد، حقوق اطفال را به هیچ وجه لحاظ نمی کنند. بیایید منافع اطفال را در نظر بگیریم.

صادقانه بگویم، قبل از این دوره آموزشی، هرگز راجع به اطفالی که از مکتب رفتن محرومند فکر نکرده بودم. و فکر می کردم که درست همین است، اطفال به دلایل مختلفی نظیر معلولیت، فقر، کار در خانه و غیره نمی توانند به مکتب بروند. اما حالا من متوجه شده ام که این موضوع که اطفال به مکتب بروند بسیار مهم و حیاتی است، چرا که همه آنها از حقوقی مشترک و واحد برخوردارند.

سلیمه زیکیروا معلم مکتب ابتدائیه، مکتب اوخنه هوگن

### کانون اطفال چیست؟

کانون اطفال جایی است که در آن اطفال قادر هستند نقطه نظرات خود را بیان کنند و به همراه تعداد زیادی از متعلمین دیگر در فعالیتهای جالب مشارکت نمایند، راجع به مسائل مربوط به مکتب و زندگی در روستا با هم بحث کنند. بنابراین، چنین کانون هایی نقش مهمی در علاقمند ساختن اطفال در رفتن به مکتب بازی می کنند. اخیرا انجمن های والدین و معلمان، در کانون های اطفال درباره راههای ایجاد محیط صمیمانه تر، بازتر، و فضایی جذابتر در مکاتب، بحث و تبادل نظر داشته اند. این امر، مستلزم وجود سرمایه و بودجه می باشد و گروهها، خواهان ایجاد پروژه ها و پذیرفتن هزینه های آن و فعالیتهایی در زمینه بالا بردن سطح آگاهی هستند. در نتیجه کل جامعه از این موضوع سود خواهد برد. ورود هر طفل به مکتب در واقع فرصتی برای مکاتب بوده تا وی را انعطاف پذیرتر و از نظر فکری

بازتر نمایند. این فعالیت اخیراً شروع شده است. بر این باور هستیم که اگر با همکاری یکدیگر و اطفال برای منافع آنها قدم برداریم نتایج پرباری در پی خواهد داشت.

خانم فریده توروبکوا مسئول کمیته نجات اطفال است. با او می توانید از طریق این آدرس تماس بگیرید:

farida@savechildren. kg

یا با آدرس پستی:

شهر اوش، شماره 1/7، سرک مامیرو، قزاقستان



## نقطه نظرات متعلمین در خصوص آموزش فراگیر در یک مکتب کمیته انکشاف روستایی بنگلادش

### تاهیه محبوب

در سال گذشته، جویتای، طفل 10 ساله، در حالیکه از معلولیت بینایی رنج می برد، با لحنی ملایم به من گفت: می خواهم که همه بتوانند تحصیل کنند.

در نخستین تجربه ام در برخورد با یک متعلم جوان در یک دوره آموزش همگانی، کاملاً نفهمیدم که عمق آرزوی این دختر چه بوده. با ادامه کار در زمینه آموزش همگانی، هم اکنون، اهمیت جملات آن دختر و احساسات افراد بسیاری از این دست را که برای آنان تحصیل و آموزش حتی در دنیای امروزی به مثابه یک آرزوی دور از دسترس است، درک می کنم.

تنها در جنوب آسیا، بیش از 17 میلیون طفل هنوز هم نمی توانند به مکتب بروند. سازمان های غیر دولتی به منظور کمک به اطفالی که به علت مشغله زیاد نظام های دولتی، تبعیض اجتماعی و هزینه های پنهان آموزش نمی توانند به مکتب بروند، گامهایی برداشته اند. کمیته انکشاف روستایی بنگلادش، بزرگترین سازمان غیر دولتی در بنگلادش، به شدت در زمینه آموزش فراگیر فعالیت می نماید. جامعه مبتلایان به فلج اسپاسمی هند (Spastics Society India) در این رابطه برنامه آموزشی مشترکی را با هدف ترویج آموزش فراگیر آغاز کرده است. کمیته انکشاف روستایی بنگلادش اخیراً در سرتاسر بنگلادش، بر 50000 مکتب ابتدائیه و پیش ابتدائیه که یک و نیم میلیون طفل را در خود جای داده، نظارت می کند. مکاتب معمولاً از یک اتاق که از چوب بامبو یا گل درست شده، تشکیل شده اند و طی 4 سال توسط تنها یک معلم اداره می شوند. این مکاتب در شعاع یک کیلومتری منازل متعلمین واقع شده و معمولاً ساعت کاری آنها مطابق با وقت متعلمین تنظیم می گردد. از سال 2003، مکاتب کمیته انکشاف روستایی بنگلادش طبق فلسفه آموزش فراگیر زیر اداره می شوند: آموزش فراگیر، رویکردی است که برآورده ساختن نیازهای همه متعلمین در وضعیتهای معمولی صنف درس، با قابلیت قبول متعلمین دارای نیازهای خاص، اطفال بومی، اطفال معلول، اطفال دختر و اطفال فقیر را مد نظر قرار داده است.

این مقاله در واقع انعکاس دهنده نظرات اطفال یکی از این مکاتب تحت نظر کمیته انکشاف روستایی بنگلادش است. این مکتب، متعلمین متعدد و متنوعی را از حیث سن، جنسیت و نیز میزان معلولیت در بردارد. من با استفاده از مدل نمونه آموزش فراگیر، مطالعه موردی مبتنی بر روشهای ترکیبی، مشتمل بر مشاهده، تکنیک و فن های ویژه برای اطفال (مثل رسامی و نوشتن پیام)، پرسشنامه، بحث گروهی متمرکز را طراحی کردم. و فرهنگ، خط مشی و فعالیتهای مکتب را مورد مطالعه قرار دادم. برخی از مشاهدات و آموخته های خود از این بررسی را در اینجا نقل می کنم.

### فرهنگ

فرهنگ یک مکتب در واقع بازتابی از فلسفه افرادی است که در آن مکتب کار می کنند یا در آن مکتب ثبت نام کرده و تحصیل می نمایند. فرهنگ مکتب به ما اجازه می دهد که حمایت، تعلق پذیری و احترام به محیط را که همگی برای معلمان، کارکنان و متعلمین مهم هستند، درک نماییم. بیشتر اطفال مکتب توجی احساس می کردند که مکتب آنها فرهنگ مثبتی دارد و در آن متعلمین و معلمان به آن احساس احترام و تعلق

خاطر دارند. نکاتی که در ادامه می آید بیانگر برخی از احساسات آنهاست.



مامور ساحوی اغلب برای بازدید می آید. وی اینجا در حال کمک به متعلمینی است که مسئله ریاضی حل می کنند.

" وقتی من برای اولین بار به این مکتب آمدم، همه متعلمین نیز آمده بودند. آنها (دیگر اطفال) با من بازی کردند و نه دعوا و مشاجره. آقا (معلم) به من درس داد. آنها می خواستند که من آنجا باشم، چرا که اگر من حتی یک روز به مکتب نمی رفتم، «آقا» نگران می شد. همه می خواستند که من اینجا بیایم و من هر روز به مکتب می رفتم." (شامالیا، 10 ساله)

" هر گاه شعری یاد بگیرم، آنوقت به مکتب می آیم و به آقا می گویم که شعر جدیدی یاد گرفته ام. بعد او از من می خواهد که به همصنفی هایم هم یاد بدهم. او از من می خواهد که شعر را در کتابچه خاطرات روزانه ام بنویسم. آن وقت آقا هم می تواند شعری یاد بگیرد و من احساس شادی می کنم." (شامالیا، 10 ساله)

با این حال، نبود احترام نیز بین متعلمین آشکار است، بویژه بین سرگروه ها و غیرسرگروه ها. شاید متعلمینی که سرگروه نیستند دوست ندارند تا سرگروه ها همیشه بزرگتر، باهوشتر یا زیرکتر تلقی شوند.

" سرگروه ها در مکتب بیشتر از سایرین صحبت می کنند و وقتی که ما شوخی می کنیم سعی دارند تا ما را کنترل کنند. اما هیچکس به حرف آنها گوش نمی دهد. دیگر متعلمین آنها را با خط کش یا سیلی می زنند. اگر سرگروه ها از متعلمین بخواهند که کاری انجام دهند لت می شوند." (رونگون، 12 ساله)

در همین حال احساس متعلمین حکایت از آن دارد که در ارتباط با مدل یادگیری دخواهشان مورد احترام واقع نمی شوند.

" من وقتی در گروه های کوچک حرف نمی زنم، همه به من می گویند که چرا حرف نمی زنم؟ یا چرا چیزی نمی دانم؟ یا تو نمی توانی این کار را انجام دهی، ولی ما می توانیم. همه به من می گویند که درس بخوان، و به این دلیل من درس خواندن را دوست ندارم" (شلو، 8 ساله)

معلمان برای برآورده ساختن توقعات تلاش زیادی می نمایند و در صورت لزوم زمان بیشتری را به متعلمین اختصاص می دهند. بیشتر اطفال امید زیادی نسبت به یادگیری دارند. در فعالیت " پیام در بوطل " متعلمین 35 موضوع که مایلند در مورد آنها در مکتب خواندن و نوشتن بیاموزند را لیست می کنند. با این وجود به نظر نمی رسد که این فعالیت بتواند در مورد اطفال معلول مصداق داشته باشد. یکی از این اطفال معتقد است که طی 3 سال گذشته هیچ چیز تازه ای یاد نگرفته

است. او می گوید طی این مدت هیچ کتابی نداشته و اغلب به او توجهی شده و به حاشیه رانده شده است. همچنین به وی زمان کافی برای پاسخگویی به سوالات داده نشده است.

## سیاستها و خط مشی ها

سیاستها و خط مشی ها، نوع طرح های در حال اجرا که تعیین کننده تصمیمات و اقدامات مکاتب هستند را مشخص می سازد. برای درک سیاستها، این موضوع مهم است که دریابیم آیا متعلمین احساس می کنند که قوانین و مقررات در جهت حمایت از رشد آنها بوده و دربردارنده محیط آموزشی مطمئنی هستند یا نه؟ مسائلی از قبیل خوگرفتن با محیط مکتب، ظاهر فیزیکی مکتب و ریشخند شدن نیز موضوعاتی مهم تلقی می شوند.

برای اطفال، خوگرفتن با مکتب بیشتر به مفهوم صمیمی شدن با دوستان جدیدشان است. آنها با هوشمندی بیان کرده اند که چگونه دوستانشان به آنها کمک کرده اند تا در اولین روز ورود به مکتب با آن خو بگیرند. برای طفل معلول این موضوع بیشتر به افرادی که در صنف نزدیک وی می نشینند مربوط می شود. برای دیگر اطفال، این موضوع بیشتر به کمک همصنفی ها در انجام فعالیتهای ترسیمی یا نوشتاری مربوط می شود.

یکی از متعلمین اشاره کرده است که " وقتی من برای اولین بار وارد این مکتب شدم، آبا به من یاد داد که چگونه کتاب را با تار بدوزم که صفحات آن جدا نشوند" بنابر این خو گرفتن با محیط مکتب برای بسیاری از آنان یک پروسه یک ماهه خوشایند می باشد که طی آن متعلمین و معلمان در جهت ایجاد حس بودن در اجتماع تلاش می کنند.

امکان دسترسی، حضور فیزیکی و ساعات کاری مکتب سه موضوع عمده در صحبت های اطفال است. اطفال واقعا دوست دارند مکانی برای درس خواندن داشته باشند.

"من مکتب ام را دوست دارم، اگر ما مکتب نداشتیم، مجبور می شدیم بیرون زیر باران بنشینیم، ما می توانیم همه در کنار هم در مکتب درس بخوانیم" (کوم کوم، 10 ساله)

با وجود این، بعضی متعلمین نسبت به تکه سختی که باید روی آن بنشینند، نور ناکافی، سرو صداهایی که موجب اختلال تمرکز آنها می شود، شکایت می کنند. برخی دیگر از مکان مکتب و ساعت کاری آن ناراضی اند. بعنوان مثال، برای یک طفل دارای معلولیت جسمی شدید، 5 دقیقه فاصله از خانه تا مکتب، بسیار است، در حالی که برای سایر اطفال 20 دقیقه پیاده روی تا مکتب، زمان کوتاهی است. در مورد ساعات کاری، مکتب تونجی معمولا از ساعت 1 تا 5 بعد از چاشت باز بود. چرا که معلم مکتب درگیر امتحانات بود و صنف ها از ساعت 9 تا 1 بعد از چاشت توسط یک معلم جانشین برگزار می شد. برخی از متعلمین این تغییر ساعت کاری را دوست دارند، در حالیکه برخی دیگر از آن رضایت ندارند. یکی از متعلمین می گوید "بعد از چاشت زمان مناسبتری است چرا که آبا می تواند از کالج بیاید و به ما درس دهد".

متعلمین با دلی پر، درباره تجاربشان از ریشخند شدن صحبت می کنند. شوخی و ریشخند کردن بعد مهمی از سیاست گذاری مکتب است چرا که عامل قابل کنترلی می باشد. با این وجود حتی در مکتبی به این اندازه، باز هم ریشخند کردن بخش متداولی از زندگی اطفال می باشد. یکی از اطفال گفت: " وقتی من انگلیسی را نمی فهمم، همه اطفال مرا

ریشخند می کنند. انگلیسی برای من سخت است... در حالیکه همصنفی  
هایم به من می خندند" (شامایلا، 10 ساله)

مشاهدات نشان می دهند که اطفال معلول کلامی، وقتی سعی دارند  
در صنف صحبت کنند، مورد تمسخر قرار می گیرند. در بحث گروهی متمرکز،  
متعلمین عنوان داشته اند که لغات و عباراتی نظیر "خر"، "غیر  
طبیعی"، و "احق" در بین متعلمین بکار می رود. حتی برخی از  
متعلمین ریشخند کردن و توهین کردن در حین کار گروهی را گزارش  
داده اند. بنابراین، تاکید بر این موضوع بسیار حائز اهمیت است که  
همه متعلمین باید آنچنان احساس راحتی کنند که در موقع ریشخند شدن،  
موضوع را با معلم خود در میان بگذارند.

"اگر کسی مرا ریشخند کند، من می توانم به آپا بگویم. بعد  
آپا به کسی که مرا ریشخند می کند می گوید تو تنها بخاطر اینکه  
چیزی را میدانی، دیگران را ریشخند می کنی؟ آیا این درست است؟ و  
بعد از آن، متعلمین، دیگر عبارتهای تمسخر آمیز را بر زبان نمی  
آورند." (رونگون، 12 ساله)

### تمرین

تمرین کردن یکی از شیوه های ملموس درس دادن- یادگیری است که  
در صنف دنبال می شود. حین مشاهده یک صنف به این نکته پی بردیم که  
متعلمین در واقع به درس هایی که مستقیماً پاسخگوی نیازهای شان  
هستند، نیازی ندارند. آنها بیشتر به راهنمایی معلم در شیوه حفظ  
کردن متن علاقمند هستند.

"اگر نتوانم چیزی را بفهمم، آپا آنها را بارها و بارها برای من  
تکرار می کند و وقت بیشتری به من اختصاص می دهد، ولی من باید قبل  
از اینکه به صفحه بعد بروم تمام صفحه را حفظ کنم." (شامایلا، 10  
ساله)

"آپا به من دو ساعت وقت بیشتری می دهد تا بتوانم متن را حفظ  
کنم و برایش بازگو کنم" (شلو، 8 ساله)

در مکتب در یادگیری مطالب حفظ کردنی، از متعلمین بطور برابر  
انتظار می رود و نه درمواد فهمیدنی. از سوی دیگر کمک همصنفان در  
این مورد، در عمل مشاهده شده است و متعلمین همگی از اینکه به  
دیگری کمک می کنند خرسند بودند.

"همصنفی ام به من کمک می کند. کوم کوم در ریاضی به من کمک می  
کند. او مباحث را روی تخته برای من ترسیم می کند و به من می گوید  
این یک مثلث است، مثلث سه ضلع دارد." (جویتای، 10 ساله)

من سرگروه هستم و در این باره مسئولیت دارم. وقتی آپا به ما  
درس زیادی ارائه می دهد و دوستان نمی توانند همه آن را بفهمند، من  
می توانم دوباره به آنها درس را بازگو کنم." (کوم کوم، 10 ساله)

اطفال از نحوه استفاده از منابع موجود در مکتب راضی بودند. در  
بحث گروهی متمرکز، متعلمین گفته اند از اینکه مجبور نبودند تا  
منابع آموزشی بخزند، خوشحالند. همچنین آنها گفته اند که از توزیع  
عادلانه منابع آموزشی در آغاز سال تحصیلی راضی بودند. طفلی گزارش  
داده که هیچکدام از کتابهای درسی صنف سوم و کتابچه مشق در اختیار  
وی قرار نگرفته است. یک شخص بزرگسال، کتاب های او را به یک

شاگرد دیگر داد و در نتیجه وی نتوانست بطور کامل کارهای صنفی و خانگی اش را انجام دهد.

مکتب، برای هر طفلی تجربه ای شخصی محسوب می گردد. بنابراین بسیار مهم است تا صدا و خواسته های اطفال را به گوش همه برسانیم و سعی کنیم نسبت به نیازهای آنها حساس تر باشیم. چیزی که جویتا خواهان آن است هنوز برای جامعه بنگلادش، آرزویی دور از دسترس می باشد. اما کمیته انکشاف روستایی بنگلادش و دیگر سازمانهای غیر دولتی، گامهای کوچکی در راستای دستیابی به این اهداف برداشته اند. ما هنوز راه بسیار طولانی را در پیش رو داریم. اما اگر بتوانیم اطفال را درک نماییم و به تجارب اطفال در شروع و ابتدای هر برنامه ای اهمیت بدهیم، می توانیم اطمینان یابیم که جنبش و جریان آموزش فراگیر در مسیر درستی تداوم خواهد یافت.

خام تاهیه محبوب اخیرا تحصیلات ماستری خود را در رشته فلسفه در زمینه آموزش فراگیر از دانشگاه/پوهنتون کمبریج اتمام نموده و بعنوان مربی انگلیسی و آموزش در دانشگاه شمال- جنوب مشغول به فعالیت است. با وی می توانید از طریق این آدرس تماس بگیرید:

[t.mahbub05@cantab.net](mailto:t.mahbub05@cantab.net)

یا با آدرس پستی زیر:

37, Road,9, Sector 4, Uttara Model Town , Dhaka-1230,Bangladesh

توسط سیمون





## چگونه برای EENET Asia بنویسید

امیدواریم که مقالات موجود در این شماره و شماره قبلی خیرنامه مفید و امید بخش بوده باشد. آیا برای نوشتن و تقسیم تجارب خود در مورد فراگیر نمودن آموزش آماده اید؟ می دانیم که افراد بسیاری علاقمند به ارسال مقالات خود به EENET هستند ولی اغلب نمی دانند نوشتن مقاله خود را چگونه آغاز کنند یا نگرانند از ارسال مقالات خود به ما. بنابراین برای شروع مقاله خود به نکات زیر توجه نمایید:

چه کسانی میتوانند برای EENET Asia مقاله بنویسند؟

همه! ما همه خوانندگان خود را به نوشتن مقاله تشویق می کنیم. ما واقعا از نویسندگانی که خود به طور مستقیم در مورد موضوع فراگیر نمودن آموزش (به عنوان معلم، والدین، متعلم، کارآموز جوان، یک فعال، مسئول آموزش محلی یا کارمند موسسات غیر دولتی) تجربه داشته اند می خواهیم برای ما مقاله ارسال نمایند.

اگر قبلا هرگز مقاله ای ننوشته اید چه باید بکنید؟

نگران نباشید! لازم نیست یک نویسنده حرفه ای باشید. EENET Asia می تواند به شما کمک کند تا نظرات خود را بسط دهید و نوشته های خود را ویرایش نمایید. چنانچه مقاله ای روان کردید که از نظر ما قابل چاپ نباشد، به شما ایده هایی می دهیم و سوالاتی طرح می کنیم تا در جمع آوری معلومات مناسب به شما کمک کنیم. اگر از شما خواستیم تا اندکی بیشتر روی مقاله کار کنید، ناراحت و منصرف نشوید. همه مقالاتی که به چاپ می رسند، بازنویسی و ویرایش می گردند.

چه کسی درباره انتشار مقالات تصمیم گیری می کند؟

EENET Asia، تیمی از مقاله نویسان دارد که نویسندگان را حمایت می نمایند و به آنها مشاوره می دهند. در هر شماره از مجله مقالاتی را چاپ می کنیم که:

- از کشورهایی هستند که قبلا مقاله ای ارائه نداده اند.
  - به جنبه هایی از آموزش فراگیر پرداخته اند که قبلا کمتر به آنها توجه شده.
  - نقطه نظرات اطفال و والدین را در بر دارند.
  - از شیوه های مختلفی همچون جدول و عکس برای بیان منظور خود استفاده کرده اند.
- در مورد چه موضوعاتی می توانید بنویسید؟

- می توانید درباره هر موضوع مرتبط با کیفیت و آموزش فراگیر بنویسید.
- شما را به نوشتن مقالاتی که توصیه های عملی ارائه میدهند، ترغیب می کنیم. ما می خواهیم بدانیم چه کرده اید، چه یاد گرفته اید، و این چه تاثیری بر آموزش اطفال در شرایط شما داشته است.
- برای اینکه بدانید چه نوع مقالاتی به چاپ می رسند به شعارات قبلی نشریه توجه کنید.
- ما بویژه به مقالاتی درباره آموزش فراگیر نیازمندیم که به موارد زیر مرتبط می باشند:

- شرایط غیر منتظره و مهاجران ( پناهندگان )
- رشد اولیه در طفولیت
- آموزش لیسه و مقاطع بالاتر
- یادگیری دراز مدت (در طول زندگی) و آموزش حرفوی
- مکاتب خصوصی (غیر انتفاعی)
- آموزش غیر رسمی
- مقاله باید چقدر باشد؟

600 لغت برای یک مقاله یک صفحه ای و 1200 لغت برای مقاله دو صفحه ای مناسب می باشد، چنانچه می خواهید عکس و جدول به آن اضافه کنید، مقاله را کوتاهتر کنید.

مقاله خود را چطور باید ارائه دهید؟

- مقاله خود را در فایل تحت نرم افزار WORD و با سایز 12 به ما ایمیل کنید.
  - چنانچه به کمپیوتر یا ایمیل دسترسی ندارید، می توانید آنرا تایپ کنید یا به صورت دست نویس به آدرس زیر ارسال نمایید:
- EENET ASIA, Jalan, Panglima Polim X No. 9, Kebayoran Baru, Jakarta-Selatan 12160, Indonesia**

- شما همچنین می توانید مقالات خود را به صورت کست یا خط بریل برای ما ارسال نمایید.
- مطلوب آن است که مقالات به زبان انگلیسی باشند. اما چنانچه مقاله خود را به زبان دیگری به غیر از انگلیسی برای ما روان کنید، ما سعی می کنیم داوطلبی برای ترجمه مقاله شما پیدا کنیم.
- به خاطر داشته باشید که اسم کامل، آدرس پستی، شماره تیلفون و ایمیل خود را برای ما روان کنید و در یک پاراگراف کوتاه درباره خود و اینکه که هستید و چه کار می کنید توضیح دهید. سایر مشاوره ها:

- از زبان ساده و جملات کوتاه استفاده نمایید. از حروف اختصاری، زبان شکسته، یا سبکهای نوشتاری بسیار علمی استفاده نکنید.
- مقاله خود را با تیتراها یا عنوان ها بخش بندی نموده یا به بخشهای کوچکتری تقسیم نمایید.
- از نقل قول، مثلا نقل قول از متعلمین، در مقاله های خود استفاده نمایید.
- چنانچه در مقاله خود از کسی اسم می برید ابتدا از او اجازه بگیرید یا نام او را در مقاله تغییر دهید.
- چنانچه عکسی ضمیمه مقاله خود می کنید حتما اطمینان حاصل نمایید که همه افرادی که در عکس هستند و نیزعکاس به این کار رضایت دارند. چنانچه طفلی در عکس وجود دارد از والدین او اجازه بگیرید.

منتظر دریافت مقالات شما هستیم.



## غیبت در مکاتب در اندونزی شرقی

### کیم هالتوز

کمیته نجات اطفال بریتانیا به منظور درک بهتر موانع موجود در برابر ثبت نام و مشارکت دائم در مکاتب، به انجام یک پروژه تحقیق مشارکتی با 22 مکتب و انجمن در سه ولسوالی از یکی از ولایات اندونزی به نام نوسا تنگارا تیمور پرداخته است.

اندونزی به دلیل اینکه دهها سال است که به آموزش ابتدائیه فراگیر دست یافته است، شهرت فراوان دارد. میزان مشارکت در دهه 70 و 80، زمانی که دولت برنامه سریع سازندگی مکاتب را اجرا کرد، در همه جای دنیا مورد توجه قرار گرفت.

از سال 1994 قانون اندونزی، اطفال بین 7 تا 15 سال را ملزم می کرد تا در مکتب ثبت نام کنند و مدت آموزش اجباری را سه سال افزایش داده بود تا سه سال تحصیل در مقطع ثانویه نیز بدان افزوده شود. با ارائه این قانون، دولت 96% ثبت نام در دوران ثانویه تا سال 2009 را هدف قرار داده بود. ارقام رسمی اخیر (2005/6) نشان می دهد که هنوز برای رسیدن به هدف فوق باید تلاش کرد: 87% از اطفال بین 13 تا 15 سال ثبت نام کرده اند اما فقط 62% آنها در سال سوم مقطع ثانویه ثبت نام کرده اند.

تفاوت بین ارقام نشان می دهد که تعدادی از اطفال 13-15 ساله هنوز در دوره ابتدائیه هستند. اینها اطفالی هستند که دیر وارد مکتب شده اند یا یک یا دو سال را ناکام مانده و تکرار کرده اند. تکرار یک سال تعلیمی (ناکام ماندن) در اندونزی معمول است و فشار زیادی را بر سیستم آموزشی تحمیل می کند.

عامل اصلی ناکام ماندن متعلمین، غیبت و غیرحاضری است. متعلمینی که بطور منظم صنوف را دنبال نمی کنند بیشتر از درس عقب می مانند. با وجود تاثیرات متعددی که غیبت متعلمین دارد، از این عامل به ندرت در گزارشات آماری نام برده می شود. ولی غیبت مداوم و گسترده، ارقام مربوط به ثبت نام موثر را بی معنی می کند.

کمیته نجات اطفال بریتانیا برای فهم بهتر دلایل عدم ثبت نام و غیبت مداوم، پروژه تحقیق مشارکتی را در یکی از ولایات اندونزی به نام نوسا تنگارا تیمور آغاز کرده است. شگفت آور نیست در کشوری به بزرگی اندونزی با اقتصادی متنوع، میزان مشارکت در مکاتب در همه جا یکسان نیست و حتی ممکن است در "داخل" ولایتها بیش از "بین" ولایتها تنوع داشته باشد. چنانچه بحث کردیم مکاتب روستایی و دورافتاده برای جذب اطفال به مکتب با چالشهای بیشتر و امکانات کمتری روبرو هستند

### ولایت نوسا تنگارا تیمور

آمار و ارقام دولت بین سالهای 2005-6 نشان میدهد که در نوسا تنگارا تیمور تنها 94% از اطفال 7-12 ساله و 77% از اطفال 13-15 ساله در مکاتب ثبت نام کرده اند، که این میزان پایین تر از اوسط ملی هر دو گروه است.

نوسا تنگارا تیمور یکی از فقیرترین ولایات اندونزی است. مکاتب، معلمان و منابع آموزشی در بسیاری از ساحات ولایتی بویژه در روستاها و ساحات دور افتاده، پاسخگوی نیازهای موجود نمی باشند. از آنجا که اندوزی برنامه تمرکززدایی را از سال 2002 شروع کرده، دولت مسئول فراهم کردن خدمات آموزشی شده است. با این وجود ریاست های

آموزشی ولسوالی ولایت نوسا تنگارا تیمور به بودجه بندی دولت مرکزی وابستگی بسیاری دارند، و این بودجه برای پاسخگویی به نیازهای آنها کافی نمی باشد.

در سطح خانواده، میزان درآمد خانواده های نوسا تنگارا تیمور یک سوم میانگین ملی است. اگرچه فیس اجباری مکاتب اخیرا در اندونزی از میان برداشته شده، هزینه های جانبی مکتب از قبیل یونیفرم، کتاب، حمل و نقل، پول نان چاشت همچنان باری است بر دوش خانواده های مناطق فقیر و مانعی است برای فرستادن اطفال شان به مکتب.

## نتایج:

مطالعه بر روی سه ولسوالی سومبا بارات دایا، کوپانگ و بلو صورت گرفته است. سومبا بارات دایا به مراتب مشکلات عمده تری در زمینه ثبت نام و غیبت متعلمین داشته است. مطالعه SCUK نشان می دهد که در مقایسه با 99% در کوپانگ و 95% در بلو، تنها 89% از اطفال 7-12 ساله در سومبا بارات دایا در کل مقاطع مکتب ثبت نام کرده اند. این فاصله زمانی بیشتر شد و اطفال 13 و 14 ساله نیز به آنها اضافه شدند.

اختلاف در میزان غیبت ها شدیدتر نیز بود. تحقیقی که در مکتبی در سومبا بارات دایا صورت گرفت نشان می دهد که بطور متوسط یک پنجم روزهای مکتب به دلیل غیبت از دست میرود، به عبارت دیگر متوسط متعلمین، 48 روز یا 8 هفته بین جولای 2007 تا می 2008 را غیرحاضر بوده اند. در مقایسه در کوپانگ، متعلمین به طور متوسط در همان تاریخ مشخص فقط 6 روز را غایب بوده اند.

این ارقام چه چیزی را درباره مکاتب این اجتماعات بیان میکند؟ از بسیاری از جهات اجتماعات شبیه یکدیگرند، همه آنها روستایی یا مناطق دور افتاده هستند، آب و هوای مشابهی دارند، و درآمد نقدی مردمان آن بسیار پایین است، و میزان ثروت آنها مشابه است. با این وجود حاصل مطالعه ما بر روی والدین، و بحثهای گروهی متمرکز با والدین، معلمان و اطفال نکات مهمی در تفاوت مشارکت در مکاتب نشان می دهد که می توان به کمک آنها عدم مشارکت اطفال در مکاتب سومبا بارات دایا را توضیح داد.

## دلایل غیبت/ حذف

- والدین در سومبا بارات دایا برای دستیابی به آب با مشکلات فراوانی مواجه هستند. عدم دسترسی به آب بدان معنی است که فراهم کردن آب، کار بسیار وقت گیری است که این کار اغلب در مناطق دور افتاده اندونزی بر عهده اطفال قرار می گیرد.
- فقط در سومبا بارات دایا والدین، متعلمین و معلمان به اتفاق آراء گفتند که اطفال به ندرت چای صبح می خورند. معلمان مشاهده می کردند که متعلمین این ولسوالی معمولا نیمه سیر بودند و نمی توانستند تمرکز داشته باشند. در سایر ولسوالی ها، والدین اذعان داشته اند که اطفال قبل از رفتن به مکتب معمولا چیزی می خورند.
- نرخ بالای زاد و ولد در سومبا بارات دایا نشان می دهد که هر خانواده به طور متوسط 5.4 طفل دارد که باید خوراکه، البسه، و وسایل مکتب را برایشان فراهم کند. تعداد اطفال در سایر ولسوالی ها 3.8 و 3.6 می باشد. متعلمین بیان کرده اند که حتی

- اگر معلمان نیز اجازه بدهند آنها به دلیل فشار همسالان خود، دوست ندارند بدون یونیفرم به مکتب بروند.
- به دلیل نرخ بالای زاد و ولد، مکاتب سومبا بارات دایا مملو از جمعیت است و معلم تعلیم دیده جهت همراهی هدف مشارکت جهانی، کم دارند. نسبت متوسط متعلم-معلم و متعلم-صنف، به ترتیب 70 به یک و 64 به یک است که سه برابر ساحات ولایتی می باشد. بیشتر متعلمین مجبورند به دلیل کمبود معلم و فضای صنف ایستاده شوند و اغلب آنها ترجیح می دهند که به خانه برگردند.
  - کمبود میز و چوکی تا حدی بود که بسیاری از متعلمین روی زمین می نشستند در حالیکه سایر هم صنفی هایشان میز و چوکی داشتند. براساس گفته معلمان، مشکلات رفتاری زمانی بروز می کنند که مکتب نمی تواند برابری را در موردهمه اجرا نماید.
  - به طور عمده در سومبا بارات دایا، تنها 28% از مادران و 16% از پدران تحصیلات ابتدائیه یا بالاتر داشته اند. ( در کوپانگ 3/4 مادران و 2/3 پدران تحصیلات ابتدائیه یا مقاطع بالاتر را به اتمام رسانده اند.) چالش فعلی، از بین بردن چرخه نابرابری امتیازات بین نسلی می باشد.
  - بازتاب بالاترین سطح محرومیت آن است که معلمان و والدین سومبا بارات دایا گزارش می دهند که اطفال والدین خود را هنگام خرید همراهی می کنند، یا زمانی که والدینشان برای خرید، کار یا آب آوردن به بیرون رفته اند آنها در خانه می مانند و از خواهر و برادر خردتر خود نگهداری می کنند.
  - در هر سه ولسوالی اما بیشتر در سومبا بارات دایا که سنت بر زندگی روزمره غالب است، اغلب اطفال برای شرکت کردن در مراسم سنتی خانوادگی یا گروهی از مکتب رفتن باز می مانند.
  - حتی با وجود اینکه بسیاری از والدین در ولسوالی کوپانگ بیان کرده اند که اطفالشان برای رفتن به مکتب مجبورند بیشتر از اطفال سومبا بارات دایا پیاده روی کنند، اما به نظر می رسد که فاصله تاثیر چندانی بر میزان حضور اطفال کوپانگ در صنف ندارد. با این وجود مدت زمان پیاده روی تا مکتب در میزان غیبت اطفال سومبا بارات دایا در مکتب تاثیر دارد، اطفالی که مجبورند راه طولانی تری را طی کنند، روزهای بیشتری غیبت می کردند. اینکه تاثیر فاصله از مکتب در سایر ولسوالی ها مشهود نبود نشان می دهد که حتی فواصل متوسط هم چنانچه با عوامل دیگری بیامیزند می توانند مانعی را موجب شوند.
  - در سومبا بارات دایا، پسران (58%) بیشتر (41 روز یا بیشتر در سال) از دختران (42%) غیبت می کنند و بالعکس دختران (29%) بیشتر از پسران تمایل به حضور در صنف را دارند (20-0 غیبت). در هر حال جنسیت تاثیر زیادی در سایر ولسوالی ها ندارد و فقط زمانی که با سایر عوامل ترکیب می شوند معنی دار می شوند.
- به علاوه مکاتب همه این ولسوالی ها، فرصتهایی برای مشارکت والدین در امور مکتب، یا مباحث آنها به پیشرفت فرزندانشان فراهم نیاورده اند. ارتباط معلمان و والدین در حداقل ممکن بوده، فاصله، فقدان زیربنای ارتباطی، سبک زندگی زراعتی و جدایی فرهنگی مکتب و دانش مبتنی بر مکتب از سایر جوانب زندگی روستا، این ارتباط را دشوارتر کرده است.
- انجمنهای مکتب والدین را ترغیب می کردند تا اطمینان حاصل کنند که فرزندانشان حتما به مکتب می روند اما تاثیر مراجعه به خانه های آنها بسیار کوتاه مدت بود. در بسیاری از موارد والدین و معلمان به سادگی ابراز می داشتند که طفل علاقه ای به مکتب رفتن ندارد. بنابراین، چالش پیش روی موسساتی که با مکاتب و انجمنهای



مکاتب همکاری می کنند، این است که دریابند چرا اطفال دوست ندارند به مکتب بروند، و سعی کنند تا تجربه سر صنف حاضر شدن را برای اطفال معنادارتر و لذت بخش تر نمایند. کمیته نجات اطفال سعی دارد تا مکاتبی را که در این طرح تحقیقی شرکت می کنند حمایت نموده تا راه حلهایی برای غلبه بر این موانع پیدا کنند.

خانم کیم هالتوز، مشاور کمیته نجات اطفال بریتانیا،

Kym\_holthouse@yahoo.com

Save the Children UK, Education Unit, Jalan Pejatan Barat No. 8, Jakarta Selatan 12550, Indonesia

## هدف آموزش چیست؟

### بحث گروه متمرکز در زمینه آموزش فراگیر بلوچستان

در اواسط سال 2007 اداره آموزش ولایتی بلوچستان، پاکستان و IDP Norway آموزش فراگیر در 4 مکتب ابتدائیه در درون و اطراف کوئته را آغاز کردند. دو مکتب دخترانه و دو مکتب پسرانه انتخاب شدند. یکی از مکاتب در روستای کوچکی در حاشیه کوئته واقع شده است در حالیکه باقی آنها در مرکز شهر هستند.

با طرح سوالاتی از قبیل "چرا اطفال مان را به مکتب می فرستیم؟"، "با آموزش به چه چیزی می خواهیم دست یابیم؟" از مدیران و معلمان این 4 مکتب خواسته شد تا درباره هدف آموزش به بحث بپردازند و پاسجهایی که دریافت کردند به قرار زیر بود:

1. ترویج اتحاد و درک مردم - کسب احترام و شان برای ملت
2. ایجاد آگاهی درباره حقوق و مسئولیتهای شهروندی در میان اطفال و ایجاد احترام به آزادی بیان و حقوق بشر در میان نسل آینده.
3. کمک به اطفال برای رشد تواناییهای علمی، اجتماعی، احساسی و فیزیکی - بهبود رفاه خود و سایر خانواده ها و اجتماعات.
4. یاری اطفال در اینکه انسانهای خوبی باشند و به اجتماع، کشور و انسانیت خدمت کنند - بوجود آوردن شهروندانی روشن فکر.
5. آماده کردن اطفال به صورتی که بتوانند با چالشهای زندگی با موفقیت روبرو شوند و همه سدها و موانع را از سر راه بردارند، و دیگران را هدایت نمایند.
6. متخصصین خوبی برای جامعه تربیت نمایند که در راه توسعه پاکستان قدم بردارند.
7. در شکل گیری شخصیت و اعتماد به نفس اطفال به آنها کمک کند. اطفالی تربیت کند که شهروندانی مطیع قانون و مسئول باشند و بتوانند درست و اشتباه را از هم تمایز دهند.
8. انضباط فردی، وقت شناسی، اتکاء به نفس و استقلال را در اطفال ایجاد نماید.

8. به اطفال کمک کند که زندگی سالم و بدون نقصی داشته باشند.
9. اطفال را یاری کند تا مسلمانان خوبی باشند. آگاهی اطفال مسلمان درباره اصول اسلامی صحیح، و آگاهی اطفالی که زمینه های دینی دیگری دارند را درباره اصول دینی شان افزایش دهد.

ما (مدیران و معلمان این 4 مکتب) معتقدیم که با شیوه های ارزیابی و برنامه های آموزشی که امروزه بکار می بریم نمی توانیم به هدف اصلی آموزش دست یابیم.

اجرای آموزش فراگیر و مناسب حال طفل باعث می شود تا مکاتب بتوانند پاسخگوی نیازهای فردی اطفال، خانواده ها و اجتماعات آنها باشند و نسل آینده پاکستان را طوری تربیت نمایند که ملت ما را تشکیل دهند. اینکه همه اطفال جدای از جنسیت، تواناییها، ناتوانیها، و زمینه شان به یک اندازه از کیفیت آموزشی برخوردار باشند، بسیار حائز اهمیت می باشد

بحث گروه متمرکز در زمینه آموزش فراگیر بلوچستان، ریاست تعلیم و تربیه، کویته

pakistan@idp-europe.org

## حال آنها به من احترام می گذارند...

اسم من کریمه است. من معلم مکتب ابتدائیه دولتی خیر خانه در کابل، افغانستان هستم. من در دو سال گذشته در صنف های آموزش فراگیر برنامه وزارت معارف که توسط یونسکو و یونیسف حمایت می شد، شرکت کرده ام. من در این برنامه به عنوان مربی ارشد انتخاب شده ام. هم اکنون در حال ارائه آموزش فراگیر به 120 معلم مکتب می باشیم. طفلی در صنف من است که مشکل شنوایی دارد و من می خواهم اندکی درباره این طفل که اسمش محمد است با شما صحبت کنم. او 12 ساله و ناشنواست. او مکتب را دیر شروع کرده، بنابراین فعلاً صنف دوم است. وقتی محمد وارد صنف من شد به هیچ زبانی نمی توانست با بقیه ارتباط برقرار کند او تنها چند اشاره خانوادگی یاد گرفته بود که آنها نیز برای برقراری ارتباط با دیگران کافی نبودند. او سال پیش به برنامه ما پیوست. در ابتدا خانواده او مطمئن نبودند که می توان یک ناشنوا را به مکتب فرستاد. آنها نگران بودند که ممکن است سایر اطفال او را آزار و اذیت کنند. آنها نمی دانستند که او چگونه می تواند حرفهای معلم را بفهمد در حالیکه نمی شنود، بنابراین از فرستادن او به مکتب خودداری می کردند. اما تیم ما با خانواده او بویژه پدرش بسیار صحبت کرد تا آنها را راضی کند. او معتقد بود که پسرش قرار است خیاط شود و نیازی به تعلیم ندارد. او می گفت: "هدف از فرستادن او به مکتب چیست؟ او چه چیزی می تواند یاد بگیرد؟ او باید مهارتهای شغلی بیاموزد و همین برای او کافی است. من اصلاً درس نخوانده ام و توانسته ام روزگار را سپری کنم، او هم همینکار را خواهد کرد."

پس از زمان درازی، او متقاعد شد که پسرش را به مکتب بفرستد ولی اصلاً نمی خواست در هیچ صنف آموزشی والدین شرکت کند. چون معتقد بود خیلی پیر است و اگر همسرش در این صنفها شرکت کند مایه خجالت او خواهد شد. او می گفت: "من اجازه نخواهم داد که همسرم در چنین صنفهایی شرکت کند، من هم بسیار گرفتار هستم و ما فرصت نداریم. بهتر است که فرزند ما به مکتب نرود." با این وجود پسر بزرگ او داوطلب شد تا به جای والدینش به صنفهای آموزشی بیاید. او در صنف 7 در همان مکتب درس می خواند. او با آمدن سر صنفها از برادرش حمایت کرد. او به زودی علاقمند شد که شیوه های مختلف دیگر برقراری ارتباط با برادرش و زبان اشارات را یاد بگیرد. حالا او به راحتی با برادرش صحبت می کند و او را در درسهایش یاری می نماید. او همه اشارات رسمی را نمی داند ولی شیوه برقراری ارتباط با برادرش را یاد گرفته است.

در ابتدا محمد از سایر اطفال و محیط جدید هراسان بود. او از اینکه از زبان اشارات استفاده می کرد و یا کمک می خواست خجالت زده بود.

اگر کسی درباره بهداشت و مسائل صحتی با او صحبت می کرد عصبانی می شد و حرف آنها را نمی پذیرفت. او از قوانین و روابط موجود در مکتب چیزی نمی دانست و گاهی اوقات نافرمانی می کرد. با این حال او به زودی یاد گرفت. او حالا اعتماد به نفس دارد و به یادگیری چیزهای جدید و مختلف علاقمند است. محمد همه کارهای خانگی ای را که معلمان به او می دهند، انجام می دهد. او در همه فعالیتهای مکتب شرکت می کند و خواندن و نوشتن را یاد گرفته است. محمد هر روز به مکتب می آید، حتی مواقعی که بیمار است. زیرا معتقد است مکتب رفتن تنها راه تغییر زندگی اش می باشد. او می گوید: " حالا من دوستانی دارم، در خانه و صنف مسئولیتی دارم، چون بزرگ ترین متعلم صنف هستم. حالا در خانه نقشی دارم و آنها به من احترام می گذارند، و من یاد گرفته ام که به آنها احترام بگذارم. با اینکه آنها اشارات را نمی دانند اما نظرشان در مورد من عوض شده است. از اینکه ناشنوا هستم ناراحت نیستم و امیدوارم همه خانواده هایی که فرزند ناشنوا دارند در مورد فرزند خود مثبت فکر کنند و او را حمایت نمایند. امیدوارم روزی بتوانم تحصیل را به پایان برسانم و شغل خوبی پیدا کنم." اکنون خانواده او بسیار خوشحال هستند و او را در هر کاری که انجام می دهد تشویق می کنند.

شما می توانید با خانم کریمه از طریق وزارت معارف، نصاب تعلیمی، بخش آموزش فراگیر در کابل تماس بگیرید:

Parzeen\_azimi@hotmail.com

## بالا بردن میزان مشارکت اطفال در ولایات کوهستانی جنوب شرقی هند

وادابھایس کوندو

طی ده سال اخیر، موضوع مشارکت اطفال مورد توجه عده زیادی قرار گرفته است. این توجه با افزایش اهمیت ماده 12 طرز العمل حقوق اطفال به شرح زیر اهمیت بیشتری یافت: " احزاب باید به اطفالی که توانایی ابراز نظرات خود را دارند، این حق را بدهند که آزادانه نظرات شان را درباره همه موضوعاتی که آنها را متاثر می کند بیان نمایند. نظرات این اطفال بر اساس میزان سن و بلوغ فکری آنها، مورد توجه قرار خواهد گرفت." این توافقنامه در ماده 13 خود استدلال می کند که: " طفل باید حق ابراز نظر داشته باشد، این حق شامل آزادی در جستجو، دریافت و بهره بردن از هر نوع معلومات صرف نظر از محدودیت ها و به صورت گفتاری، نوشتاری یا چاپی در قالب هنر، یا هر رسانه ای که طفل ترجیح می دهد، می باشد."

اگرچه مشارکت اطفال موضوع مورد بحث امروز می باشد، اما مشاهدات نشان می دهند که فرصت زیادی به اطفال برای ابراز نظرات یا تصمیم گیریهای مستقل داده نمی شود. اغلب به آنها طوری آموزش داده می شود که توانایی تصمیم گیری کسب نمی کنند و به طور مطلق والدین، معلمان یا اجتماع برای آنها تصمیم می گیرند.

در این اوضاع و احوال، گاندی اسمیریتی و دارشان سامیتی (یادبود ملی مهاتما گاندی در دهلی)، یونیسف و اتحادیه یادبود ملی کاستربا گاندی در ولایت آسم، برای ترویج مشارکت اطفال و به منظور طرح مباحث مربوط به حقوق اطفال در جنوب شرقی آسم، مقالایا و آرونشال پرادش، برنامه ای آغاز کرده اند. این ابتکار عمل با باور به اینکه اطفال می توانند در فرایند توسعه از قبیل آموزش، ایجاد صلح و مددکاری اجتماعی نقش عمده ای داشته باشند، به کار گرفته شد.

برای شروع، برنامه مشارکت فراگیر اطفال، در مکاتب معمولی و مرکز نگهداری اطفال (پرورشگاه) آغاز به کار کرد. امیدواریم این ابتکار در ایجاد فرهنگی که در آن والدین به حرفهای اطفال گوش می دهند و برای عقیده آنها ارزش قائل شوند، موثر باشد. کارگاه هایی دایر شده اند که از طریق تعامل، بحث گروهی، آرامش، بازی، رسامی، کارتون و سرود به اطفال یاد می دهند که چطور عقاید خود را ابراز نمایند. در مرحله اول، موضوعاتی از قبیل حقوق اطفال، اهمیت آموزش، صلح و دوستی و پرهیز از خشونت به اطفال آموزش داده می شود تا آنها را از حقوق و مسئولیت هایشان آگاه ساخته و دید آنها را گسترده سازند.



توسط وادابھایس

## نتایج مهم:

اطفال با داشتن تعامل با یکدیگر، توانسته اند شیوه های ارائه پیشنهاد در جهت توسعه فرایند آموزش-یادگیری موجود در مکاتب، و همچنین چگونگی ارتقاء آرامش در خانواده ها، مکاتب و اجتماعات را فرا گیرند. یکی دیگر از نتایج این اقدام ابتکاری، شکل گیری شیشو سامگام (جمع اطفال) در چندین ساحه روستایی آسم می باشد. سوبهالیکا باروا، معلم مکتب جویتی بالیکا، در تیوک، جوهرات می گوید: " ما از طریق تعامل چیزهای زیادی یاد گرفته ایم، و می توانیم نگرانی های خود درباره مسائل مختلف اجتماعی را بیان نماییم و جزئی از فرایند تصمیم گیری در مکتب و اجتماع باشیم. ما در سطح اجتماع محلی به ارتباط متقابل گسترده تری نیاز داریم تا بتوانیم آگاهی رسانی بیشتری نماییم و اطفال بیشتری را در این پروسه فعال کنیم. من و دوستان جدیدم در مرکز نگهداری اطفال با اطفال در باغ چایکاری جوهرات صحبت می کنیم تا نظرات و نگرانیهای اطفال ساحه را برجسته سازیم.

اطفال همچنین بیشتر در اجتماع مشارکت می کنند. به عنوان مثال در یک کارگاه مشارکت اطفال ( که توسط متعلمین مکاتب آغاز شده بود) اطفال و نوجوانان درخواست کردند تا شهرداری گواهای فضایی را در شهر در اختیار آنها قرار دهد تا بتوانند پوسترها، رسامی ها و شعارهای مربوط به تبلیغ آموزش دختران و سایر موضوعات اجتماعی را در آنجا نصب نمایند. طبق گفته دیشا یاروما و ساندهیا نارزاری، متعلمین صنف هشتم مکتب دولتی دهلی، گواهای، توجه به مسائل اجتماعی به جذب اطفال داوطلب در فرایند مشارکت کمک می نماید.

اطفال فعال در طرح ابتکاری مشارکت درخواست نمودند که یک برنامه کاربردی از رسانه ای نشر شود تا آنها بتوانند گزارشات انتقادی که از آن طریق پخش می شوند را تماشا کنند. پارتاپراتیم هازاریکا، متعلم صنف یازده می گوید: " از آنجا که ما به شدت تحت تاثیر رسانه هستیم، بنابراین درک نقش انتقادی رسانه بسیار حائز اهمیت می باشد. با بهره گیری مناسب از رسانه می توان موضوعات اجتماعی مربوط به آموزش را تبلیغ نمود." او قصد دارد با کمک متعلمین سایر ساحات آسم اقدام به انتشار یک روزنامه نماید که به نگرانیها و مسائل مربوط به اطفال پردازد.

فعالیتهای برنامه نشان می دهد که مشارکت اطفال، فرایند تجلی اطفال و مشارکت مداوم در تصمیم گیری در سطوح مختلف در حال پیشرفت می باشد. بعلاوه نیاز به تشریح معلومات و گفتگوی بزرگسالان و اطفال درباره مسائل اجتماعی و آموزشی رو به افزایش است. مشارکت واقعی به متعلمین قدرت می دهد تا فرایند و نتیجه را رقم بزنند. اقدام ابتکاری گاندی اسمیریتی و دارشان سمیتی(یادبود ملی مهاتما گاندی در دهلی)، یونیسف و اتحادیه یادبود ملی کاستر با گاندی در ولایت آسم، می تواند پافراتر نهد و اطفال را وارد جریان اصلی فرایند انکشاف نماید و آنها را از حق و حقوق خود آگاه سازد. با این وجود ارتقاء مشارکت واقعی از طریق رویکرد فراگیر سهم کردن اطفال دارای زمینه های مختلف، فرایندی ممتد و طولانی می باشد.

بنابراین برای اینکه بتوان مشارکت اطفال را بخش جدایی ناپذیر فرایند آموزش مکاتب نمود به تلاش آگاهانه ای نیاز است.

آقای وادابهایس کوندو

مدیر برنامه گاندی اسمیریتی و دارشان سامیتی، شما می توانید با  
آدرس زیر با ایشان تماس داشته باشید:

5 Tees January, Marg, New Delhi, India,

یا با آدرس ایمیل:

[vedabhyas@gmail.com](mailto:vedabhyas@gmail.com) [gandhismriti@india.com](mailto:gandhismriti@india.com).

چنانچه مایلید نظرات خود را به ما ارسال  
کنید

یا مقاله ای ارائه دهید، فقط با EENET  
تماس بگیرید.

به آدرس زیر ایمیل روان کنید:

[asia@eenet.org.uk](mailto:asia@eenet.org.uk)

یا به آدرس زیر نامه روان کنید:

**EENET Asia**

**Jalan Panglima Polim X No. 9**

**Kebayoran Baru**

**Jakarta Selatan 12160**

**Indonesia**



توسط IDP Norway

در سال 2007 من تحقیق اولیه ام را به عنوان بخشی از پروژه ماستری  
ام در "مطالعات مربوط به معلولیت جامعه بین الملل" در لندن انجام  
دادم. موضوع پژوهش من عبارت بود از "دسترسى اطفال معلول به تحصیل  
در کشورهای در حال گذار" با تمرکز بر آسیای میانه، اتحاد جماهیر  
شوروی سابق، و بویژه اینجا در تاجیکستان. این تحقیق شامل بررسی  
دقیق پیشینه تحقیق، مصاحبه و بحث های گروه متمرکز با والدین،  
معلمان و مردم معلول بود. موضوع نقص شناسی یکی از بخش های اصلی  
پیشینه تحقیق بود که در این منطقه از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

از سال 1997 تا 2005 من بعنوان متخصص در ازبکستان در آموزش  
فراگیر و CBR مشغول به فعالیت بودم. در طی این زمان، من اغلب  
مردمی را می دیدم که موضوع نقص شناسی را مورد بررسی قرار داده  
بودند و همچون مسئولان آموزش و رشد اطفال معلول به نظر می رسیدند.  
بیشتر کارکنان شاغل در مکاتب و موسسات خاصی که توسط وزرای معارف،  
صحت و پشتیبانی پس از شوروی سابق راه اندازی شدند، قبلا در چارچوب  
نقص شناسی آموزش دیده بودند. نقص شناسی یا آن چه که گاهی آموزش  
ترمیمی می نامیم، چارچوب تربیتی است که نظام دسته بندی را برای  
اطفال معلول ایجاد می نماید. این چارچوب برخی موارد آموزش ناپذیر

را مشخص کرده و آنها را به موسسات طبی و مراقبت های اجتماعی ارجاع داده است. این امر، این تصور معمول اما نادرست را برمی انگیزد که در نظام کمونیستی سابق، اکثریت اطفال معلول، در موسسات خاصی زندگی می کردند. علیرغم توصیه های اکثر نقص شناسان، این تحقیق نشان می دهد که در جوامع روستایی، بخش عمده ای از اطفال بدون دسترسی یا با اندک دسترسی به خدمات تحصیلی یا توانبخشی با والدینشان شان زندگی می کنند.

ال. اس. وگوتسکی، روانشناس روسی (1896-1934) برای اولین بار در دهه 1920 مفهوم نقص شناسی را مطرح نمود. این نظریه بر مبنای این ایده پایه ریزی شده است که انکشاف بشری فرایندی است که در آن طفل در حال یاد گیری تجربه هایش از محیط اجتماعی است. طی این فرایند، بزرگترها و همسالان طفل نقش مهمی در ارتباطات هدمند و راهنمایی مستمر او ایفا می نمایند. در آن زمان وگوتسکی استدلال می کرد که نقص را نباید به عنوان ناهنجاری تلقی نمود بلکه باید آن را به بستر اجتماعی کشاند. این نکته حاکی از آن است که وی در زمان خودش، فوق العاده پیشرو بوده و ایده وی بطور شگفت انگیزی به دستاوردهای اخیر در طبقه بندی بین المللی اعمال که توسط سازمان بهداشت جهانی طراحی گردیده و شامل عوامل شخصی و محیطی است تا تشخیص های طبی.

نقص شناسی اساسا یک روش رشد طفل برای اطفالی که ناتوانی های خفیف تا متوسط در یادگیری دارند، می باشد. وگوتسکی با بخش عمده ای از نظریه غربی تست بهره هوشی به منظور ارزیابی و تعریف سطوح رشد شدیداً مخالف است. فرض بر آن است که عقب ماندگی در اطفال (آتهایی که از خود پتانسیل زیادی را در وظایف مبتنی بر یاری دیگران نشان می دهند)، ناشی از محیط اجتماعی، غفلتهای تربیتی، یا اختلالات ثانویه نظیر فلج مغزی بوده و اینطور تصور می شود که اگر طفل در محیط مناسب آموزش ببیند، صحتش برگشت پذیر است. در نظریه رشد وگوتسکی، مثالی که زیاد نقل شده در مخالفت با رویکرد مبتنی بر بهره هوشی، از یک دختر دو زبانه تاتار است که قبلاً براو برچسب "عقب مانده ذهنی" زده شده بود. در حالیکه وگوتسکی ثابت می کند که بی بهره بودن وی از ارتباطات، به دلیل دوزبانه بودن خانواده اش، وی را دچار عقب ماندگی رشدی کرده بود.

این مثال آنقدر محکم است که میزان فاصله نقص شناسانان امروزی را با بنیانگذارانشان نشان می دهد. همچون سرتاسر اروپای شرقی، اطفال رومانیایی نیز به علت ارزیابی هایی که زبان مادری و فرهنگ منحصر به فرد دوزبانه شان را مورد غفلت قرار داده، در موسسات ویژه توانبخشی معلولین زندگی می کنند.

بر مبنای این ارزیابی ها، نقص شناسی درصدد ایجاد محیط آموزشی متمایز از طرق مختلف است، از جمله: مدلهای آموزشی تعاملی، غلبه بر اختلال تا سر حد امکان و یاری رساندن به طفل در انجام برنامه درسی. وگوتسکی تمام مربیان را به داشتن "رویکرد مثبت متمایز" در شناسایی توانایی ها و نه ناتوانی های اطفال فرا می خواند.

درمقابل ریشه ها و ایده های آغازین پیش برنده، تجربه حاصله از کار در اروپای شرقی یا در اتحادیه کشورهای مستقل مشترک المنافع برای ما بیشتر منفی بوده است. آینسکو (Ainscow) تجربه اش را از نقص شناسی امروزی اینگونه بیان می کند: "نقص شناسی همواره با آموزش اطفال ناتوان در مکاتب خاص و جدا از دیگر اطفال مرتبط است. واضح است که این مکاتب بویژه وقتی در شکل موسسات مسکونی با مقیاس وسیع، به گونه ای که در برخی قسمتهای منطقه وجود دارند، ظاهر می شوند، هیچگونه سازگاری اجتماعی را بر نمی انگیزد."

دیگر محققان دریافتند که نقص شناسان با شیوه های جدید یا حتی در نظر گرفتن سازگاری یا شمول مخالف بودند. در صربستان، نقص شناسان خود را تنها افراد ذی صلاح در آموزش اطفال معلول می پنداشتند. فاکولته نقص شناسی واقع در دانشگاه/پوهنتون بلگراد با هر تغییری در راستای آموزشهای فراگیر مخالف بود. برخی با نقص شناسان امروزی موافقت در این مورد که جریان غالب در به هدف رساندن اطفال معلول موفق نبوده و در نتیجه با اینکه وگوتسکی آموزش ویژه را بعنوان ترکیبی از انتظارات حداقل و نصاب تعلیمی تعدیل شده مورد نقد قرار داده بود، فراخواندن او به یک محیط متمایز و به کارگیری روش های خاص نمی تواند در شرایط یک صنف تحقق یابد.

من با ارزیابی او موافق نیستم و بر این باورم که اگر بنیاد آموزش فراگیر را مورد مطالعه قرار دهیم، خواهیم دید که آموزش طفل محور، کنار زدن حصارهای مشارکت و دستیابی به همه اطفال، با ایده اصلی وگوتسکی سازگار هستند. من مایلم تا همکارانم را از اطراف جهان دعوت کنم که در این بحث و گفتگو به ما بپیوندند تا دریابیم چگونه ایده های اصلی وگوتسکی عامل شتاب دهنده آموزش فراگیر و طفل محور در اروپای شرقی و کشورهای مستقل مشترک المنافع خواهد بود. چنانچه دولتهای کشورهای در حال گذار بطور جدی تعهداتی در زمینه سیاستهای بین المللی را بپذیرند، لاجرم باید از میراث شان آگاهی یابند و اینکه چطور فرهنگ و دانش شان می تواند به جای نزاع به تحکیم یک هدف بین المللی بیانجامد. این هدف می تواند توجه به نقش مثبت نقص شناسی در "آموزش برای همه" و انجام چنین آموزشی باشد. فراگیر بودن می تواند مثالی از تحقق محلی اهداف بین المللی محسوب شود.

نتایج اصلی تحقیق به این شرح اند: دسترسی به آموزش برای اطفال معلول در کشورهای در حال گذار مستلزم توجه به بستر هر اجتماعی است. راه حلها نیازمند رویکرد ردیابی دوگانه است: توسعه فراگیر اجتماعی، به معنی رفع مشکلات ضمنی فقر و نگرشها؛ و برنامه های خاص معلولیت که مکتب های تابع این جریان را فراگیر می سازد. اما کلید این موفقیت، فراگیر ساختن چارچوب فعلی نقص شناسان در یافتن راه حل های مبتنی بر نقص شناسی است.

خانم آندریا وگت (Andrea Vogt) ، با او می توانید با این آدرس تماس بگیرید:

[avogt@opmercytj.org](mailto:avogt@opmercytj.org)

با از طریق پست: شماره 3، سرک لویک شرالی، دوشنبه، کود پستی: 734003، تاجیکستان





## آموزش فراگیر، نیاز زمان حاضر

### کانچانا ماراسیمهان Kanchana Narasimhan

در زمانهای قدیم، آموزش در هند از طریق نظام مرشدی (گورکول) به دیگران منتقل می گردید. مرشد (معلم) در خانه اش، متعلمین را بصورت شفاهی آموزش می داد و شاگرد نزد مرشدش می ماند. به تدریج این نظام تا نظام آموزش رسمی کنونی تکامل پیدا کرد. و بانی این تغییر بریتانیایی ها بودند.

طی سلطه بریتانیا، مبلغین مذهبی بسیاری به هند آمده و مکاتب خاصی را برای آموزش افراد معلول بنا نهادند. خانم آنی (Anni Sharp) در سال 1887 اولین مکتب را برای نابینایان در آمريتسر (Amritsar) تاسیس نمود. بعد از انتقال به دهرادون (Dehradun) در سال 1903، آن مکتب تبدیل به بنای یادبود نابینایان شارپ گردید. سازمانهای غیردولتی عهده دار اقداماتی در جهت آموزش انتقال آموزش های حرفوی به افراد دارای اختلال بینایی گردیدند.

معروفترین کارشناسان آموزشی که خود نابینا بودند، اقداماتی را در راستای آموزش افراد دارای اختلال بینایی در شکل معمول مکتب، انجام دادند. تلاش جدی آنها در معرفی آموزش یکپارچه در کشور به نتیجه رسید. این اقدامات به تقویت آموزش فراگیر کمک نمود. انجمن توانبخشی هند در راس این مجموعه، آموزش و توانبخشی افراد معلول را مورد بررسی قرار داده و برای تربیت و آماده سازی معلمان، دوره های آموزشی را آغاز نموده است.

مفهوم آموزش فراگیر با بیانیه 1994 سالامانکا (Salamanca) طرح گردید. بسیاری از معلمان نظام آموزشی معمول فکر می کنند که آموزش فراگیر نام دیگر همان آموزش خاص است. آنها فاقد آمادگی لازم برای کار با اطفال معلول یا اطفال دیگر گروه های حاشیه ای هستند. این امر بدان علت است که آنها خود را آن قدر محدود کرده بودند که از مواجهه و درک کارایی فرآیند شمول (فراگیر بودن) غافل ماندند.

چیزی که معلمان و سایر مسئولان آموزشی می باید درک کنند این است که همه اطفال خواه معلول، خواه سالم حق آموزش در مکتبی به انتخاب خودشان را دارند. برای این منظور اطفال به آموزشهایی در زمینه درک نیازهای خاص یادگیری شان و فراهم نمودن مکاتب معمولی نیاز دارند. مسئولان ناگزیر به درک این موضوع هستند که باید معلمان شاغل در محیطهای آموزشی فراگیر را حمایت کنند. معلمان به انطباق روشها و شیوه های تربیتی خود با آنچه مناسب حال همه متعلمین است، ناگزیر می باشند. آنها همچنین باید روش های متفاوت اصلاح نصاب تعلیمی را بدانند و بنا بر ضرورت با تغییرات مناسب همراه باشند. این امر کل فرآیند آموزش فراگیر را به تحرک واد می دارد و کیفیت آموزشی را برای تمام اطفال بهبود می بخشد.



توسط مکتب عمارة،

## آشنایی من با آموزش

با نگاهی به گذشته، به روزهای مکتب و کالج، با موارد مبهمی مواجه می‌شوم که ناشی از نارسائی‌های نظام آموزشی بوده است. من و برادر کوچکترم هر دو اختلال بینایی داشتیم و در مکتب معمولی تحصیل می‌کردیم. نگاه دوستان و معلمان در مکتب و کالج به ما حاکی از نوعی بی‌اعتمادی و تردید نسبت به قابلیت‌های ما بود. این موضوع بیشتر به این خاطر بوده که من برای تحصیل، رشته جغرافیه را دنبال کردم و برادرم رشته اقتصاد را انتخاب کرد. باید خاطرنشان کنم که برادرم نسبت به من در وضعیت بهتری قرار داشت و از طرف معلمانش حمایت بیشتری می‌شد.

برای من خیلی سخت بود چرا که من جغرافیه را بعنوان رشته انتخابی ام دنبال می‌کردم. من از زمان مکتب به این مضمون علاقه داشتم و این امر در زندگی من همچون عامل محرکی بود. من شهامت و تمایل قوی داشتم که امور را به شکلی متفاوت و نه به شیوه معمول انجام دهم.

موانع بسیاری در امور تحصیلی ام بود. وقتی میزان بینایی من کمتر از نمره 3 می‌شد، برای یاد داشت کردن چیزهایی که روی تخته نوشته شده بود، به آن نزدیکتر می‌شدم. معلمها توجهی به این تغییر رفتار من نداشتند. من نمی‌توانم این بی‌تفاوتی از جانب آنها را نتیجه فقدان آموزش یا تجربه یا آموزش تنها تلقی کنم.

این تغییر ناگهانی در رفتار من اولین بار توسط مادرم مورد توجه قرار گرفت؛ زمانی که او مشاهده کرد که من کتاب را به چشمانم نزدیکتر می‌کنم و نمی‌توانم کلمات را روی خط بنویسم. دیری نگذشت که معاینات طبی این موضوع را تایید کرد که من لکه زرد فاسدی (Macular Degeneration) در چشمانم دارم و دوکتور گفت که من به تدریج بینایی ام را از دست خواهم داد. سرانجام در شانکارا نترالایا (Shankara Netralaya) واقع در چنای هند (Chennai-India) به من عینک ذره بینی تجویز کرد. دوکتور به والدینم گوشزد کرد مبادا تحصیل را ادامه ندهم. والدینم توصیه دوکتور را جدی گرفتند و با این توهم مقابله کردند که اگر طفل دارای بینایی ضعیف از بینایی اش استفاده کند موجب وخیمتر شدن آن می‌شود.

آنها، بدون داشتن هیچ آموزشی در زمینه اداره کردن طفل دارای اختلال بینایی، مرا در طول فعالیت‌هایم حمایت کردند. آنها با صدای بلند می‌خوانند و تصاویر را بزرگتر و با ترکیب رنگهای ناهمسان برایم ترسیم می‌کردند. آنها با آزمایش و خطا (hit and trail) آنچه را که موثر بود یاد گرفتند و صرفاً آن را دنبال کردند. این انطباق‌ها گواهی است بر تمایل قوی به تشویق و فراهم نمودن شرایط مناسب تحصیل برای طفل‌شان. من در شگفتم که چطور معلمان نتوانستند چنین کاری را انجام دهند؟

مشکل اصلی زمانی آغاز شد که من در مکتب و کالج بودم. بیشتر معلمان علی‌الخصوص معلم جغرافیه به قابلیت‌های من شک داشتند. در حالی که والدینم تعامل و گفتگو با آنها را شروع کرده بودند و معلوماتشان را در اختیار آنها می‌گذاشتند که مثلاً چطور تغییرات و اصلاحات اندک، می‌تواند مرا کمک کند. تا اینکه من به تدریج از طرف معلمان ساینس، زبان انگلیسی و تاریخ در مکتب حمایت شدم. بزودی آنها مرا بعنوان الگوی دیگر متعلمین قرار دادند. این معلمان نیز آموزش ویژه من را ندیده بودند اما بتدریج قابلیت‌های پنهان مرا تشخیص دادند. آنها دانستند که من می‌توانم رشته ام را ادامه دهم، هر چند که کار سختی است ولی غیر ممکن نیست.

لازم به ذکر است که بینایی من و برادرم بعد از شماره 6 ثابت ماند و این موضوع، خود نیز ما را قادر می ساخت تا حوزه های مورد علاقه مان را دنبال کنیم. من فکر می کنم که جغرافیه برای هرکسی که به آن علاقه داشته باشد و در مورد ویژگی ها و فرایندهای آن کمی ذهنیت داشته باشد، به راحتی قابل فهم است. برخلاف نظرات رایج، مطالعه این رشته برای فرد با بینایی ضعیف ممکن است! اما این امر مستلزم حمایت والدین و معلمان است. او به نقشه ها و تصاویر بزرگ شده نیاز داد تا بتواند جزئیات جغرافیایی را درک کند. در استفاده از رنگهای ناهمسان باید ملاحظات را در نظر گرفت و نباید جزئیات زیادی را در یک نقشه گنجانده. باید مطالب آموزشی با حروف بزرگتری چاپ شوند تا قابل خواندن باشند. اینها، روشها و تغییرات کوچک و ساده ای هستند که فراگیر بودن آموزش را بهبود می بخشد.

من اعتقاد دارم که تمام معلمان در مکتب و کالج نیازمند دوره های آموزشی هستند که طی آن با انواع گروه های اطفال و نه فقط با متعلمین معلول کار کنند. این آموزشها معلمان را قادر می سازد تا این نکته را درک کنند که هر طفلی منحصر به فرد بوده و قابلیت هایی دارد که مجموعاً وی را به گونه ای مناسب در تحقق نیازهایش یاری می رساند.

باور من بر این است که آموزش فراگیر عملاً پاسخگوی طیف گسترده ای از تفاوت های فردی ناشی از تنوع جسمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، احساسی و قومی می باشد. فراگیر بودن تنها یک روش تفکر و تنها یک نگرش است. و مستلزم اندیشه شخص در این باب است که چگونه می توان مهارت های ارتباطی و تربیتی را با برآورده ساختن نیازهای خاص دیگران سازگار کنیم. برآستی باید گفت که "خواستن توانستن است" و "مردم شجاع، دل شیر دارند!"

راه دراز است و طاقت فرسا،

اما آن دور دستها

سایه درختی را نظاره می کنم

و می دانم که در آن جا حضور دارد

و به انتظار من نشسته است.

این خطوط را به والدین و معلمان به پاس حمایت های بی دریغ شان تقدیم می کنم.

خانم کانچانا ماراسیمهان ( Kanchana Narasimhan ) در حال حاضر در آدیتی ماهاویدیا لایا، دانشگاه دهلی به عنوان مربی جغرافیه مشغول به کار هستند و می توانید با آدرس زیر با ایشان تماس بگیرید:

[kanchanadel@rediffmail.com](mailto:kanchanadel@rediffmail.com)

آدرس پستی:

شماره 122، آپارتمانهای مال، جاده مال، دهلی، کد پستی: 110054، هند

## معیارهای مسلکی معلمان در افزایش کیفیت و برابری آموزش

### هیئت تحریری

در کشورهای مختلف آسیایی به منظور ایجاد معیارهایی برای معلمان با هدف ارتقا کلی کیفیت آموزش، اقداماتی در حال انجام است. این امر معلمان را بعنوان عاملان تغییر می شناسد، چرا که رفتار، روش و نگرش آنها می تواند توانایی اطفال را در امر یادگیری افزایش داده و یا مانع از آن گردد. از اینرو سرمایه گذاری بر مهارتهای معلمان امری ضروری محسوب می گردد؛ ضمن تمرکز بر اینکه چگونه معلمان می توانند فضای آموزشی مناسبی ایجاد کنند که در آن متعلمین نه فقط در امتحانات قبول شوند، بلکه معلم، الگوی ارزشها بوده و مشارکت و حضور همه متعلمین را مد نظر قرار دهند، و در عین حال، ضمن انتقاد از دیدگاه های کلیشه ای، احترام به تنوع را ترویج نمایند. اینکه اطفال در مکتب می مانند و از آن بهره می برند یا نه، بستگی دارد به آنچه که در مکتب روی می دهد. بنابر این آموزش معلم می باید به نوبه خود با تغییر معلمان به سمت متخصصان فکوری صورت پذیرد که قادر و متمایل هستند که در مورد اعمال خود فکرکنند.

### معیارهای کیفیت

در ایجاد معیارها، این موضوع حایز اهمیت است که چه ارزشها، مهارتها، برداشت و دانشی می باید بعنوان آموزش مسلکی تلقی شود. از اینرو درگیر کردن معلمان در ایجاد و تایید این معیارها بسیار مهم می باشد. معیارها کمک می کنند تا از معلمان قدردانی شود، راهنمایی هایی در زمینه پیشرفت کاری ارائه می دهند، آموزش و یادگیری را در سطح مکتب ارتقا می بخشند و میزان مسئولیت و پاسخگویی معلمان را افزایش می دهند. معیارها در نظام های آموزشی، ملاک سنجش، گزینش، ارائه اعتبار، ارتقا، پیشرفت کاری و حمایت از معلمان می باشند. در نظارت بر شاخص های معیارهای مسلکی و کاری معلمان می باید عملکرد و همچنین دانش معلمان مورد ارزیابی قرار گیرد

نمونه هایی از معیارهای معلمان

بیشتر کشورها 9 تا 14 معیار دارند. در راستای اهداف این مقاله نمونه هایی از معیارها و شاخص ها را در زیر آورده ایم که از کشورهای مختلف گردآوری شده است.

معیار 1: محتوای دانش

1.1 او دانش خود را از آخرین پیشرفتهای در نظریه های آموزشی و موضوعات تربیتی خاص مبتنی بر تحقیقات نشان می دهد.	آیا معلم مفاهیم اصلی، روشهای مورد نیاز و ساختار ارائه موضوعی درس را فهمیده است و آیا می داند که چگونه تجارب یادگیری معناداری را برای متعلمین مختلف ایجاد نماید ضمن اینکه این تجارب با پیشرفتهای نظریه های آموزشی مرتبط باشد.
2.1 او دانش خود را از نصاب تعلیمی مورد نیاز در مکتب نشان می دهد	

## معیار 2: طرز بیان آموزشی

<p>2.1 او می داند که چگونه یادگیری متعلمین را با ویژگی های متنوع یادگیری از طریق استفاده از مواد آموزشی، منابع فنی، انسانی ارتقا بخشد.</p> <p>2.2 او نقش خود را در طول روندهای آموزش- یادگیری به عنوان مربی، تسهیل کننده، مشاور، یا مخاطب با توجه به وضعیتها و محتوای آن تغییر می دهد و در صدد تربیت و برآورده ساختن نیازهای متعلمین است.</p> <p>2.3 او دانش و فهم خود را از فرایند فراگیری زبان دوم و استراتژی هایی برای پشتیبانی از یادگیری متعلمین دارای زبان مادری متفاوت، نشان می دهد.</p>	<p>معلم در رابطه با استراتژیهای آموزشی مختلف دانشی در اختیار دارد و آنها را به منظورتشویق دانش در رشد تفکر انتقادی، حل مسئله، مهارتهای یادگرفتنی مبتنی بر دانش و نظم، تنوع دانش آموزشی، اجتماع و اهداف نصاب تعلیمی آموزشی بکار می گیرد.</p>
---	---

## معیار 3: سلوک کاری و شخصی و رشد آن

<p>3.1 او برای فرهنگ، دین، جنسیت و تمایلات جنسی متعلمین و خانواده هایشان احترام قائل است</p> <p>3.2 او از اظهاربررسی صنف درس، معلومات درباره متعلمین، دانش تربیتی و تحقیق به عنوان منابعی برای بازتابی فعال، ارزیابی و اصلاح اعمال خود بهره می گیرد.</p>	<p>معلم بطور مداوم به این که چگونه انتخابها و اعمالش بر متعلمین اثر می گذارد، می اندیشد و آن را مورد ارزیابی قرار می دهد و فعالانه فرصتهایی را برای رشد کاری و شغلی اش می جوید.</p>
--	---

## معیار 4: آموزش و پیشرفت

<p>4.1 او دانش خود از الگوها، نیازها و استراتژی های یادگیری را در آموزش متعلمین با نیازهای متفاوتشان نشان می دهد.</p> <p>4.2 او اصول و استراتژی های مدیریت موثرصنف را درک می کند، در حالی که قواعد و سیاستهای رسمی را به خاطر می سپارد.</p> <p>4.3 او از معلومات خانواده، فرهنگ و اجتماعات متعلمین برای مرتبط ساختن آموزش به تجارب و آموخته های قبلی متعلمین</p>	<p>معلم می فهمد که چگونه افراد رشد و پیشرفت می کنند و یاد می گیرند. او برای پیشرفت فکری، اجتماعی و شخصی فرصتهای یادگیری را فراهم می سازد.</p>
--	---

استفاده می کند.	
4.4 او مفاهیم و اصول را بنا به پیچیدگی سطحشان به متعلمین معرفی می کند طوری که برای آنها در هر سطحی از رشد که قرار دارند، معنادار باشد.	

#### معیار 5: مهارت‌های ارتباطی

5.1 او نظریه های ارتباطات، پیشرفت زبان را می داند و بر نقش زبان در یادگیری واقف است.	معلم از دانش عملی، نوشتاری، کلامی، غیر کلامی و تکنیکهای ارتباطی بهره می گیرد تا ابراز وجود، تشریک مساعی و تعاملات همدلانه را در صنف پروراند.
5.2 او از تکنیکهای موثرپرس و جو استفاده می کند و به شیوه های مختلف برای اهداف آموزشی متعلمین را به بحث و ا می دارد.	
5.3 او مهارت‌های تسهیل گروهی، رفع منازعه و یادگیری موثر را به کار می گیرد.	

#### معیار 6: ارزیابی، نظارت و ارائه بازجواب (feedback) موثر

6.1 او اهداف، ویژگی ها و محدودیتهای انواع مختلف ارزیابی ( مثلا ارزیابی پیشرفت؛ تلخیصی، ارزیابی های معتبر و مبتنی بر برنامه آموزشی ) را درک می کند.	معلم طیف وسیعی از استراتژیهای ارزیابی پیشرفت و تلخیصی را به نایش می گذارد و از آنها به منظور نتایج پیشرفت مداوم فکری، اجتماعی، جسمی و عاطفی متعلمین استفاده می کند
6.2 او درک می کند که چگونه نتایج ارزیابی را در رویکردهای آموزشی-یادگیری انعکاس داده و آن ها را تغییر دهد.	
6.3 او شیوه های نظارت بر پیشرفت متعلمینی که مشکل یادگیری یا مشکل ناتوانی جزئی یا متوسط دارند، را می داند.	

#### معیار 7: روابط گروهی

7.1 او امتیازات و موانع و تکنیکهای درگیر شدن در روابط خانوادگی / والدین را می فهمد.	معلم فهم خود را از نقش اجتماع در آموزش را نشان می دهد و روابط گروهی با همکاران، والدین و سرپرستان و اجتماع را به منظور پشتیبانی از یادگیری و رفاه متعلم حفظ می کند.
7.2 او در فرایند تصمیم گیری مشترک و حل مسئله و منازعه با متخصص دیگری به منظور حصول	

## همکاری بین سازمان ها در آموزش اطفال معلول در کامبوج

### ویشترا کونگ و کایا کالیانپور

آموزش فراگیر، نخستین بار منیچت یک رهنمای بین المللی به منظور تامین خدمات آموزشی به اطفال ضعیف و ناتوان، در کنفرانس جهانی سالانکا در مورد نیازهای آموزشی خاص در سال 1994 مطرح گردید. در سال 2000، مناظره جهانی آموزش در داکار سنگال، به منظور تحقق هدف "آموزش برای همه" تا سال 2015، تشکیل گردید. در واقع هدف این بود تا همه گروه هایی که بر اساس سنت محروم بوده و در حاشیه قرار داشته اند، نظیر دختران، اطفال فقیر، اقلیتهای قومی و اطفال معلول، از آموزش در مکاتب معمولی برخوردار شوند. در همان سال، بانک جهانی استدلال نمود که معلولیت هم علت و هم معلول فقر است و نباید از هیچ تلاشی جهت کاهش فقر کوتاهی نمود. در همین راستا، کامبوج تامین آموزش فراگیر برای اطفال ضعیف و ناتوان را آغاز نمود.

از سال 1992، سازمانهای غیر دولتی نظیر کروزرتمی، مکتب لاوال و مکتب ربیت، آموزش اطفال معلول را در مکاتب خاص شروع کردند. همه این مکاتب در منطقه فنوم پنه واقع شده اند که در آن موسسه کروزر تمی فعالیت خود را بر اطفال دارای اختلال بینایی و شنوایی متمرکز کرد و برای هر کدام از این گروهها، مکتب ویژه ای احداث نمود. مکتب لاوال فعالیت خود را بر اطفال دارای نقص حرکتی متمرکز نموده است. در حالیکه مکتب ربیت توان خود را صرف نیازهای اطفال محروم از آموزش یا یتیمانی کرده که دارای ضعف و نقص هوشی متوسط تا شدید بوده و به دلیل این نقصشان پذیرفته نشدند و به نوعی مطرود هستند. اگر چه وزارتخانه بر این برنامه ها نظارت دارد ولی میزان نظارت و درگیرشدنش در امور بصورت حداقل بوده است.

در سال 1998، شورای امور معلولیت ( DAC ) رسماً بعنوان یک سازمان مشورتی در ارتباط با مسائل مرتبط با معلولیت تاسیس گردید. این شورا منیچت واحدی شبه مستقل به منظور تامین نیازهای مشورتی دولت و دیگر سازمانهای غیر دولتی ذیربط، از طریق یک حکم دولتی توسط وزارت امور اجتماعی، توان بخشی سالمندان و جوانان، بوجود آمد. شورای امور معلولیت، از آموزش فراگیر بعنوان مناسب ترین و موثرترین آموزش اطفال معلول حمایت کرد و جهت پیشبرد این مسئله همکاری نزدیکی را با اداره آموزش ابتدائی ( PED ) وزارت معارف، ورزش و جوانان ( MOEYS ) جهت هماهنگی امور آغاز کرد.

گزارش منتشر نشده ای توسط سازمان معلولین کامبوج ( CDPO ) در سال 1997، نشان دهنده آن است که مانع اصلی دسترسی اطفال معلول به تعلیم و تربیه، در واقع کمبود معلمان تعلیم دیده بود. بر مبنای این یافته، و دیگر معلومات حاصل از سازمانهای غیر دولتی و همکاران وزارتخانه، شورای امور معلولیت در سال 1999 تصمیم گرفت تا طرحی آزمایشی را در مجموعه ای از مکاتب ها به اجرا گذارد. با کمک فنی یک مرکز مشاوره بین المللی و تامین بودجه توسط مرکز برنامه خدمات کارشناسی استرالیا و مرکز InterPART استرالیا، طرح مزبور فعالیت خود را بر تعلیم معلمان با هدف استفاده در آموزش فراگیر متمرکز نمود.

مجموعه مکاتب کای چای در ولایت ساوی رینگ بعنوان نمونه آزمایشی انتخاب گردید. چرا که مکتبی متوسط بود و مرکز صحتی و معبدی داشت و از همه مهمتر مدیر مکتب مرکزی این مجموعه مکاتب، خود صاحب یک فرزند معلول بود. از این رو یک مرکز مطالعاتی مناسب بشمار می رفت.

پروژه مزبور در ابتدای سال تحصیلی یعنی سپتمبر 2001 در 9 مکتب ابتدائیه برای یک دوره سه ساله و با بودجه یونیسف، یونسکو و بنیاد نی پون ( Nippon ) به اجرا گذاشته شد. بودجه مذکور هزینه های اجرای پروژه را پوشش می داد که با اضافه شدن یک مجموعه دیگر از مکاتب ولسوالی رامدول در ولایت ساوی رینگ در سال 2002، مبلغ آن افزایش پیدا کرد. همچنین بالا رفتن آگاهی ها، ظرفیت سازی از طریق فعالیتها و مواد آموزشی هم صورت گرفت.

فعالیتهای اطلاع رسانی با برگزاری جشنی در این خصوص در جون 2000 در ولسوالی فنوم پنه ادامه یافت و در جریان این جشن مقامات بلند پایه وزارتخانه، نمایندگان سازمانهای غیر دولتی، معلمان، راهبان و مردم با رقص و آواز سنتی اطفال معلول سرگرم شدند. معلومات آگاهی دهنده که شامل گزارشی جامع درباره وضعیت اطفال معلول کامبوج بود، نیز توسط شورای امور معلولیت تهیه گردید. در سال 2001، اولین کارگاه ملی آموزش اطفال معلول توسط شورای امور معلولیت و وزارت معارف، ورزش و جوانان در ولسوالی فنوم پنه دایر شد. هدف از برگزاری این کارگاه آموزشی عبارت بود از بالابردن آگاهی وزارتخانه و اجتماع، افزایش همکاری بین مکاتب خاص، و تسریع بخشیدن به رشد آنها بعنوان منبع تعلیم معلمان و بسط نظرات مربوط به آموزش فراگیر.

در راستای ارتقای ظرفیت، برای گروهی از کارمندان شورای امور معلولیت و وزارت معارف، ورزش و جوانان در نومبر سال 2000، گردشی علمی به کشور همسایه لائوس ( Lao ) تدارک دیده شده تا در ارتباط با تجربه موفق آموزش فراگیر در آنجا چیزهایی یاد بگیرند. طبق مدل بکار گرفته شده برای آموزش مربیان در لائوس، یک گروه اجرایی ملی مرکب از کارمندان شورای امور معلولیت و مقامات وزارتخانه به منظور تامین امور آموزشی و انکشاف منابع آموزشی تشکیل گردید. منابع آموزشی سطح ابتدائی آموزش فراگیر که این گروه در نظر گرفته بودند، نه تنها در مورد همه معلمان که درگیر طرح آزمایشی بودند بکار گرفته شد، بلکه همچنین در آموزش مفتشین مکاتب ابتدائیه وزارت معارف، ورزش و جوانان هم مورد استفاده قرار گرفت. در ولایتی که طرح آزمایشی به اجرا گذاشته شده بود، یک گروه اجرایی ولایتی جهت کمک های فنی مورد نیاز معلمان تشکیل شد، که این گروه متشکل بود از: یک نماینده از ولایت و دفتر آموزش منطقوی و دفتر امور اجتماعی ولایت، مدیر مکتب و نماینده ای از سازمان معلولین کامبوج.

زمانیکه دولت کامبوج پشتیبانی خود را از اهداف انکشافی هزاره (که طبق آن هدف بخش تعلیم و تربیه عبارت است از آموزش برای همه و تکمیل تحصیلات ابتدائی همگانی تا سال 2015) اعلام کرد، اداره آموزش ابتدائی در وزارت معارف، ورزش و جوانان، بمنظور ایجاد دفتر آموزش ویژه ( SEO ) و اداره جدیدی ( جدا از اداره آموزش ابتدائی) برای خردسالان مجددا راه اندازی شد. کارکنان دفتر آموزش ویژه از معاون مدیر، رئیس و معاون دفتر مربوط به معلولیت تشکیل می یافتند. این موضوع بیانگر تعهد دولت نسبت به پاسخگویی به نیازهای آموزشی اطفال معلول بوده و به افزایش شفافیت چنین موضوعاتی در سطح برنامه ملی آموزش منتهی گردید.

در سالهای بعد، پروژه آموزش اطفال معلول در ساحاتی که عمدتاً مورد حمایت یونیسف بود، توسعه بیشتری پیدا کرد و دفتر آموزش ویژه و شورای امور معلولیت، کمک های فنی و فنیکی خود را در این خصوص تداوم بخشیدند. در همین زمان، سازمان های غیر دولتی همکاری خود را در راستای آموزش فراگیر با وزارت معارف، ورزش و جوانان آغاز نمودند. مکتب لاوال تدابیری اتخاذ نمود تا متعلمین دارای نقص حرکتی که تحصیلات ابتدائی را به پایان رسانده بودند، بتوانند در مکاتب متوسطه دولتی ادامه تحصیل دهند. بطور مشابه موسسه کروزر نمی، در برخی



روزهای تحصیلی، اقدام به اعزام متعلمین خود به مکاتب دولتی همسایه اش نمود. متعلمین دارای مشکل بینایی پس از پشت سر گذاشتن صنف سوم، و متعلمین دارای نقص شنوایی پس از پشت سر گذاشتن صنف پنجم شامل این برنامه می شدند. علاوه بر این، موسسه کروزر طی تعدادی صنف ادغامی را در سطح مکاتب ابتدائیه در ولایتهای مختلف دایر نمود که در آنها معلمان تعلیم دیده کروزر طی با استفاده از حروف بریل ( Beaille ) و زبان موسیقائی به متعلمین دارای نقص سمعی و بصری آموزش می دادند.

در سال 2006، دفتر آموزش ویژه با بهره مندی از کمک فنی یک مرکز مشاوره بین المللی و تامین بودجه توسط یونیسیف، پالیسی و طرحی عملی را از طریق اداره آموزش معلمان در وزارت معارف، ورزش و جوانان درخصوص آموزش فراگیر اطفال معلول، در پیش گرفت که بر آن اساس نیازهای هویتی اطفال معلول در مکتب و خارج از آن لحاظ شده بود. کیفیت این طرح از طریق نظارت مناسب و کافی و تطبیق سیستم ارزیابی تضمین می گردید. در حالیکه خط مشی و پالیسی اتخاذ شده در انتظار تایید نهایی بود، طرح عملی مذکور تحت عنوان «ابتکار تکمیلی سریع» کشورها را قادر می سازد تا با تابعیت از برخی مقررات ویژه همچون دارا بودن یک طرح آموزش ملی، بودجه اضافی به منظور دسترسی همگان به آموزش تا سال 2015 دریافت نمایند. اجرای این طرح عملی تا تامین همکاری لازم بین سازمان ها و ادارات، تداوم خواهد یافت. اداره سلامت مکاتب در وزارت معارف، ورزش و جوانان نیازمند همکاری با سازمانهای غیر دولتی است که خدمات توان بخشی را جهت حصول اطمینان از شناسایی به موقع اطفال دارای اختلال انجام می دهند و همچنین وسایل کمکی و حمایتی مناسب نظیر ویلچر، آتل یا سمعک را تامین می نمایند. به منظور ایجاد آموزش فراگیر در پیش از دوره های آموزشی و نیز توسعه کوتاه مدت دوره های آموزشی با مدارک دولتی در زمینه بریل و زبان موسیقائی، اداره آموزش معلمان نیازمند همکاری با دفتر آموزش ویژه و شورای امور معلولیت و دیگر سازمانهای غیر دولتی نظیر کروزر طی است. هدف این کار ایجاد نظام متعهدی است که بتواند برخورداری تمام اطفال، چه معلول و چه سالم، را از تمام حمایتهای مناسب تضمین نماید و به آنها امکان یادگیری و ماندن در مکتب را داده و آنها را برای ورود به اجتماع آماده سازد.

آقای ویشترا کونگ در بنیاد کومر پیکار،

ایمیل: [vichtra2005@yahoo.com](mailto:vichtra2005@yahoo.com)

پروفیسور کایا کالیانپور، دیپارتمنت آموزش ویژه، دانشگاه/پوهنتون  
توسون

ایمیل: [makalyanpur@towson.edu](mailto:makalyanpur@towson.edu)

آدرس پستی: Dept of Special Education, 419 Hawkins Hall, Towson University, Towson  
MD 21252, USA

## دیوید، منبع امیدواری .... جمع ملی نابینایان، شعبه کرالا

دنیا برای پسر کوچکی با نام دیوید تاریک و تنگ بود. دیوید کوچک در یک خانواده کارگر فقیر، در شهرک پونمادی، واقع در ساحه تریواندروم زندگی می کرد. او به دنیای تیره و تاریک اطرافش با انعطاف پذیری و اکنش نشان می داد و با عزمی راسخ در مسیر تحقق رویای معلم شدن پیش می رفت.



در خانواده، نابینا متولد شد. دو برادر و معاش روزانه ای که والدین او برای امرار معاش 5 طفل دریافت می کردند، به آنها امکان حمایت لازم از دیوید را نمی داد. دیوید، علیرغم عدم دریافت حمایت‌های مورد نیاز از سوی کلان تر هایش، گوشه نشین و اندوهگین نشد، بلکه بواسطه اراده قوی و نگرش مثبتش به زندگی توانست در جامعه برای خود موقعیت مناسبی ایجاد نماید. او در مکتب "روشنایی برای نابینایان" شهر وارکالا تحصیل کرد و پس از آن در لیسه پسرانه اس ام وی ( SMW ) پذیرفته شد. بعد از تکمیل دوره 10 ساله معمول، او دوره مقدماتی دریافت رتبه ( Pre- Degree Course ) را در کالج دولتی هنر گذراند. بسیاری از افراد از جمله محصلین بورسیه باور نکردند که یک پسر نابینا توانسته در آنجا تحصیل کند. اما دیوید اجازه نمی داد تا این موارد او را از مسیر انتخابش منحرف سازند. او بواسطه تحصیلاتش با دریافت لسانس از دانشگاه/پوهنتون کرالا و سپس دوره های تربیت معلم در موسسه بین المللی دولتی تی تی آی ( TTI ) در پالود در تریواندروم ، به سوی آینده گام برداشت.

دیوید پس از اتمام این دوره ها، به خانه برگشت. حالا موضوع شغل مناسب، و افزون بر آن، موضوع پرچالشی که هر نابینای متقاضی کار با آن مواجه است، مطرح گردید. حالا دیگر، برادرها و خواهرهای هم ازدواج کرده بودند و تنها مسئولیت توجه و مراقبت از او به عهده والدین فقیرش افتاده بود. اما انتظار طولانی بود. برای دیوید این موضوع به منزله چالشی تلقی می شد. او می خواست از والدین خود مراقبت کند، اما انتظار طولانی بود. وی در سال 2003 به منظور تقویت خود در مواجهه با چالش های بینایی از طریق "دنیای الکترونیکی هوشمند" ( techno savvy world )، در دوره های آموزش کمپیوتر با همت جمع ملی نابینایان، شعبه شهرک کرالا شرکت نمود. اما متأسفانه مشکلات خانوادگی، او را از ادامه دوره آموزشی منصرف ساخته و دیوید آن را در نیمه کار رها کرد.

او در سال 2004، در راستای عزم و رویایش، از طریق بخش دولتی استخدام گردید و در بخش خدمات دولتی، به عنوان معلم مکتب ابتدائیه در UPS پونمادی جذب گردید. پونمادی، تپه ای با زمینی سخت و جاده ای نامناسب می باشد. این تپه به دو شهرک چای مرشینستون و پونمادی تقسیم شده. دیوید این جاده را به راحتی طی می کند. برای او این شغل رویای تحقق یافته ای است؛ مکتبی نزدیک خانه اش.

دیوید با شور و اشتیاق فراوان در اولین روز در مکتب حاضر شد. اما بزودی متوجه شد که هیچ کسی به علت دوری فاصله، مایل نیست این مکتب و متعلمین آن را اداره کند. حالا، دیوید در مکتبی شبیه یک ساختمان با حداقل امکانات و 22 متعلم در حال تحصیل در صنوف 1 تا 6 تنها مانده است. این مکتب چیزی نیست جز سالونی مستطیل شکل با دیوارها و سقفی خراب و ویران.

دیوید با صبوری فراوان، متعلمین را گرد هم آورد و سالون و محیط اطراف جایی را که مکتب نامیده می شد، پاک کرد. متعلمین محل کمک و پشتوانه خوبی برای دیوید بودند.

اینکه دیوید به تنهایی مکتب را مدیریت می کند، حیرت انگیز است؟ داستان از این قرار می باشد...

دیوید تنها شخصی است که تمام فعالیتهای مکتب را از مسئولیتهای رئیس گرفته تا وظایف کارگرنجام می دهد. دیوید در ساعت 8:30 صبح مکتب را باز و در ساعت 4:30 آن را بسته می کند. او تمام صنوف 1 تا 6 را تدریس می کند. او به منظور تدریس مضامینی نظیر ریاضیات، ساینس برای صنوف بالاتر، از اشخاص تحصیل کرده اجتماع بهره می گیرد. از متعلمین رده های بالاتر، صنف ششمی ها به منظور درس دادن به متعلمین صنوف اول و دوم استفاده می کند. او امتحانات و تست هایی را تهیه کرده و به کمک متعلمین رده های بالاتر و همکاران نزدیک ساحه اوراق امتحانی متعلمین را ارزیابی می کند.

دولت کرالا تسهیلاتی نظیر مواد خوراکی برای آماده کردن نان چاشت متعلمین مکتب را فراهم نموده است. این مواد غذایی باید از نزدیکترین ذخیره خانه دولتی ویدهورا، در فاصله 25 کیلومتری دریافت گردد. دیوید این کار را به کمک افراد محلی مدیریت می کند. بعد از تدارک مواد غذایی، آماده سازی غذا به کمک پیر زنی از باشندگان محل صورت می گیرد. تمام متعلمین مکتب متعلق به خانواده های کارگر شهرک چای هستند. آنها از موفقیت اطفال شان در امر تحصیل بسیار خوشحال می باشند.

چگونه شخصی با چنین اختلالی می تواند این همه کار را به تنهایی انجام دهد؟ صبوری، نگرش مثبت به زندگی و اشتیاق عرضه چیزی به دیگران به جای انتظار از دیگران، موفقیت را در زندگی دیوید به ارمغان آورده است. دیوید از شغل و مسئولیت هایش بسیار خوشحال و راضی است. سرانجام، او از خود شهادت نشان داد و وارد حوزه ای شد که هیچ کس مایل نبود در آن کاری انجام دهد. دیوید خود را وقف کار کرده و با ارائه الگوی سادگی و ایثار از خود، همچنان الهام بخش ما می باشد.

جمع ملی نابینایان، شعبه کرالا، اخیرا کمپیوتری به دیوید اهدا کرده تا به آروزی دیرینه اش یعنی برخورداری از دانش کمپیوتری دست یابد. برای بسیاری از ما، پیشرفت دیوید در مقایسه با افراد معروف نابینایی که موفقیت های بزرگی در زندگی کسب کرده اند، موضوعی بزرگ نیست، اما ما در جمع ملی نابینایان معتقدیم که نباید ارزش حقیقی مورد بی اعتنائی قرار گیرد.

داستان دیوید سرچشمه پایان ناپذیر امیدواری است. با غلبه بر تمامی موانع و مشکلات، او بعنوان یک برنده، مثال زدنی است.

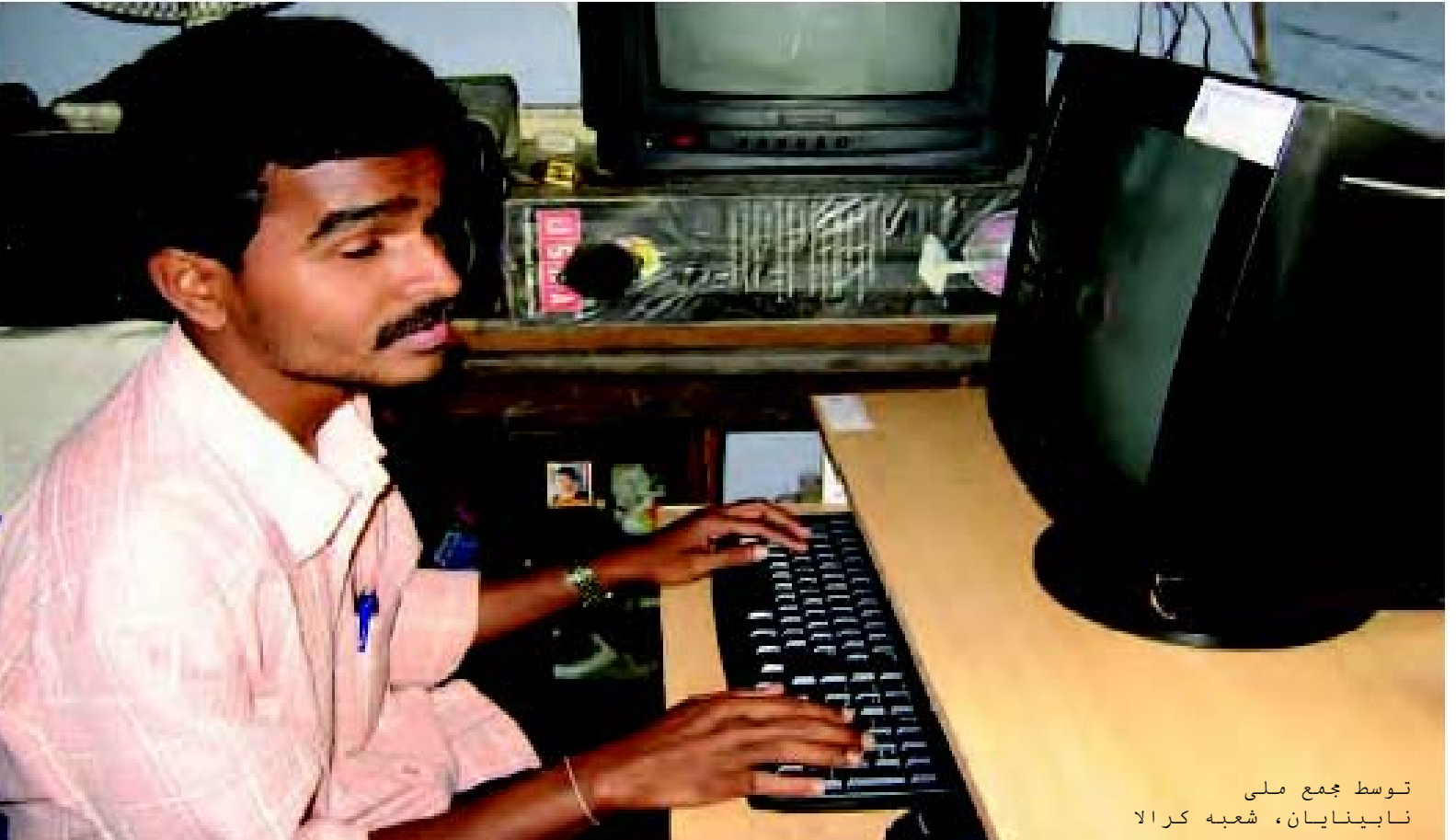
جمع ملی نابینایان هند، شعبه کرالا

می توانید از طریق آدرس پستی زیر تماس بگیرید:

**National Association for the Blind, Kerala, Branch; 80, Manjadivila Road, Plamood;  
Trivandrum-695003; Kerala - India**

یا از طریق آدرس ایمیل زیر:

**nabkeral@gmail.com**



توسط جمع ملی  
نابینایان، شعبه کرالا

پذیرش اجتماعی از مکتب آغاز می گردد: اطفالی که با همدیگر یاد می گیرند، می آموزند که با همدیگر زندگی کنند.

### کمیته نجات بین المللی ( IRC )

#### آموزش فراگیر چیست و چرا در افغانستان موضوعی مهم است؟

آموزش فراگیر، استراتژی بهبود نظام آموزش برای همه اطفال است. آموزش فراگیر تلاش می کند تا موانع دستیابی همه اطفال ( بویژه اطفالی که به لحاظ اجتماعی مورد تبعیض قرار می گیرند؛ و به دلیل فقر، جنسیت، معلولیت، قومیت و هر عامل دیگری به حاشیه رانده یا طرد می شوند) به مشارکت در آموزش و تحصیل آن را رفع نموده یا به حداقل برساند. چالش های آموزش فراگیر موجود در نظام های آموزشی و مکاتب، فعالیت های آموزشی را یاد گیرنده - محور، انعطاف پذیر و متنوع تر می سازد. از طریق ترویج آموزش فراگیر و تنوع در صنوف درسی، همه اطفال از تنوع سبک های تعلیم و یادگیری بهره مند می گردند. آموزش فراگیر بر حق برخورداری اطفال از آموزش و فرصت های پیشرفت معمول و رایج تاکید دارد. کمیته نجات بین المللی بر این باور است که آموزش فراگیر گامی اساسی در جهت جامعه ای فراگیر می باشد.

"مکاتب فراگیر که مهمترین راه مبارزه با نگرش های تبعیض آمیز می باشند، اجتماعی پذیرا و جامعه ای فراگیر بوجود خواهند آورد و آموزش را برای همه فراهم می سازند." (یونسکو، بیانیه سالانکا، 1994)

#### اقدامات کمیته نجات بین المللی در زمینه آموزش فراگیر بر معلولیت متمرکز است

در افغانستان در حدود 196000 طفل معلول در سن مکتب وجود دارد، که 34700 تن از آنها نقص های حسی دارند؛ و 64 فیصد از این اطفال به امکانات تحصیلی دسترسی ندارند. اطفال معلول حسی، خصوصاً دختران، به علت تعصبات اجتماعی، بزرگترین گروه محروم از آموزش هستند. عدم برخورداری مربیان و مجریان از مهارت های مربوط به رفع نیازهای اطفال معلول، بر شدت این مشکل می افزاید. پذیرفتن این اطفال در مکاتب و تعلیم رویکردهای مناسب یادگیری به معلمان بطوری که برای همه متعلمین صنف قابل فهم باشد، در حال حاضر نیازی جدی محسوب می شود.

از سال 2005، کمیته نجات بین المللی در افغانستان اقداماتی را در راستای تقویت آموزش فراگیر، بویژه برای اطفال معلول آغاز نموده است. کمیته نجات بین المللی برنامه آموزش فراگیر خود را با پروژه ای آزمایشی در ولایت هرات آغاز نموده که در آن اطفال دارای معلولیت بینایی و شنوایی را در مکاتب دولتی وارد ساخته است. این کار در سال 2006 با تمویل صندوق بودجه حمایت از اطفال بیجا شده و ایتم (DCOF) اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده توسعه پیدا کرد. در سال 2007، کمیته نجات ملی، دوباره این پروژه را با حمایت کمیسیون اروپایی به چهار ولایت دیگر (کابل، پکتیا، لغمان و ننگرهار) گسترش داد و اقدامات آموزش فراگیر را ضمیمه پروژه آموزشی در حال اجرا در هر اجتماعی کرد.

در حال حاضر، کمیته نجات ملی، با همکاری یک همکار داخلی یعنی مجمع ملی نابینایان (NAB)، فعالیت های مبنی بر الحاق نزدیک به 200 طفل

دارای معلولیت حسی به مکاتب دولتی و محلی را در بیش از 80 اجتماع محلی انجام می دهد. کمیته نجات بین المللی همچنین با «سازمانهای معلولین» (DPOs) همکاری می کند تا آنها را در زمینه تقویت ظرفیت های سازمانی شان یاری کرده و نیز از طرف دیگر آموخته های هر دو طرف ارتقا یابد.



توسط IRC

### قدم ن: اطلاع رسانی و بسیج اجتماعی

**اطلاع رسانی عمومی** به اعضای اجتماع یکی از اولین گامهای اساسی در افزایش درک موجود از توانایی اطفال دارای نقص حسی به منظور مشارکت دادن آنها در مکتب معمولی، بازی با اطفال غیر معلول و مشارکت در سایر فعالیتهای اجتماعی است.

**حضور اعضا و والدین در دوره های آموزشی** مهارتهای ارتباطی (بریل یا نشانه ها) و مهارتهای حل منازعه، تا در طول فرایند ادغام، اطفال دارای نقص حسی در مکاتب معمولی بتوانند در همان ابتدا میانجیگری نمایند.

### ایجاد صنف های آموزشی فراگیر: ایجاد آموزش بهتر برای تمام متعلمین

**تهیه منابع آموزشی در خصوص تعلیم:** کمیته نجات بین المللی برای معلمان منابع آموزشی ای در نظر گرفته است که مناسب حال طفل بوده و از لحاظ روشی و نوآوری در الگوهای تعلیم و یادگیری نه تنها برای اطفال دارای نقص های حسی بلکه برای تمام اطفال مفید خواهد بود. این منابع آموزشی توسط گروه های فعال بین موسسات مرور شده و بر مبنای تجارب مشترک آنها همواره در معرض تغییرات جدید قرار می گیرد.

**فعالیت های آگاهی رسانی به هم صنفی ها** به منظور اطمینان از این موضوع صورت می گیرد که آیا اجزای مهم پروسه ادغام موفق به عنوان پذیرش اجتماعی در میان همسالان از طریق مثلا بازی و تعهدات اجتماعی از سوی هم صنفی ها به وقوع می پیوندد یا خیر.

**تربیت معلم و کمک های صنفی** بر ایجاد مهارتهایی برای معلمان در رفع نگرش های منفی نسبت به اطفال معلول متمرکز گردیده است. دوره های آموزشی کمیته نجات بین المللی، دانش و مهارت معلمان را در صنف درس ( از جمله بریل یا مهارتهای زبان اشاره و روشهای تدریس)، در خصوص حمایت از اطفال، بویژه اطفال دارای نقصهای حسی، شکل می دهد. معلمان از طریق بحث و گفتگو و نمایش و ارائه درس ها، می آموزند که توانایی های اطفال دارای معلولیت حسی را درک کنند تا بتوانند کاملاً در محیط صنوف معمولی شرکت داشته باشند.

منابع آموزشی تعلیم و یادگیری به منظور بهبود مشارکت اطفال دارای معلول حسی در صنف درس فراهم می گردد. این منابع آموزشی مشتمل است بر کارتهای آموزشی، اشکال حجمی، پوسترها و موارد کمکی بصری، ماشین بریل، دستگاه ضبط و کتابها و پوستره های مربوط به زبان نشانه ای .

### کمک به شمولیت موفقانه اطفال

کمک به اطفال قبل از ثبت نام با تمرکز بر مهارت‌های ارتباطی (بریل و زبان نشانه ای)، حرکتی (بویژه برای متعلمین دارای نقص بینایی)، آماده سازی روانی برای چالش‌های هنگام ورود به صنف‌های معمولی و تعلیمات خصوصی با توجه به سطح برنامه درسی صنف، از موارد ضروری قبل از فرایند ادغام و شمولیت می باشند.

کمیته نجات بین المللی از طریق ملاقات‌های خانگی و تعلیمات خصوصی، اطفال معلول را مورد حمایت قرار می دهد، از طریق کار با خانواده ها، همسنگی ها، معلمان و اعضای اجتماعات به آنها این قابلیت را می دهد تا نیازهای تحصیل و شخصی اطفال پذیرفته شده در مکاتب را برآورده سازند.

**حمایت همسالان در قالب گروه های «طفل به طفل» ( Child-to-Child )** این امکان را به اطفال می دهد تا تجاربشان را در اختیار یکدیگر گذاشته و از همدیگر چیزهایی یاد بگیرند.



توسط  
IRC

#### شبکه همکاران آموزش فراگیر

کمیته نجات بین المللی در زمینه ایجاد و توسعه همکاری قوی و شبکه ای در سطح ملی و ولایتی فعالیت می کند. از طریق ارتباط شبکه ای، همکاران قادر خواهند بود تا منابع، طرح های تکمیلی، فعالیت‌های مشترک را در اختیار دیگران قرار دهند و حمایت و اقدامات سیاستگذاری ملی را ارتقا بخشند.

در حال حاضر، شبکه فعالان اصلی شامل موارد زیر می گردد: دفاتر ملل متحد از جمله یونیسف، یونسکو، یونماکا (UNMACA)، موسسات غیردولتی همچون نجات اطفال، کمیته سوئیس برای افغانستان، سرو (SERVE) و آی سی آرسی (ICRC)، و موسسات غیر دولتی محلی و موسسات خصوصی مربوط به معلولین داخلی شامل بایسکل سواران معلول افغان بسوی توان بخشی و تجدید قوا (AABRAR)، مجمع ملی نابینایان (NAB)، کانونهای رفاه خانوادگی و مجمع ملی ناشنویان افغانستان (ANAD).

لطفا برای معلومات بیشتر درباره کمیته نجات بین المللی در افغانستان با خانم نیکول والدن از طریق ادرس زیر تماس بگیرید:

Nicole.Walden@theIRC.org

یا از طریق آدرس پستی زیر:

کمیته نجات بین المللی

افغانستان، کابل، ناحیه 9، شش درک، کوچه افغان ها، خانه شماره 61

## آرزوی من... مدینه غفوره

هر کسی در دنیا آرزویی دارد، اطفال نیز همینطور. من هم آرزویی دارم. من از طفولیت آرزو داشتم رهبری مانند ایندیرا گاندی، رهبر افسانه ای هند شگفت انگیز شوم. او یکی از اولین رهبران زن در دنیاست و من می خواهم پا در جای پای او بگذارم. فکر می کنم شاید هیچوقت در زندگی به آرزویم نرسم، و این فقط به صورت یک آرزو باقی بماند. اگر کسی بخواهد رهبر شود باید در درجه اول سالم، پر معلومات و تحصیل کرده باشد. من می خواهم علوم جدید دنیا را بیاموزم و فردی با معلومات و مدرن شوم. اما معلومات و آموزش مناسب را چطور می توان بدست آورد؟

می گویند مکتب بهترین مکان برای یادگیری فرهنگ و آموزش می باشد. اما متأسفانه مکتب ما چنین امکانات مناسبی برای آموزش ندارد. قصد ندارم بگویم که مکتب ما مکتب بدی است اما نیازها و خواسته های ما را برآورده نمی کند. من شرایط مکتب مان را خوب می فهمم و می دانم که معلمان تلاش می کنند تا شرایط را بهتر سازند ولی منشا این مشکلات، اقتصاد ضعیف کشور ماست. مکتب شرایط خوبی برای درس خواندن ندارد، بویژه در زمستان. بسیاری از اطفال به امید یادگیری، فاصله زیادی را در سرما طی می کنند تا به مکتب بیایند. اما می بینند که معلمی نیست که به آنها درس بدهد. معلمان با تجربه و کارآمد در مکتب ما اندک هستند و اکثر معلمان با تجربه بازنشسته شده اند.

چنانچه می دانیم زبان انگلیسی، معمول ترین و رایج ترین زبان دنیاست، بنابراین همه تلاش می کنند آنرا بیاموزند. من آرزو می کنم بتوانم این زبان را یاد بگیرم و صحبت کنم. به نظر من دانستن این زبان یک فرصت است و سفر کردن به تمام کشورهای انکشاف یافته را آسان می کند. امروزه مردم در کشور ما به انگلیسی و روسی با هم صحبت می کنند. از آنجا که زبان انگلیسی در تاجیکستان زبان جدیدی است بنابراین اکثر مکاتب در تاجیکستان و نیز مکتب ما معلم انگلیسی ندارند. من اکنون متعلم صنف 11 هستم و برخی از هم صنفی های من به دلیل نبود معلم خوب ترجیح می دهند که دیگر به مکتب نیایند. چنانچه متعلمین احساس کنند که سطح آموزشی مکتب پایین است، ممکن است در خانه بمانند و به والدینشان در کارها کمک کنند.

اما من و سایر هم صنفی هایم سعی می کنیم موضوعات مختلفی را که در مکتب آموزش داده می شوند یاد بگیریم و قصد داریم بر همه این مشکلات پیروز شویم. از برکت وجود موسسات بین المللی از قبیل یونیسف، کمیته نجات اطفال و انجمن مردمی دل افروز، ما اکنون در مکتب خود یک سازمان هدایت اطفال داریم، که فعالیتهای خارج از نصاب تعلیمی را سازماندهی می کند. گروهی از ما دختران و پسران به کمک یکدیگر سعی می کنیم به متعلمینی که دیگر نمی خواهند به مکتب بیایند کمک کنیم تا دوباره فعال شوند. پسرنی که در سازمان هدایت اطفال فعالیت می کنند دوست دارند ورزشکاران معروف، فوتبالیست و بسکتبالیست شوند و دختران دوست دارند دوکتور، ژورنالیست، معلم و خیاط شوند.

**خاتم مدینه غفورا** متعلم صنف 11 و عضو سازمان هدایت اطفال پرستو، در ولسوالی رودکی می باشد. در صورت تمایل به تماس با ایشان می توانید به EENET Asia ایمل روان کنید.



## چرا ما باید یک نظام آموزشی خاص و مجزا داشته باشیم؟

### ذکیره میناس

پس از آنکه آی دی پی ناروی با مشارکت هیئت مدیره آموزش فدرال در اسلام آباد آموزش فراگیر را معرفی کرد، بسیاری از افراد بخش آموزشی به مرور و تفکر در خصوص ابعادی از نظام آموزشی پرداختند.

از یکسو، قانون اساسی پاکستان برای اطفال حقوق برابر در برخورداری از آموزش کیفیت مند و دسترسی به محیطی سالم و امن قائل شده است. اما از سوی دیگر، تقریباً تمام شهرهای بزرگ "مکاتب خاصی" برای اطفال معلول دارند. این مغایرت سوالات بسیاری را در این خصوص طرح می کند که ما چطور در قالب جامعه به اطفال عنوان خاص می دهیم؛ در واقع بهتر است سوال را اینگونه طرح کنیم که آیا آنها بخشی از کل هماهنگی نیستند که ما آن را جامعه می نامیم؟ این جامعه یک نظام آموزشی را برای رشد اجتماعی، اخلاقی، جسمی و روانی نسل آینده تدارک می بیند. اگر ما یک جامعه هستیم، پس چرا برای آنهایی که اطفال خاص می نامیم نظامی مجزا داریم؟ آیا آنها در آینده، پس از اتمام تحصیلاتشان، می خواهند در اجتماع و نظام مجزا زندگی و کار کنند؟ واضح است که خیر. پس چرا ما این غنچه های کوچک را از گلزارشان دور می کنیم؟ آیا وظیفه نظام آموزشی این نیست که از این اطفال در موارد مختلف همچون سایر اطفال استقبال نماید.

مکاتب و صنوف درس ما مدل کوچک شده جوامعی هستند که در آن، اطفالی با توانایی های مختلف برخاسته از زمینه های متنوع قومی، دینی و اجتماعی داریم. طفلی که در صنف درس یک فرد پیش رونده و مترقی است، در آینده نیز به احتمال قوی در سایر حوزه ها به عنوان مترقی و پیشرو ظاهر خواهد شد. از سوی دیگر، طفلی که طرد شده و به حاشیه رانده شده و یا نتوانسته بر کمرویی خود در صنف درس غلبه کند، در جامعه بزرگ زندگی آینده، قادر به دفاع از حق خویش نخواهد بود.

معلمان اغلب از مزدحم بودن صنوف درسی شان گله مند به نظر می رسند. اما فی الواقع این موهبتی پنهان برای معلمان و متعلمین می باشد. چون که صنف درس مزدحم در مقایسه با صنوف کوچک فضای پرباری در اختیار هر دو قرار می دهد. به این صورت که معلم متعلمین را برای یک جامعه مملو از جمعیت آماده می کند و نه برای عالم خیالی پر از گل و بلبل که هیچ کسی نیاز به کمترین تلاشی برای احقاق حقوقش ندارد. جدا از صنوف درسی مزدحم و مزدحم، ما سرک ها، بازارها و شفاخانه های مزدحمی نیز داریم. علاوه براین، در این جامعه مملو از جمعیت، ما مردم معلولی را می بینیم که وظایف متنوعی انجام می دهند و می توانند کمپیوتر کار، نگهبان، معلم و کارگر فابریکه باشند و یا در مقابل، متاسفانه، گدا باشند. اگر این واقعیت را بپذیریم که تمام اطفال بعد از اتمام تحصیلاتشان می خواهند بخشی از همین جامعه شوند، پس چرا موسسات آموزشی ما از آنها استقبال نمی کنند؟ اگر می خواهند در زندگی آینده با دیگر افراد معلول سرو کار داشته باشند، چرا از روزی که در جریان تحصیل هستند این امر روی نمی دهد؟ از سوی دیگر، ما تنها در شهرهای اصلی مان این موسسات آموزشی خاص را داریم. در مورد اطفالی که در ساحات روستایی زندگی می کنند، چطور؟ این اطفال "خاص" به کجا خواهند رفت؟ راه حل، در ایجاد جریان آموزش فراگیر مبتنی بر درک و شناخت تمام اطفال، طرد هیچ یک از آنها و داشتن حق تحصیل با کیفیت عالی در مکتبی نزدیک خانه هایشان نهفته است.

خانم زکیہ میناس، معلم مکتب آزمایشی آموزش خاص در اسلام آباد  
پاکستان است. لطفاً برای تماس با ایشان به آدرس ایمیل زیر برایشان  
ارسال فرمایید: [nakistan@idn-euron.org](mailto:nakistan@idn-euron.org)



توسط IRC

## پروژه آموزش فراگیر در لائو ۲۰۰۸-۱۹۹۳ بتر گریمس، خوموانه سائرات و سیتات اوتیاتانی

در پانزدهمین سالروز پروژه آموزش فراگیر در لائو (نومبر ۲۰۰۸)، مناسب است تا به انعکاس چالش‌ها و همچنین نکات فراگرفته شده در جریان این پروژه بپردازیم. موسسه نجات اطفال بعنوان بخشی از پروسه انتقال پروژه به وزارت معارف لائو، روندی را جهت ارزیابی تأثیرات پروژه و جمع آوری نکات و درس‌های فراگرفته شده و تجربیات مثبت در جریان اجرای آن را آغاز کرده است که در انتشارات آتی در می ۲۰۰۹ به چاپ خواهد رسید.

در این مقاله قصد داریم تا بطور مختصر به معرفی این پروژه برای افرادی بپردازیم که احیاناً نسبت به آن بی اطلاعند و در این اثنا برخی از فعالیت‌های اخیر را نیز توضیح دهیم.



توسط پیتز گریمس، خوموانه سائرات و سیتات اوتیاتانی

اطفال نابینا و ناشنوا در سال ۱۹۹۲، در سهر ویسین، پایتخت مو هیچگونه امکانات آموزشی برای اطفال با نیازمندی‌های خاص وجود نداشت. در راستای پرداختن به این مهم، پروژه آموزش فراگیر در نومبر ۱۹۹۳ آغاز شد که در نوع خود گام مهمی در جهت تطبیق کنوانسیون حقوق طفل و همچنین برنامه جهانی ملل متحد در رابطه با افراد دارای معلولیت بود. با حمایت یونسکو و موسسه بریتانیایی نجات اطفال (Save the Children UK)، پروژه در ابتدا بصورت آزمایشی در یک مکتب ابتدائیه شهرداری اجرا شد. بین سال‌های ۱۹۹۵-۹۶ تعداد مکاتب به ۹ مکتب ابتدائیه و ۳ مکتب آمادگی افزایش یافت. از آن سال به بعد و پس از آنکه موسسه سیدا (SIDA) بعنوان حامی اصلی این پروژه شناخته شد، پروژه در مکاتب دیگر، ولایات و ولسوالی‌های دیگر کشور نیز گسترش پیدا کرد. در حال حاضر ۵۳۸ مکتب در کل کشور تحت پوشش پروژه آموزش فراگیر قرار گرفته اند. قرار است در می ۲۰۰۹ مسئولیت اجرایی و مدیریتی این پروژه از موسسه نجات اطفال ناروی (Save the Children Norway)، به وزارت معارف لائو، انتقال یابد.

پروژه آموزش فراگیر لائو که در ابتدا عمدتاً جابجایی و نقل و انتقال اطفال با نیازهای آموزشی ویژه به مکاتب معمولی را در بر می گرفت، حال به پروژه ای مبدل گشته است که سعی می کند از طریق شناسایی و رفع موانع مشارکت، از مکاتب در زمینه پذیرش متعلمین گوناگون حمایت کند. رویکرد نیازهای ویژه آموزشی که خواهان تخصصی تر متدهای آموزشی و تهیه و تدارک منابع پیچیده است، در حقیقت عملی نیست. در واقع، ایجاد تعداد بیشتری مراکز اطفال و اتخاذ رویکرد های فعال آموزشی در صنوف تربیتی، موفق ترین ابزارهای مشارکت دادن اطفال دارای نیازهای ویژه، در مباحث صنف درس بوده است.

دو اقدام ابتکاری اخیر در این راستا عبارت بوده اند از: ارتقاء یک ابزار خودسنجی (self-evaluation) فراگیر برای استفاده در مکاتب آموزش فراگیر و همچنین طراحی پروژه ای بمنظور جمع آوری معلومات کمیتی از همه مکاتب آموزش فراگیر جهت ارزیابی تأثیرات پروژه.

فعالیت مربوط به ابزار خودسنجی<sup>۹</sup> مکتب ابتدائیه در سه ولسوالی از سه ولایت مختلف را در بر می گیرد. معلمان و مشاوران ولایات انتخابی، در زمینه توسعه یک ابزار مبتنی بر شاخص فراگیری (Booth and Ainscow T, 2002)، با یکدیگر همکاری نموده اند. این ابزار در واقع مجموعه ای از شاخص هایی است برای انکشاف طرح عملی فراگیر در مکاتب که در سطح بین المللی و در بسیاری از کشورها تعدیل و مورد استفاده قرار گرفته است. هدف تولید ابزاری بود که با شرایط لائو همخوانی داشته باشد و بتواند بعنوان یک ابزار خودسنجی در مکاتب استفاده شود. این ابزار در طی ۳ سال ۲۰۰۵-۲۰۰۸ ساخته شد. در طی این مدت مکاتب به انتخاب و آزمایش ابزارهایی پرداختند که برای مشارکت کل مردم از معلمان گرفته تا متعلمین و در سطح وسیع تر در کل جامعه، لازم بود. آنها این مهم را با قضاوت در مورد شاخص های فراگیری در مکاتب مرتبط، انجام دادند. سپس این روند در طرح عملی اولیه مکتب و فعالیت های بهسازی بکار گرفته شد.

مشکلاتی در ارتباط با اجرای فعالیت ها در مکاتب وجود داشتند. تجارب به ما گوشزد می کردند که شاخص فراگیری در شکل انگلیسی آن برای معلمان که خود آموزش کمی دیده اند، بسیار پیچیده است. بنابراین تعدیل هایی مهم و اساسی در این باره صورت گرفت. نمونه اصلی در حقیقت شامل ۴۴ شاخص است، در حالیکه نسخه بکارگرفته شده در لائو ۱۴ شاخصی است. در نمونه اصلی، هر شاخص بین ۸ تا ۱۷ سوال واضح را در حمایت از استفاده از آنها و نیز گرم شدن مباحث و سوالات مطرح می کند، ولی در نسخه لائو ۸ سوال. معلمان و مشاوران احساس کردند که مهم است ابزارمزبور قابل مدیریت و هدایت باشد و همچنین برای تحت پوشش قرار دادن موضوعات مرتبط با مکاتب لائو به اندازه کافی منعطف داشته باشد، ولی در عین حال آنقدر فشرده باشد که مکاتب احساس کنند توانایی به پیش بردن آنها دارند. مفاهیم پشت سر این ابزار باید به اندازه کافی واضح و روشن باشد چرا که این مفاهیم و تعابیر در بین فرهنگ ها اشاعه می یابد. بعلاوه مشارکت کنندگانی که این ابزارها در مکاتب در اختیارشان قرار می گیرد، باید نسبت به هدف این عمل تفهیم شده باشند، مثلا اینکه: این یک تمرین خود سنجی است نه دیگری سنجی.

ارتقاء این ابزار یکی از دستاوردهای وزارت معارف لائو بوده است و امید است که بتوان از سال آینده در مکاتب سرتاسر لائو، از آن استفاده نمود. نام این پروژه از «بهبود کیفیت مکاتب برای همه در لائو» به «پروژه بهبود و خودسنجی مکاتب» تغییر کرده است تا این واقعیت را منعکس نماید که این ابزار از یک روند جامع و فراگیر انکشاف مکتب حمایت می کند. جزییات بیشتری از نقطه نظرات راجع به ارتقاء ابزارها در انتشارات موسسه نجات اطفال که پیشتر در این مقاله بدان اشاره شد، در دسترس قرارخواهد گرفت. همچنین به تاریخ جون 2009، نایشگاهی در مورد تاثیرات آموزش فراگیر لائو در کنگره بین المللی ونکوور با موضوع موثریت و بهبود مکاتب، بر پا خواهیم کرد (<http://www.icsei2009.org/index.html>). اجالتا گزارشی راجع به ارتقاء ابزار تا جون ۲۰۰۷ به آدرس زیر در دسترس است:

<http://www.fm-kp.si/zalozba/ISBN/978-961-6573-65-8/117-131.pdf>

یکی از نقاط ضعف پروژه آموزش فراگیر فقدان و کمبود مکاتب دارای مرکز معلومات کمیته است که آنها را قادر می سازد تا تجزیه و تحلیل عمیق تری نسبت به موثریت پروژه ها در مکاتب انجام دهند. بنابراین بعنوان بخشی از استراتیژی خروجی آموزش فراگیر، موسسه نجات اطفال با همکاری وزارت معارف، فورم هایی را جهت جمع آوری معلومات در خصوص کارایی پروژه و همچنین توجه به مشکلات گروه های متعلمین، خاصه اطفال با نیازهای ویژه، در مکاتب توزیع کرد. این فورم ها به همه

۵۳۸ مکتبی که پروژه در آن انجام می شد در ۱۷ دفتر ولایتی فرستاده شد. روند جمع آوری معلومات نیازمند ارائه معلوماتی از سوی مدیران مکاتب بود که در آن افرادی که بیش از همه در برابر موانع مشارکت و پیشرفت آسیب پذیر بودند، دسته بندی می شدند.

معلومات جمع آوری شده از طریق ۵۳۸ مکتب در پایان جون ۲۰۰۸ فرستاده شد و بخاطر اینکه سیستم موجود برای جمع آوری و تشریح معلومات پیشرفته نبود، نشان می داد که آموزش ها و حمایت های صورت گرفته در سطح مکتب همیشه و در همه حال کافی نبوده است؛ از این رو تیم های ولایتی که نقش نظارت بر جمع آوری معلومات از مکاتب و دفاتر منطوقی را بر عهده داشتند، دریافتند که سوالاتی در خصوص کیفیت معلومات مطرح است. این اقدام، نیاز بیشتر به آموزش سیستماتیک و حمایت از مکاتب در جمع آوری معلومات، ثبت و تجزیه و تحلیل آنها را روشن ساخت.

در ادامه تجزیه و تحلیل معلومات در اکتبر ۲۰۰۸، با هدف ارزیابی سفرهایی به مکاتب مورد نظر برای کنترل اعتبار معلومات ثبت شده، صورت خواهد گرفت. هدف اصلی این سفرها، ارائه یک تجزیه و تحلیل کیفی عمیق نسبت به تاثیر پروژه آموزش فراگیر در مکاتب و جوامع می باشد. ما در صدد ارائه جزئیات بیشتری راجع به نتایج این بازدیدها و دیگر جنبه های پروژه آموزش فراگیر در شماره دیگری از خبرنامه EENET asia هستیم.

آقای پتر گریمس، مشاور دانشگاه/پوهنتون Canterbury Christ church انگلستان و مشاور آموزش فراگیر، موسسه نجات اطفال. ایمیل: [peter.grimes@caterbury.ac.uk](mailto:peter.grimes@caterbury.ac.uk)

خانم خوموانه سائرات هماهنگ کننده برنامه موسسه نجات اطفال ناروی در لائو.

ایمیل: [khomvanh@scn.laopdr.org](mailto:khomvanh@scn.laopdr.org)

و آقای سیتات اوتیاتانی معاون واحد آموزش ابتدایی و رئیس تیم اجرایی در وزارت معارف.

ایمیل: [ielao\\_st@yahoo.com](mailto:ielao_st@yahoo.com)

## برداشت تعلیم دهندگان از منابع لازم برای بهداشت (حفظ الصحه) موثر مکاتب دولتی در پاکستان

نویسنده این متن، تحقیقی در مقیاس کوچک را به عنوان بخشی از کار خود در دوره ماستری در موسسه آموزشی لندن، بریتانیا انجام داده که نتایج آن به شرح زیر می باشد:

تخصیص منابع برای بهداشت مکاتب (FRESH) چارچوب با ارزش و مهمی برای بهبود وضعیت صحت اطفال، بویژه در کشورهای انکشاف یافته فراهم می نماید. چهار عنصر اصلی تخصیص منابع برای بهداشت موثر مکاتب که عبارتند از: 1- پالیسی های مکتب درباره وضعیت صحت، 2- فراهم کردن آب و سیستم فاضلاب، 3- آموزش درباره مسائل صحت، 4- خدمات تغذیه ای و صحت مکاتب، برای حمایت و تقویت سلامت اطفال در همه مکاتب بسیار حائز اهمیت می باشند، زیرا اطفال سالم، شادتر هستند و بهتر یاد می گیرند و در نتیجه جامعه سالم تری خواهیم داشت.

این مطالعه تحقیقی به منظور درک اهمیت چارچوب تخصیص منابع برای بهداشت موثر مکاتب و شناسایی منابع برنامه های بهداشت مکاتب در مکاتب ابتدایی دولتهای فقیر طرح ریزی شده است. در این مطالعه سوالهای زیر مطرح است:

1. مربیان چه منابعی را برای تامین بهداشت مکاتب ابتدایی دولتی پاکستان ضروری می شمارند؟

2. به نظر مربیان دسترسی به این منابع از چه طریقی امکان پذیر است؟

جمع آوری معلومات از طریق سروی کوچکی با ترکیب شیوهای کیفی و کمیتی صورت گرفته است. یک پرسشنامه نیمه ساخت یافته (semi-structured) تهیه گردید و از طریق ایمیل برای پاسخگویان ارسال گردید تا آنها خانه پری کنند. پاسخگویان مطالعه، مربیانی بودند که تجربه آموزش صحت داشتند. در ابتدا با آنها تماس گرفته شد و موافقتشان دریافت گردید. از 35 نفری که با آنها تماس گرفته شد، 20 نفر تمایل به همکاری نشان دادند و 18 نفر از آنها (10 مرد، 8 زن) پرس



## اهمیت آموزش صحتی در پاکستان

از پاسخ دهندگان خواستیم که نظرات خود را در مورد جمله "آموزش و ترویج بهداشت، در مکاتب ابتدایی دولتی پاکستان مقوله بسیار مهمی می باشد." بیان نمایند. 16 نفر از 18 نفر گزینه کاملاً موافق را علامت زدند. این امر به طور واضح نشان می دهد که معلمان، آموزش و ترویج بهداشت در مکاتب ابتدایی دولتی پاکستان را بسیار مهم تلقی می نمایند.

## وضعیت فعلی آموزش صحتی در پاکستان

همه 18 پاسخ دهنده از میان 5 گزینه، گزینه های ضعیف یا بسیار ضعیف را انتخاب کردند. عدم دسترسی به آب آشامیدنی، تشناب عمومی، شرایط بد و نبود آموزش صحتی در رئوس مطالب درسی دولت فعلی و تنبیه بدنی در مکاتب دولتی که بر سلامت روحی اطفال تاثیر می گذارند، دلایل اصلی انتخاب این گزینه ها می باشند.

## جمع آوری منابع

نبود معلمان تعلیم دیده برای آموزش صحتی، نبود نصاب تعلیمی و پالیسی های آموزشی، از نمونه های موارد ضعف منابع می باشند. اکثریت تعلیم دهندگان بر این باورند که وضعیت صحتی در مکاتب دولتی بهبود خواهد یافت چنانچه موارد زیر قابل دسترس باشند:

- کارمندان تعلیم دیده و با انگیزه برای ارائه درسهای آموزش صحتی
- سیاست اجباری کردن آموزش صحتی در همه مکاتب ابتدایی دولتی
- نصاب تعلیمی مربوط به آموزش صحتی
- دسترسی به آب و فاضلاب
- خدمات صحتی مکتب
- ارتباط قوی مکتب و اجتماع
- فراهم آوردن محیط صحتی

## نتیجه

همه تعلیم دهندگان شرکت کننده بر اهمیت آموزش صحتی در مکاتب ابتدایی دولتی پاکستان تاکید دارند. آنها معتقدند نیازشدیدی به آموزش صحتی در سطح مکاتب وجود دارد. برخی از پاسخ دهندگان تجربه کاری زیادی با معلمان و متعلمین داشتند و شرایط را خیلی خوب درک می کردند. نظرات و پیشنهادات آنها برای برنامه ریزیهای آینده بسیار با ارزش می باشد. نظرات آنها با چارچوب تخصیص منابع برای بهداشت مکاتب برای بهبود وضعیت آموزش صحتی از طریق مداخله معقول در مکاتب پاکستان مرتبط می باشد. منابع پیشنهادی توسط مشارکت کنندگان با مولفه های چارچوب مذکور مشابهت دارند. ارائه آموزش سیستماتیک و رسمی صحتی در مکاتب مستلزم تعهد دولت در این زمینه می باشد. به عنوان مثال اگر دولت آموزش صحتی را در مکاتب ابتدایی اجباری کند و هر مکتب حداقل 30 دقیقه در هفته را به این موضوع اختصاص دهد، معلمان نسبت به آموزش صحتی احساس مسئولیت خواهند کرد.

به منظور ایجاد ارتباط بین برنامه ریزان و تطبیق کنندگان، نظرات معلمان باید به سیاست گذاران انتقال داده شود. مهم است که سیاست گذاران بدانند عامه مردم اهمیت آموزش و بهبود وضعیت صحتی در مکاتب را درک می کنند، بنابراین به فکر راه حلی برای اجباری کردن آموزش صحتی در مکاتب ابتدایی پاکستان خواهند افتاد. این امر جامعه را به سمت جامعه ای سالم هدایت می کند

آقای پرویز پیرزادو، موسسه دانشگاهی آغا خان برای انکشاف تعلیم و تربیه، کراچی، پاکستان. با وی می‌توانید از طریق آدرس ایمیل یا آدرس پستی زیر در تماس باشید:

Parvez.pirzado@aku.edu

AGA KHAN UNIVERSITY; IED-PDC; 1\_5/B, VII F.B.AREA; KARIMABAD;  
KERACHI; PAKISTAN

### تخصیص منابع برای بهداشت موثر مکاتب

چهار عنصر اصلی:

1. پالیسی‌های صحی مکتب
  2. آب، فاضلاب و محیط
  3. آموزش صحی
  4. خدمات صحی در مکتب
- سه استراتژی حمایتی**

1. آموزش صحی-بهداشتی
2. مشارکت مردمی
3. آگاهی و مشارکت متعلمین

معلومات آنلاین:

UNESCO: <http://www.unesco.org/education/fresh>

UNICEF: [http://www.unicef.org/lifeskills/index\\_7262.html](http://www.unicef.org/lifeskills/index_7262.html)

### فلمهای آموزنده

پروفیسور ام. چادری

مارشال مک لوهان، یکی از بزرگترین فیلسوفان و نویسندگان می‌گوید: "روزی همه ما زندگی مان را در مکتب خود یعنی دنیا خواهیم گذراند. و آموزش به معنی یادگیری عشق ورزی، رشد و تغییر، یک آماده سازی غم انگیز برای شغلی که ما را به کمتر از آنچه می‌توانستیم باشیم تبدیل کند، نخواهد بود، بلکه جوهر و خود هستی لذت بخش خواهد بود."

جیدو کریشنامورتی، یکی از متفکرین عصر حاضر مکاتب زیادی را با فلسفه آزادی اطفال در هند تاسیس کرده است. تعبیر او از آزادی طفل، رهایی او از ترس کتاب و امتحان و معلم بود. این آزادی خلاقیت و شادی را به همراه می‌آورد و برای ایجاد توانایی بالقوه عشق ورزیدن، رشد، یادگیری و صلح طلبی بسیار ضروری می‌باشد.

آونگ سان سو کی می‌گوید:

**" تنها زندان واقعی ترس است، و تنها آزادی واقعی آزادی از ترس می‌باشد."**

بنابراین، چه کسی این آزادی را می‌دهد؟ این والدین و معلمان هستند که باید بخش انتقادی جامعه را تشکیل دهند. پرواضح است که نمی‌توانید چیزی را که خود ندارید به کسی بدهید. و این چیز می‌تواند



پول، دانش، انضباط و رهایی از ترس باشد. اصلی ترین سوالی که بیش از هرزمانی به صورت یک معما باقی می ماند، آن است که چطور می توان آزادی و برخی ارزشهای انتقادی را که لازم است بزرگسالان داشته باشند تا بتوانند اطفال را در روابطشان آزاد بگذارند، در آنها القاء کرد.

طی صد سال اخیر، فلمها دربردارنده درسهای اخلاقی بودند که هر کسی با هر زبان و ملیت و هر سطح ثروتی از تماشای آنها لذت می برده است. این فلمها می توانند نیروی پیش برنده مناسبی در برابری افراد بزرگسالان و اطفال باشند. افراد جوان از هر کشوری به فلمهای کارتونی علاقه زیادی نشان می دهند.

فلمهای طولانی اخیر نشان داده اند که انتخاب یک داستان واقعی به منظور پرداختن به ارزشهای انسانی (آزادی، عشق، صلح، حقیقت، عدالت، و شهامت) که جهان شمول نیز هستند، بخش اصلی آموزش می باشند. بیشتر ما فلم **تقدیم با عشق** را که بسیار معروف شد به خاطر داریم. **به من تکیه کن، جامعه شاعران مرده، نجات جنگل بان** از فلمهایی هستند که فضای آموزشی دارند و والدین و معلمان را ترغیب می کنند تا برای آزادی اطفال ارزش قائل شوند.

فلم جدید **نویسندگان آزادی**، که براساس کتاب خاطرات نویسندگان آزادی نوشته شده، درگیری بین موسسه و معلم سفید پوست جوانی را نشان می دهد و بازیگران آن اسکار وینینگ و هیلاری سوان (بازیگر فلم پسر میلیون دلاری، مردان گریه نمی کنند) می باشند. همکاران و رئیسان او نمی خواهند اجازه دهند او از برنامه درسی مکتب منحرف شود. با این حال او در ابتدا فقط به دنبال شناخت شاگردان نوجوانش می باشد.

متعلمین صنف انگلیسی او با زمینه های قومی کم درآمد، از محیط های خانگی فجیع و با آثار کت و کوب و خشونت بر روی بدن شان سر صنف او حاضر می شوند. آنها سفید پوستان را دشمنان خود می دانند و علاقه ای به درس خواندن ندارند.

تلاش او در فلم در قالب سه مرحله نمایان می گردد. در ابتدا او مجبور است صنف پر آشوب خود، که دختران و پسران آن از هم متنفرند و پیوسته در حال جنگ هستند را کنترل کند. دوم اینکه باید نسبت به تذکرات همکاران و کادر اداری بی تفاوت باشد. در نهایت اینکه در محیط خانه، همسرش احساس می کند که مورد کم توجهی قرار گرفته و سرانجام او را ترک می کند.

این معلم درگیر در چالشهای همیشگی خود برای آرام کردن شاگردان و آموزش آنها، رفته رفته خود را کنار می گذارد تا برای انجام ماموریت خویش وقت اضافه ای صرف کند. هنگامی که متعلمین خلوص او را احساس می کنند به تدریج با او و با یکدیگر سازش می کنند. از آن پس از صنف او لذت می برند و در نتیجه تلاش وی برای آموزش را راحت تر و لذت بخش تر می کنند. وی در این فرایند پیوسته روش شناسی و محتوی را بکار می بندد تا از آنها بخواهد درباره گذشته خود بنویسند و با ارزش ترین هدیه، یعنی هویت فردی، را به آنها بدهد و این شیوه، التیامی می شود تا متعلمین خشمناک خود و یکدیگر را ببخشند. زمانی که معلمشان زندگی نامه کوتاه تک تک آنها را در یک کتاب به چاپ می رساند نه تنها به حیرت می آیند، بلکه شأن خویش را که در زندگی از دست داده بودند بازمی یابند.

دایرکتور علاوه بر تبدیل یک داستان جالب به یک فلم جذاب، این واقعیت را نمایان می کند که زمانی که یک معلم از نفس خود می گذرد و با

خلوص، مهربانی و عشق به کار می پردازد، ماموریت او بسیار پر بار، پر ارزش و لذت بخش می گردد.

فلم هندی به نام **ستارگان روی زمین**، نه تنها یک فلم عالی است بلکه نقطه تحول خوبی برای آموزش بزرگسالان در مورد رفتار با اطفال می باشد. روان شناسان و متخصصین آموزشی از ده ها سال پیش بر این باور بوده اند که هر طفل، متفاوت از بقیه است، حتی دوگانگی ها. اما آنها (متخصصین آموزشی) در تمام دنیا آنچنان ساکن و حق به جانب بوده اند که برای اصلاح شیوه ها و نظرات خود و ایجاد تغییرات تلاشی نکرده اند تا به اطفال اجازه بدهند استعداد خود را کشف نموده و شکوفا سازند.

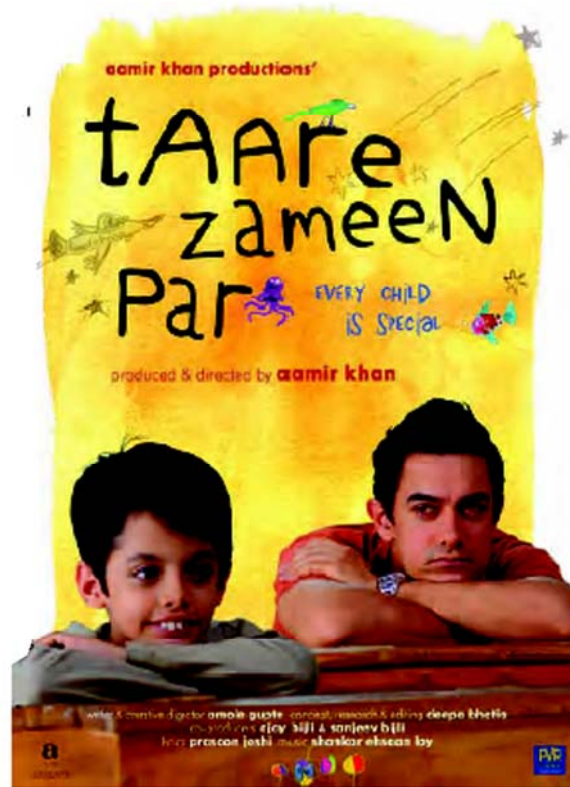
امیر خان، تولید کننده و بازیگر این فلم، برای ساختن فلم ترکیبی که در مورد ضربه روحی و رنج طفلی صحبت می کند که از دیسلکسی (اختلال در توانایی خواندن) رنج می برد و معلمان و والدینش ناتوانی او را درک نمی کنند، گام نخست را برداشته است. زمانی که این طفل به مکتب شبانه روزی فرستاده می شود، بیشتر کناره گیری می کند. بزرگترها این موضوع را ناشی از مشکل انضباطی می پندارند.

معلم هنر که تازه استخدام شده پس از اندکی بررسی در می یابد که این طفل از دیسلکسی رنج می برد. زمانی که بزرگترها وادار می شوند تا در مسابقه رسامی شرکت کنند به محدودیتهای خود پی می برند در حالیکه اطفال، هنرمند به دنیا آمده اند. می توان بر دیسلکسی غلبه کرد، اما آیا بزرگسالان هم می توانند همانند اطفال به رسامی بپردازند. نه. این تجربه نگرش آنها نسبت به اطفال را تغییر می دهد. انتهای فلم، یعنی زمانی که "روح" برنده می شود، بسیار تاثیرگذار و نشاط آور است، با این وجود همه می دانیم که زندگی سراسر "بُردن" نیست.

افلاطون گفته است: "ما به راحتی می توانیم ترس طفل از تاریکی را نادیده بگیریم، اما تراژدی واقعی در زندگی زمانی رخ می دهد که بزرگسالان از روشنایی هراس داشته باشند."

این نوع فلمها باید بخشی از برنامه آموزش به معلمان و جلسات والدین و معلمان باشند. بحث درباره این فلمها باید اجباری شود تا عناصر و پیامهای اصلی فلم را به خانواده انتقال دهد.

پروفیسور ام. چادری، یک دانشمند و فلم ساز است. وی در IIT Kanpur، NCERT به تحصیل پرداخت و سریال علمی معروف "نقطه بازگشت" را ساخت. وی در حال حاضر درباره آزادی، خلاقیت و شادی اطفال کارگاههایی برای معلمان دایر کرده است. وکانون فلم و کتاب را اداره می نماید.



مصاحبه EENET Asia با خوزه دا سیلوا مونتزیو، هماهنگ کننده آموزش فراگیر، وزارت معارف، جمهوری دموکراتیک تیمور لست



توسط IDP Norway

زی منطقوی اخیر درباره آموزش فراگیر که شد و موضوعات مهم مربوط به منطقه آسیا-اقیانوسه در آن مطرح گردید، EENET asia ملاقاتی را با آقای خوزه دا سیلوا مونتزیو، هماهنگ کننده آموزش فراگیر در تیمور شرقی، ترتیب داد و از وی در مورد پیشرفت آموزش فراگیر در کشورش سوالاتی پرسید. هم اینک زمان التهاب و چالش در تیمور شرقی است، کشوری که اخیراً چند دهه جنگ و منازعه را پشت سر گذاشته است. در مصاحبه ای که پیش رو دارید، آقای دا سیلوا درباره آینده آموزش فراگیر در تیمور شرقی ابراز نظر می کند.

- چگونه آموزش فراگیر برای تیمور شرقی به یک مسئله مهم تبدیل شد؟

این موضوع به پیشینه ما برمی گردد. کشور ما 24 سال تمام تحت اشغال اندونزی و قبل از آن هم 450 سال تحت اشغال پرتغال بوده است. حتی امروزه، بسیاری از اطفال در کشور ما امکان بهره مندی از آموزش را ندارند. کشور من یک کشور نو بنیاد است و ما هنوز وقت کافی برای انکشاف آن خصوصاً در زمینه آموزش و تحصیل نداشته ایم. حالا سوال این است که آموزش فراگیر را چگونه انکشاف دهیم که اطفال بسیاری را تحت پوشش قرار دهد؛ آنهایی که تا بحال تحصیل نکرده اند، اطفال معلول و آنانکه در خانه مانده اند. چگونه می توان دسترسی به آموزش و تحصیل را برای آنها فراهم نمود؟ بنابراین چنین برنامه ای در حال حاضر دارای اهمیت است و وزارت معارف در کشور ما به شدت پیگیر و خواهان ایجاد آموزش فراگیر است.

**- شما در توسعه آموزش فراگیر در تیمور شرقی با چه مشکلاتی روبرو هستید؟**

عمده ترین مشکلات در حال حاضر کمبود امکانات و کمبود منابع انسانی است و در آینده، چگونگی برنامه ریزی آموزش فراگیر بنحوی که همه اطفال را دربرگیرد.

**- وضعیت کنونی تحصیل و مکاتب در تیمور شرقی برای اطفال معلول و یا اطفال اقلیتهای قومی متفاوت چگونه است؟**

در حال حاضر بسیاری از اطفال معلول به مکتب و تحصیل دسترسی دارند، اما نه همه آنها. برنامه آینده آموزش فراگیر همه اطفال را دربرخواهد گرفت... و این برای همه، خبر خوبی است.

**- شما اشاره کردید که منابع انسانی یک مشکل است، وقتی در مورد منابع انسانی صحبت می کنید، منظورتان منابع انسانی داخل وزارت معارف است یا منظورتان معلمان است که با اطفال کار می کنند؟**

برای من منابع انسانی به مفهوم داشتن معلمان خوب در امر آموزش فراگیر است. معلمان که به بهترین روشهای تعلیم و تربیه تسلط دارند. بودجه و هزینه هم البته مسئله مهم دیگری است. اگر چه من طرح های زیادی در سر دارم، ولی بودجه موجود در اختیار من محدود است.

**- آیا شما تا بحال برنامه ای برای آموزش معلمان در تیمور شرقی در آموزش فراگیر... در مورد تعلیم تمام اطفال داشته اید؟**

این چیزی است که ما در آن خصوص کمبودی های داریم و می خواهیم چنین طرح هایی را ایجاد کنیم.

**- آیا به جزمعلولیت، آموزش فراگیر در تیمور با مشکلات دیگری مواجه است؟**

زبان خود یکی از مسائل است. زبان اول در کشور ما تتوم است که زبان ملی ما می باشد. زبان دوم هم زبان پرتغالی است. در حال حاضر ما سعی داریم که زبان تتوم را برای آینده بعنوان زبان آکادمیک و زبان مکاتب تثبیت کنیم. زبان تتوم، زبانی است که اکثر مردم بدان صحبت می کنند و خیلی قومی است. حتی سفیران تیمور شرقی هم به این زبان صحبت می کنند. در زمانیکه تحت اشغال اندونزی بودیم، به زبان اندونزیایی صحبت می کردیم. بنابراین برای کسانی که اندونزیایی صحبت می کردند، امکان مناسبی برای بهره گیری از تحصیل و آموزش وجود داشت. در حال حاضر، چالش عمده با زبان پرتغالی است. خود معلمان، زبان پرتغالی را نمی دانند. اما هم اکنون ملزم به فراگیری زبان پرتغالی شده اند.

**- آیا تفاوت عمده ای بین ساحات شهری مثل دیلی (پایتخت) و ساحات روستایی از نظر دسترسی به آموزش وجود دارد؟**

چالش حاضر عمدتاً مربوط به اطفال معلول است. خصوصاً در مورد نقل و انتقال آنها. چالش های دیگر دسترسی به ساختمان برای راه اندازی مکتب است. ما اخیراً با یونیسف در این خصوص ملاقاتی داشتیم و من از آنها خواستم که با ما و وزارت تاسیسات همکاری کنند. زیرا ما نیاز داریم تا ساختمانهای مکاتب را بگونه ای بسازیم که برای اطفال معلول قابل استفاده باشد.

**- آیا شرکت در این کنفرانس برای شما موضوع جالبی دربر داشته که در بازگشت به تیمور شرقی خواهید آن را مورد توجه قرار دهید؟**

من در اینجا چیزهای زیادی درباره آموزش فراگیر شنیدم و می توانم از آنها در راستای کمک به انکشاف و توسعه آموزش فراگیر در تیمور شرقی استفاده کنم. این در واقع اولین کنفرانس در مورد آموزش فراگیر بود که من در آن شرکت کردم. در آینده قاعدتاً به فراگیری معلومات و نمونه مثالهایی از دیگر کشورها در خصوص آموزش فراگیر بیشتر نیاز خواهد بود. تصور ما این است که تا سال 2015 همه به آموزش و تحصیل دسترسی پیدا کنند و تا سال 2020 همه قادر به خواندن و نوشتن باشند. ما کشوری تازه تاسیس هستیم، یک کشور کوچک؛ اما برای آینده نقشه ها و طرح هایی داریم.

**- در بازگشت به تیمور شرقی شما چه نقشی بر عهده خواهید داشت؟ این روند انکشاف را چگونه می بینید؟**

بعد از این کنفرانس من به کشورم بازمی گردم تا برنامه زیری کنم. چگونه می توان معلومات همه ساحات کشورمان را به دست آوریم. چه تعداد طفل در کشور داریم؟ و از این تعداد، چه میزان معلول هستند؟ وقتی این معلومات را جمع آوری کردیم، می توانیم آنها را وارد برنامه آموزش فراگیر نماییم. اگر معلومات نداشته باشیم، نمی توانیم کاری پیش ببریم. در حال حاضر ما با موسسه Plan Timor-Leste و سیستم معلوماتی مدیریت تعلیم و تربیه (EMIS) که به وزارت معارف مشاوره ارائه می کند، کار می کنیم. قرار است با یونیسف، یونسکو، موسسه Plan و موسسه Friends از استرالیا برای حمایت از انکشاف آموزش فراگیر، همکاری داشته باشیم. این دلیل اصلی است که من مایلم تا از کشورهای دیگر و برنامه های دیگری که در حال حاضر سیستم آموزش فراگیر را دارند، بازدید کنم. در حال حاضر، من بودجه محدودی در اختیار دارم. اما می خواهم بدانم دیگران چه روشهایی در تطبیق طرح آموزش فراگیر بکار گرفته اند تا از آنها در تیمور شرقی استفاده کنیم.

**- آیا نظام آموزشی تیمور شرقی بعلت اینکه یک کشور تازه تاسیس است به طور کلی تغییر پیدا کرده است؟**

بله، در حال حاضر مکاتب ابتدائیه، مکاتب متوسطه و لیسه ها رایگان هستند و دانشگاه/پوهنتون دولتی نیز فیس بسیار پایینی دارد.

**- در ارتباط با نصاب تعلیمی چطور؟ چقدر محتوای درسی را تغییر داده اید و یا آن را نسبت به دوران اشغال توسط اندونزی اصلاح کرده اید؟**

در حال حاضر ما هنوز از کتابهای درسی اندونزی به زبان باهاسا (اندونزیایی) استفاده می کنیم. برای آینده طرح هایی وجود دارد تا کتابهای درسی به زبان پرتغالی باشد. همچنین ما نیاز داریم تا زبان تتوم را نیز توسعه دهیم. اما در حال حاضر، آموزش زبان پرتغالی در مکاتب آمادگی شروع شده است. اما در مکاتب ابتدائیه، متعلمین نمی

توانند هنوز پرتغالی صحبت کنند. مشکل اصلی اینجاست که بسیاری از معلمان نیز زبان پرتغالی یاد ندارند. بنابراین چگونه می توانند به اطفال پرتغالی بیاموزند؟ این یکی از دغدغه های ماست... آموزش معلمان.

- یکی از مسائل حساس در کشورهایی که درگیر جنگ و نزاع بوده اند، آموزش درس تاریخ است. چگونه و به چه کیفیتی در تیمور شرقی آموزش درس تاریخ را تغییر دادید؟

در حال حاضر آنها می خواهند کتابهای تاریخ جدیدی را که مربوط به دوران بعد از استقلال است، چاپ نمایند. اما هنوز چاپ نکرده اند. آنها می خواهند جریان مبارزات استقلال تیمور و زمان بعد از آن را به زبان تتوم نشر نمایند.

- به عنوان هماهنگ کننده آموزش فراگیر که در واقع پستی جدید محسوب می شود، شما چگونه با دیگر افراد وزارت معارف کار می کنید؟ برای همکاری بین آنچه شما انجام می دهید و آنچه همکارانتان انجام می دهند، چه طرحی دارید؟

در حال حاضر ما مدیر عمومی داریم و با او همکاری می کنیم و سپس در مرحله بعد با سایر سهم گیرندگان نظیر یونیسف، یونسکو، موسسه Plan Timor-Leste و موسسه Friends از استرالیا... اینها همکاران ما هستند.

- آیا موضوع دیگری در ارتباط با طرح آموزش فراگیر هست که مایل باشید آنرا با ما در میان بگذارید؟

من در انکشاف آموزش فراگیر نه تنها برای افراد معلول بلکه برای همه تصمیم قاطعی گرفته ام. طرح های آینده من همچنین دربردارنده این موضوع مهم است که چگونه می توان اطفالی را که به دلایل اقتصادی و مالی امکان برخورداری از آموزش را ندارند، از این مهم یعنی آموزش بهره مند ساخت. کشور ما کشور نو بنیادی است و ما خواهان این هستیم که متعلمین در خصوص چگونگی انکشاف کشور در آینده فکر کنند... ما نمی توانیم صرفاً بنشینیم و نظاره گر باشیم... ما باید کاری انجام دهیم، درست یا اشتباه، ما نیازمند یادگیری هستیم.

## میزگردی پیرامون آموزش فراگیر: مشکلات و راه حل ها 30 آپریل 2008، دوشنبه، تاجیکستان

به تاریخ 30 آپریل 2008، میزگردی در سالون هتل کایون در شهر دوشنبه اجرا گردید. این میزگرد توسط سازمان خیریه "صحت" در چارچوب پروژه " آموزش فراگیر در مکاتب ناحیه فایرداسیو" به حمایت سازمان بین المللی " کاریتاس" (سوئیس) سازماندهی گردید.

در این میزگرد 35 تن از نمایندگان وزارت معارف کشور تاجیکستان، اداره آموزش ناحیه فایرداسیو، اداره مشاوره روانشناسی طبی آموزشی شهر دوشنبه، فاکولته روانشناسی، رئیس موسسات آمادگی مکتب، مکاتب شبانه روزی، سازمانهای دولتی، سازمانهای بین المللی (چون یونیسف، بنیاد سوروس و نجات اطفال) و نمایندگان رسانه های عمومی شرکت داشتند.

آموزش فراگیر این رویکرد را در پیش گرفته که جایگاه اطفال به رغم بیماری شان (جسمی، روانی یا سایر انواع بیماری شان) در نظام عمومی آموزشی لحاظ شود. این رویکرد سابقا در بیانیه سالانکا توسط تاجیکستان به اتفاق 92 کشور شرکت کننده دیگر، پذیرفته شده است. اخیرا، سازمان خیریه " صحت" تحقیقی در باب نیازهای آموزشی اطفال معلول این ناحیه در شکل یک پروژه تحقیقاتی به انجام رسانده است و در دو مکتب دولتی صنوف عمومی دایر کرده است. اولین 49 متعلمی که با نیازهای خاص از اول سپتمبر 2007 وارد مکتب شده بودند توسط والدین انتخاب شدند. برخی از متعلمین در خانه آموزش می دیدند. صنف هایی نیز به منظور آموزش مجدد معلمان در نظر گرفته شده بود.

وضعیت آموزش فراگیر در تاجیکستان با گفتگوی بین سخنرانان و شرکت کنندگان مورد بحث قرار گرفت. مشکلات مطرح شده در این میزگرد از این قرارند: نارسایی و کمبود کدر آموزشی، فقدان دسترسی به مکاتب وعدم پذیرش اطفال نیازمند به آموزشهای خاص از سوی کارکنان مکاتب، کمبودهای جدی معلومات و آشنایی ناکافی در زمینه آموزش فراگیر.

بسیاری از شرکت کنندگان بر ضرورت فراهم ساختن امکان دسترسی به آموزش به عنوان مبنای تحول الگوی اجتماعی معلولیت تاکید داشتند.

شرکت کنندگان در میزگرد هر یک، در گزارشهای خود به منظور معرفی مواردی چون "آموزش فراگیر، برنامه های آماده سازی اطفال برای رفتن به مکتب و اقدامات مربوط به مکاتب " الگوها و رویکردهای مختلفی را نمایش می دادند. ضرورت همکاری بین والدین، گروه ها و سازمانهای دولتی بطور ویژه مورد تاکید شرکت کنندگان قرار گرفت.

شرکت کنندگان با در نظر گرفتن مشکلات اشاره شده، اجرای مرحله به مرحله معرفی آموزش فراگیر به مکاتب دولتی در سطوح مختلف و ایجاد همکاری بین همکاران جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع و کشورهای همسایه به منظور تبادل تجارب را پیشنهاد نمودند.

مسئولان اداره آموزش و وزارت معارف نسبت به پذیرش و گسترش برنامه های خاص آموزش برای اطفال با نیازهای خاص، اظهاراتی مثبت بیان داشتند. آنها وعده دادند تا پروژه های مقدماتی آزمایشی را تنظیم نمایند، از اقداماتی با هدف ایجاد محیطی بدون مانع پشتیبانی نمایند و برنامه جامعی به همراه توصیه های روش شناختی درخصوص سازماندهی و تحقق آموزش فراگیر بوجود آورند.

لطفاً برای معلومات بیشتر با خانم **Umarova V.M.** از طریق آدرس ایمیل [caritas@caritas-ch.tj](mailto:caritas@caritas-ch.tj) زیر تماس بگیرید:

## کنفرانس تکنالوژی مساعدتی

تچشر (Techshare) (Techshare) هند ( Techshare ) هند 16-11-2008  
فوریه 2008، دهلی نو، هند

تچشر (Techshare) یکی از بزرگترین رویدادهای اروپایی در عرصه تکنالوژی است که دسترسی معلولان به تکنالوژی را ترویج می کند و برای دهه حاضر توسط موسسه ملی سلطنتی نابینایان ( RNIB ) بریتانیا سازماندهی می شود.

برای اولین بار در هند، تکنالوژی های حصار شکن ( Barrier Break Technologies )، تچشر هند (Techshare India) را به سال 2008 سازماندهی کرد. تچشر هند بطور موفقیت آمیزی کل اکوسیستم، دولت، شرکتهای، موسسات غیر دولتی، معلولین، شرکتهای تولیدی، ارائه کنندگان آموزش را، برای اولین بار زیر یک سقف گرد هم آورد. موسسه ناجیان بینایی (Sightsavers International) اسپانسر نقره ای کنفرانس بود و قلم "دولفین" را در نمایشگاه به نمایش گذاشت.

این کنفرانس و نمایشگاه، به طیف جامعی از تکنالوژی هایی که فرد معلول با آن کار می کند می پردازد و موفق شده تا حصارهای بین دولت، شرکتهای، موسسات غیر دولتی و تولید کنندگان محصولات و خدمات را از یک سو، و شش میلیون معلول هندی از سوی دیگر را از میان بردارد. متخصصانی که به نکته های مهمی خواهند پرداخت، اینجا در جشن افتتاحیه حضور دارند.

در مراسم افتتاحیه، مهمترین مهمان، دکتر وینا چوتری، منشی وزارت عدالت اجتماعی و توانمندسازی، به تشریح دیدگاه های خود در ارتباط با رویدادهایی چون تچشر هند 2008 پرداخت. او گفت: " من از تلاش های برگزارکنندگان کنفرانس سپاسگزاری می کنم و بطور مسلم ما در مسیر درستی قدم برمی داریم"، "بیشتر این موضوعات در دهه های اخیر همراه با تحول تکنالوژی مطرح گردیده است. اگرچه دولت از این موضوع آگاه بوده و گام هایی در راستای رفع آنها برداشته است، اما همچنان خلاءهایی وجود دارد. او اضافه کرد که "دولت هند به منظور استخدام افراد معلول در شرکتهای، بودجه ای معادل با 1800 کرور روپیه اختصاص داده است."

آقای شادی ابو زهرا از کنسرسیوم شبکه جهانی ( Word Wide Web Consortium )، در سخنرانی خود به ضرورت تکنالوژی مساعدتی در طراحی رابط های شبکه ای اشاره کردند. ایشان گفتند که: " امروزه شبکه موضوعی حیاتی در زندگی روزمره محسوب می گردد و ابزارهای زیادی در اختیار طراحان قرار داده که از آن طریق می توانند دسترسی افراد معلول را به اینترنت میسر سازند." او همچنین بر فرصتهای تجاری موجود در بازار جهانی که در قالب تکنالوژی و محصولات در اختیار معلولین قرار می گیرند، تاکید کرد و موسسات تجاری را ترغیب نمود تا نقش بیشتری را در این زمینه ایفا نمایند.

آقای جاوید عبیدی، مدیر اجرایی «مرکز بین المللی ترویج اشتغال برای معلولین» گفت: هند در داشتن بهترین تکنالوژی، بهترین شرکت ها، بهترین مغزها و همچنین صدور افکار به اقصی نقاط دنیا کشوری غنی می



باشد. در چنین شرایطی، دیدن اینکه اطفال به گوشه ای رها می شوند، بسیار تاسف انگیز است. این شرایط حاکی از آن است که شرکتها از این موضوع آگاهی ندارند که ما چه تکنالوژی مساعدتی عالی در اختیار داریم و چگونه می توان آنها را در اختیار افراد معلول قرار داد. این شرایط به نظر من تبعیض آمیز است."

موضوعات اصلی کنفرانس شامل موارد زیر می شد:

1. راه پیش رو- طرح راهنمای دسترسی.
  2. ایجاد تغییر
  3. پر کردن فاصله ایجاد شده توسط تکنالوژی دیجیتال
  4. مقالات مشترکی در مورد ایجاد تغییر و پرکردن فاصله ایجاد شده توسط تکنالوژی دیجیتال
  5. ورکشاپ های دسترسی عملی
- همه شرکت کنندگان از جمله افرادی که نکات مهمی را بیان کرده اند می توانند به آدرس زیر دسترسی داشته باشند:

لطفا برای معلومات بیشتر با خانم شوتا شورامانی، مدیر برنامه Sightsavers International از طریق آدرس ایمیل زیر تماس بگیرید:

[schoolramani@sightsavers.org](mailto:schoolramani@sightsavers.org)

یا با آدرسی پستی زیر:

Sight Savers International; South India Area Office; A-3 Shivdham Building; Plot No. 62,  
New Link Road; Malad (W); Mumbai 400064; India

## دومین کنفرانس بین المللی پیرامون انکشاف زبان، احیای زبان و آموزش چند زبانه در اجتماعات قومی- زبان

3-1 جولای 2008، بانکوگ، تایلند

بیش از 2000 زبان زنده در آسیا وجود دارد. اگرچه فقط بخش کوچکی از این زبانها به عنوان زبان آموزش در مکاتب بکار برده می شود. در نتیجه میلیون ها طفل آسیایی که به این زبانهای غیر اصلی صحبت می کنند، به دلیل عدم درک کامل زبان رسمی مکاتب، نمی توانند به میزان استعداد خود یادگیری داشته باشند. بسیاری از آنها به خاطر دلایلی که مستقیماً به آنها مربوط نمی شود، کم یاد می گیرند یا ترک تحصیل می کنند. از آنجا که بسیاری از سیستمهای آموزشی منحصرأ زبانهای غالب را بکار می گیرند، تعداد اندکی از والدین به این نتیجه می رسند که زبانشان کاربردی نیست و از آن پس دیگر با زبان مادری با اطفال خود صحبت نمی کنند. و این امر به از بین رفتن صدها زبان آسیایی می انجامد.

تحقیقات تأیید کرده که بخش عمده ای از اطفالی که به مکتب نمی روند و یا اطفالی که به مکتب می روند اما در حد استعداد خود یاد نمی گیرند، دارای زبان مادری متفاوت از زبانی هستند که در مکتب بکار برده می شود. متعلمین در یادگیری با موانع متعددی مواجه می شوند و چنانچه در مکتب ثبت نام کنند، ترک تحصیل نموده یا مردود می شوند و مجبورند یک صنف را دوباره تکرار کنند. مسئله زبان آموزش برای ایجاد یک محیط یادگیری فراگیر و همه شمول و مناسب بسیار اساسی می باشد و اگر قرار است که آموزش به منظور دستیابی به همه اهداف صورت بگیرد، باید به این موضوع پرداخت. در **دومین کنفرانس بین المللی پیرامون انکشاف زبان، احیای زبان و آموزش چند زبانه در اجتماعات قومی- زبانی،** به این موضوع و سایر موضوعات مرتبط با آن پرداخته شده است.

این کنفرانس، 390 نفر را از 33 کشور آسیایی و غیر آسیایی گرد هم آورد تا معلومات خود را درباره موارد ذیل تشریح نمایند: چطور میتوان مشکلات اطفال اجتماعات اقلیت قومی- زبانی را کاهش داد و چگونه می توان کاربرد زبانهای غیر اصلی را تقویت نمود و از نابودی آنها جلوگیری نمود. شرکت کنندگان شامل اعضای اجتماعات اقلیت قومی- زبانی، مقامات دولتی، و کارمندان موسسات غیردولتی و بین المللی بودند. اهداف کنفرانس از این قبیل اند:

- افزایش آگاهی درباره خطراتی که تنوع فرهنگی و زبانی دنیا را تهدید می کنند و همچنین نابرابریهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی که مردم اجتماعات قومی-زبانی غیر اصلی ( که غالب نیستند) با آن مواجه هستند.
- ارتقاء آگاهی در مورد اهداف و فواید «برنامه آموزش چند زبانه مبتنی بر زبان مادری» که به افرادی که به زبانهای غیر اصلی صحبت می کنند کمک می کند تا در تحصیلات خود به موفقیت دست یابند.
- یادگیری شیوه های مناسب توسعه زبان، احیای زبان و «برنامه آموزش چند زبانه مبتنی بر زبان مادری» از افرادی که در این زمینه ها تجربه داشته اند.

- تشویق مشارکت کنندگان، بویژه اعضای اجتماعات قومی- زبانی، به منظور توسعه و گسترش شبکه های فردی و سازمانی درگیر در این فعالیتها.

این کنفرانس نشان داد که در دهه گذشته تعداد اجتماعات قومی- زبانی، موسسات غیر دولتی، دانشگاهها/پوهنتون ها و دولت های آسیایی علاقمند به اجرای «برنامه آموزش چند زبانه مبتنی بر زبان مادری» برای اطفال و بزرگسالانی که به زبانهای رسمی آموزشی صحبت نمی کنند و یا متوجه نمی شوند، افزایش یافته است. با این حال، اهداف و منافع «برنامه آموزش چند زبانه مبتنی بر زبان مادری» بطور گسترده مورد پذیرش قرار نگرفته و درک نشده است. بسیاری از این تلاشها ضعیف هستند و آنچه از طریق تحقیق و تجربه به دست آمده را تقویت نمی نمایند.

سخنرانی اصلی و 6 سخنرانی تکمیلی و 93 سخنرانی همسو به 5 شاخه اصلی مربوط به زبان، فرهنگ و آموزش تقسیم شده اند که به شرح زیر می باشد:

1. حفظ میراث فرهنگی معنوی
2. تلاشهای مربوط به توسعه و احیای زبان ( به همراه مقالاتی که بر بهبود درست نویسی تاکید دارند)
3. تجارب مربوط بر پایه ریزی «برنامه آموزش چند زبانه مبتنی بر زبان مادری»
4. سیاست گذاری های مربوط به زبان و زبان آموزشی
5. تحقیقات مرتبط با زبان و آموزش

برگزاری جلسات عملی در مورد موضوعات عمده کنفرانس، فرصتهایی برای طرح سوال، در میان گذاشتن تجارب، و بحث درباره موضوعات ویژه در فضای غیر رسمی تر را فراهم نمود. همچنین غرفه ای نمایشی نیز برای ارائه مطالب، عکسها، بروشور معلوماتی و سایر موارد مربوط به انکشاف و توسعه زبان و آموزش چند زبانه به مشارکت کنندگان در نظر گرفته شده بود.

این کنفرانس، نمونه خوبی از مشارکت موسسات داخلی و بین المللی بود و توسط سازمانهای زیر حمایت شده بود:

یونسکو بانکوک، یونیسف، وزارتخانه های سازمانهای آموزشی آسیای جنوب شرقی (SEAMEO)، موسسه بین المللی SIL، موسسه زبان و فرهنگ برای انکشاف روستایی در دانشگاه/پوهنتون ماهیدول تایلند، کمیته نجات اطفال بریتانیا و موسسه بین المللی CARE.

لطفا برای معلومات بیشتر به سایت زیر مراجعه نماید:  
[www.seameo.org/\\_ld2008](http://www.seameo.org/_ld2008)

یا با آقای کیمو کوسونن درموسسه بین مللی SIL از طریق آدرس ایمیل زیر تماس بگیرید:

[kimmo\\_kosonen@sil.org](mailto:kimmo_kosonen@sil.org)

یا با آقای جان لینبرگ در یونسکو از طریق آدرس ایمیل زیر تماس بگیرید:  
[j.lindeberg@unesco.org](mailto:j.lindeberg@unesco.org)

## نگاه اجمالی به آموزش مسلکی پیوسته به معلمان برونی

22 تا 24 جولای 2008 ، بندر سری بگاوان، بونی

دارالسلام برونی سیاست آموزش فراگیر را به اجرا در آورده است. تائید سیاست آموزش فراگیر از طریق بیانیه سالانکا توسط دولت برونی، دارالسلام به عنوان وسیله ای در جهت تسریع شمولیت متعلمین نیازمند آموزش های ویژه عمل کرد. اکثر مکاتب دولتی، لاقل یک معلم آموزش دیده داشتند و متعلمینی که در معرض خطر اخراج بودند، توانستند در کنار همسن و سالان خود در جریان عادی صنف مشارکت داشته باشند.

وزارت معارف بدون اینکه مکاتب ویژه ای را تعطیل کند، به منظور گرد هم آوردن جمعیت و فرهنگ متنوع در مکاتب، تلاش خود را بر آماده سازی و حمایت معلمان، مدیران، والدین و متعلمین متمرکز نمود. متخصصین واحد آموزشهای ویژه از طریق پذیرفتن متعلمین، به حمایت از مکاتب شتافتند.

برنامه های دائمی ایجاد تخصص که هر ماه برگزار می شوند را میتوان بعنوان نمونه ای از این برنامه های حمایتی نام برد. واحد آموزش ویژه در سال 2008 «پروژه مکتب گونه فراگیری» که به متعلمین خدمات عالی ارائه می دهد را با دو مکتب ابتدائیه و دو مکتب راهنمایی آغاز نمود.

اخیرا یک سمینار و کارگاه ملی به همکاری واحد آموزش ویژه و دانشگاه/پوهنتون دارالسلام برونی و رسماً به افتخار حضور مهمانانی همچون داتین چادوکا دیگ اپساش هج ابد متین، منشی دائمی وزارت معارف، سازماندهی گردید. موضوع آن " پذیرش تنوع: مکاتب فراگیر موثر" و مطلب اصلی " پذیرش تنوع: تقویت مکاتب فراگیر" بود که توسط سخنران مهمان ارائه گردید.

اهداف اصلی به شرح زیر بودند:

- فراهم آوردن فضای انتقال معلومات و تجارب در مورد رویدادهای جاری، تجارب عملی و انکشاف و گسترش آموزش ویژه
- ایجاد شبکه و همکاری مسلکی بین واحد آموزش ویژه، سیستم مکتب، وزارت معارف، دانشگاه/پوهنتون دارالسلام برونی و ادارات مختلف محلی.
- بازبینی مسائل و موضوعات، و پیشرفت برنامه های تعلیمی ویژه و مشخص نمودن دستورالعملها برای آینده.

حدود 500 مشارکت کننده به شمول معلمان ارشد، مدیران، معلمان مقطع های ابتدائیه و متوسطه و SENA، معلمان SENA از ریاست مطالعات دینی تحت نظارت وزارت معارف، رئیسان و کارمندان بخشهای مختلف تحت نظارت وزارت معارف، وزارت صحت، وزارت فرهنگ، ورزش و جوانان و همچنین موسسات غیر دولتی بودند.

خانم مونا آلیانا، روانشناس آموزشی شاغل در واحد آموزش ویژه،  
برونی، دارالسلام.

با آدرس زیر می توان با وی در تماس بود:

[Monalialimin@brunet.bn](mailto:Monalialimin@brunet.bn)

## کنفرانس آماده سازی منطقی آسیا-اقیانوسیه در ارتباط با چهل و هشتمین نشست کنفرانس بین المللی آموزش

۳۱-۲۹ می ۲۰۰۸، بالی، اندونزی

این کنفرانس بخشی از روند مشورتی دولت های عضو یونسکو در ارتباط با چهل و هشتمین جلسه کنفرانس بین المللی آموزش با عنوان «آموزش فراگیر: راهی برای آینده» (۳۱-۲۸ نوامبر ۲۰۰۸ ژنو سویس) بود، که با مشارکت ۱۶۰ نفر از ۲۳ کشور برگزار شد. در طی این کنفرانس شرکت کنندگان در یک محیط پر بار این فرصت را یافتند تا به بحث و تبادل نظر در خصوص دیدگاه ها، استراتژی ها، عملکردها و تجربیات آموزش فراگیر در منطقه بپردازند.

این کنفرانس دربردارنده ۹ موضوع اصلی مرتبط با ۴ موضوع فرعی ذیل بود:

(الف) رویکردها، اهداف و مقاصد

(ب) سیاست های عمومی

(پ) سیستم ها، ارتباطات و انتقالات

(ت) متعلمین و معلمان

شرکت کنندگان بحث و تبادل نظر در خصوص دغدغه های زیر و ارائه پیشنهادات در این خصوص، طی جریان کنفرانس بین المللی آموزش را ضروری تشخیص دادند:

### ۱- اطفال دارای معلولیت

- تنظیم سیاست هایی که فراگیری را و تبعیض و زوشتن ساختن موانع سر راه فراگیری. اطمینان نسبت به عدم وجود تبعیض و زوشتن ساختن موانع سر راه فراگیری.

- موضوعات مرتبط با ظرفیت سازی، منابع، امکانات و همکاری ها.

- نقش مکاتب ویژه در حمایت از فراگیری.

- نقش آموزش متمرکز اطفال به مثابه راهبردی در جهت فراگیری.

### ۲- ایدز، اچ آی وی، و سلامت

- بد نامی های مرتبط با ایدز، رفتارهای تبعیض آمیز و اعمالی که دسترسی اطفال را به آموزش با کیفیت محدود می کنند.

- حمایت محرمانه در مورد مسئله اچ آی وی و ایجاد شرایط بهره مندی جوانان حامل یا آلوده به وایروس اچ آی وی، از آموزش با کیفیت در جامعه خود.

- در دسترس قرار دادن آموزش های پیشگیرانه و آموزش های درمانی مرتبط با ایدز، خدمات صحتی درمانی دوستانه، آزمایش رایگان و دارطلبانه، خدمات مشاوره ای و درمانی در خصوص اچ آی وی برای اطفال و جوانان.

- نقش بالقوه رسانه ها در ارتقاء پیشگیری از ایدز و آموزش چگونگی واکنش در برابر این بیماری و همچنین کمک به رفع خرافات و غلط فهمی ها در این باره.

### (۳) اقلیت ها

- ایجاد یک چارچوب قانونی، برنامه و محتوای درسی جهت تشویق سازگاری و انطباق محلی.
- سیاست های استخدامی با قابلیت تغییر، جهت آموزش معلمان برای افزایش ظرفیت گروه های اقلیت.
- نقش سیستم آموزش در گفتگوهای متقابل فرهنگی-مذهبی در بالابردن میزان درک و قدرت تحمل و مدارا.
- ارائه مرحله به مرحله آموزش در سال های اولیه تحصیل ابتدایی به زبان مادری، وسیله ای است جهت توفیق در ترویج زبان های ملی و بین المللی.
- دولت ها و سازمان های چند جانبه باید با استخدام و بکارگیری افرادی که به زبان اقلیت تکلم می کنند بعنوان معلم، ابزارهای دوزبانی/چند زبانی را نیز توسعه داده و توزیع نمایند.

### (۴) اطفال مهاجر

- همه اطفال کارگران مهاجر، بدون در نظر گرفتن وضعیتشان، باید تشویق شوند تا تحصیلات خود را ادامه دهند.

### (۵) اطفال بیجا شده داخلی

در مکاتب:

- آموزش به اطفال باید به زبان مادری آنها باشد و در ضمن اطفال پناهنده باید فرصت یادگیری زبان کشور میزبان را بیابند و مورد حمایت روحی- اجتماعی قرار گیرند.
- در مکاتب معمولی کشور میزبان:
- اطفال مهاجر باید دسترسی برابر به تحصیل داشته باشند.
- اتخاذ تدابیر لازم برای افزایش سطح آگاهی در مورد مهاجران و پناهندگان بمنظور جلوگیری از زورگویی و تبعیض.
- اطفال یتیم نیز باید در برنامه ها و سیاست های مربوط به آموزش فراگیر جای داشته باشند.

### (۶) محرومیت اجتماعی

- مرور مجدد قوانین ملی موجود درباره گروه های به حاشیه رانده شده، و حمایت از معلمان و دیگر سهم گیرندگان و پرداختن به مسئله محرومیت اجتماعی در مکتب و در جامعه.
- در دسترس قرار دادن آموزش با کیفیت برای اطفال تحت تاثیر جنگ، درگیری های داخلی و بلایای طبیعی.
- نظارت بر شرایط و قوانین موجود، مثلا در مورد اعطای بورسیه به گروه های مورد نظر.
- حصول اطمینان از کیفیت مکاتب عقیدتی، تا روحیه رقابت افزایش یابد و موضوعاتی که تعلیم داده می شوند نیز در راستای انکشاف ملی باشند.

### (۷) جنسیت

- نیاز به معلومات آموزشی تفکیک شده بلحاظ جنسیت و شاخص های تکمیلی کیفیتی و شاخص های حساس به جنسیت.
- انکشاف و یا تطبیق چارچوب های قانونی حمایت در برابر تبعیض های جنسیتی.
- شامل کردن موارد آگاهی جنسیتی و حساسیت درباره آنها در آموزش های الزامی پیشینی و کنونی و همچنین در وسایل آموزشی.
- تضمین برابری جنسیتی در تحصیل، در امور مربوط به ثبت نام، ابقاء (تداوم)، بقاء (زندگی) و برنامه درسی.
- بکارگیری استراتیژی هایی جهت پرداختن به مسئله عدم وجود توازن جنسیتی بین معلمان، مدیران مکتب و مسئولان نظام آموزشی.
- نقش نظام آموزشی در واقع به چالش کشیدن سنت های تبعیض آمیز جنسیتی است.

#### ۸) آموزش کاهش خطرات ناشی از حوادث

- حوادث طبیعی یکی از دلایل اصلی محرومیت محسوب می شوند.
- اطفالی که در مناطق حادثه خیز زندگی می کنند و همچنین اطفالی که در اثر یک بلای طبیعی بیجا شده اند، باید از دسترسی برابر به آموزش برخوردار باشند.
- دولت ها باید اصول ساختمان سازی را تطبیق کنند و ساختن مکاتب مقاوم در برابر بلایای طبیعی را افزایش داده و نیز معلومات و آگاهی های لازم در خصوص این بلایا را در اختیار متعلمین قرار دهند.
- آموزش کاهش خطرات ناشی از حوادث باید یکی از مولفه ها و عناصر آموزش فراگیر و یک سیاست مهم باشد.

#### ۹) بهبود و افزایش تعلیمات برای تحقق آموزش با کیفیت

- درگیر کردن گروه ها و همکاران متعدد در سطح ملی و منطقوی.
- تنوع و بهبود پالیسی و استراتیژی ها تا متعلمین در جریان تغییرات سریع جهانی قرار بگیرند.
- تهیه و تدارک چارچوب ها و وسایلی که در سنجش کیفیت یادگیری، کمک کننده اند.
- تاسیس و تدویر انجمن های تمرینی، برای تبادل دانش مطالعات تحقیقی صورت گرفته در خصوص آموزش.
- اقتباس شده از خلاصه دستاوردهای کنفرانس آماده سازی منطقوی آسیا-اقیانوسیه در ارتباط با چهل و هشتمین نشست کنفرانس بین المللی آموزش. / ۲۹-۳۱ می ۲۰۰۸، بالی، اندونزی.

برای امعلومات بیشتر با خانم کلمنتینا از طریق آدرس امیل زیر تماس بگیرید: [c.acedo@unesco.org](mailto:c.acedo@unesco.org)

یا با آقای جان لیندبرگ از طریق آدرس ایمیل زیر تماس بگیرید:

[j.lindeberg@unesco.org](mailto:j.lindeberg@unesco.org)



## کنفرانس مرور سیاست میان مدت «آموزش برای همه» در جنوب آسیا

۱۶ الی ۱۹ جون ۲۰۰۸ کاتماندو، نپال

همگام با گزارشات ارزیابی نیم دهه آموزش ملی برای همه، قدم بعدی حصول اطمینان نسبت به کاربرد نتایج این ارزیابی در مرور و اتخاذ سیاست های جدید، برنامه ها و استراتیژی هایی با هدف مرتفع کردن نقاط ضعف و نیز اتخاذ سیاست های جدید، برنامه ها و استراتیژی هایی برای گروه های محروم در امر آموزش، خواهد بود.

نمایندگان کشورهای جنوب آسیا برای تبادل پیشنهادات سیاستگذاری با هدف اطمینان از دستیابی به اهداف «آموزش برای همه تا سال ۲۰۱۵» در نپال گرد هم آمدند. این کنفرانس که توسط یونسکو ترتیب داده شده بود در واقع فرصتی برای کشورهای جنوب آسیا و سهم گیرندگان برنامه آموزش برای همه، محسوب می شد تا به بازبینی و تائید گزارش ترکیبی زیرمنطقوی این برنامه در جنوب آسیا پردازند.

بیش از ۷۰ شرکت کننده شامل نمایندگان دولت های بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سری لانکا و همچنین نمایندگان یونسکو، یونیسف، موسسه نجات اطفال، کمپاین بین المللی جهانی برای آموزش SIL، و دیگر ذیدخلان و تمویل کنندگان برنامه مزبور در این کنفرانس شرکت کردند.

توصیه های مهم پیشنهاد شده به دولت ها در خصوص سیاست راستای بهبود آموزش معلمان و نیز بهبود برنامه آموزشی عبارت بود از: پیشبرد و اجرای تحصیل رایگان و اجباری، ار های چند زبانی برای خردسالان و مکاتب آمادگی با تکیه مادری؛ تهیه برنامه هایی برای استفاده در نظام آموزشی اطمینان از تخصیص منابع مالی به گروه های محروم.

هماهنگ کننده های برنامه ملی آموزش برای همه، استفاده از بعنوان نقطه شروعی برای تبادل معلومات و دایر کردن بخشی «آموزش برای همه» در سکرتریت SAARC را نیز پیشنهاد کردند حال همکاران این برنامه اشاره نمودند که جهت ساده و موثر مکانیسم های حمایتی، همکاری میان آنها، نیاز به تجدید نظر حالیکه گروه کاری موضوعی «آموزش برای همه در جنوب آسیا» تمرکز بیشتر بر این منطقه است.

برای معلومات بیشتر لطفا با خانم Leotes Lugo-Helin از طریق در مرکز یونسکو بانکوک تماس حاصل فرمایید: [ugo@unescobkk.org](mailto:ugo@unescobkk.org)



لیکوت لگو  
سیمون

## پاسخ های خوانندگان

### نشریه محترم EENET Asia در اندونزی،

سالی پررونق و شاد برای کارمندان EENET Asia آسیا آرزوی می کنم. مطلع شده ام که سازمان شما خبرنامه ای منتشر کرده و تاکنون 4 نسخه از آن منتشر شده است. خواهشمندم که در صورت امکان هر 4 نسخه را برای ما ارسال نمایید. مطالب منتشر شده شما می توانند معلومات پایه ای مناسبی را در اختیار سازمان ما، موسسه اوريسا برای نابینایان، قرار دهد. خواهشمندم حتی در صورت ممکن نسخه ی چاپی آنرا برای ما بفرستید زیرا دسترسی ما در اینجا به اینترنت آسان نیست. ما همچنین علاقمندیم که بخشی از شبکه تطبیق برنامه آموزش فراگیر در ولایت اوريسا شویم. بنابراین خواهشمندم ما را از پروسه انجام این کار مطلع نمایید.

با تشکر و احترام

آر.پ. پادهی، استاد علوم سیاسی دانشگاه/پوهنتون سونپور، ناحیه سونپور، اوريسا، هند 767017

با تبریک فراوان برای این تلاش تیمی شگفت انگیز.

واندانا ساکسنا، از هند.

Email:vsaxena78@hotmail.com

### گروه EENET Asia

با سپاس از ارسال خبرنامه، نقطه نظرات احتمالی خود را پس از خواندن آن به شما ارسال خواهم کرد.

عمران نظیر

EMAIL:hamayalrana@yahoo.com

### همکاران محترم در EENET Asia،

با عرض تبریک برای انتشار خبرنامه EENET Asia، لازم است که بگویم این نشریه مرا به بهترین نحو در جریان آنچه در این رشته بسیار وسیع اتفاق می افتد، قرار می دهد. فرصت را غنیمت می شمردم و از این طریق به همه اعضای شبکه اعلام می کنم که من از آغاز سال 2008 از سمت منشی SEAMEO به دستیار مدیر برنامه ریزی در مرکز SEAMEO و در بخش تکنالوژی و اختراعات آموزشی در شهر کنزن منتقل شده ام و آدرس جدید من به شرح زیر می باشد.

امیدوارم دوباره همه شما را ملاقات کنم و خواهشمندم از انتقال هر گونه معلومات و اخباری که مطمئنا در حرفه من مفید می باشند، دریغ نکنید.

بنیتو اسپنا بنوزا، سیمئو اینوتک

Email: bennetbenoza@gmail.com

نشریه محترم EENET،

از اینکه خبرنامه جدید شما را دریافت کردم خوشحال هستم!

تنها می خواستم به اطلاعاتان برسانم که امکان دستیابی به خبرنامه جدید از طریق اولین لینک یعنی "[eenet.org.uk](http://eenet.org.uk)" وجود ندارد، تنها خبرنامه های پیشین در این لینک موجود هستند. فقط از طریق " [europe.org](http://europe.org) " می توانید خبرنامه جدید شماره 5 را دانلود کنید.

امیدوارم کارتان به آرامی و به شکل مناسبی ادامه یابد. من در کامبوج زندگی و کار می کنم.

با احترام فراوان، از سو فوکس، [suecamfox@yahoo.co.uk](mailto:suecamfox@yahoo.co.uk)

سلام،

من از ماها پراساد هادهال از مربوطات داماولی تاناهون از کشور نپال با شما تماس می گیرم. مایلم تا به نام ماهش خطاب شوم. من معلم کالج هستم و در کالژی که متعلمین معلول محله ام را تحت پوشش قرار داده بود کار می کردم. مجله های EENET برای من در بالا بردن آگاهی از برنامه های مختلف بسیار مفید بودند. همینطور مورد علاقه شاگردانم بودند و معلومات ارزشمندی در اختیار آنها قرار دادند. این بار من 6 نسخه رایگان از مجله EENET Asia را دریافت کردم، در حالیکه در این لحظه به EENET آسیا نمی توانم هیچ کمکی نمایند. با تشکر از کمک شما.

ماهش، از داماولی نپال، [mahaprasad\\_hadkhale@yahoo.com](mailto:mahaprasad_hadkhale@yahoo.com)

نشریه محترم EENET Asia،

تشکرمان را به EENET محترم به خاطر ارسال خبرنامه های EENET Asia و نشریه آسیای جنوب شرقی تقدیم می نمایم. در ارسال این بسته ها و منابع آموزشی سنگین زحمت زیادی را متحمل می شوید. یکبار دیگر واقعا از تلاش های و سختی هایی که در این امر متقبل می شوید، دریافت موارد ارسالی ضمیمه شده است.

روزهای پیش رو باز هم منابعی از این دست را

گ کننده برنامه آموزشی، موسسه نجات اطفال سوئدن و  
ش



بیک  
نوسط  
سیمون

در زمینه اج. آی. وی و ایدز:

**2008 Report on the Global AIDS Epidemic**, Geneva: UNAIDS,

[http://www.unaids.org/en/KnowledgeCentre/HIVData/GlobalReport/2008/2008\\_Global\\_report.asp](http://www.unaids.org/en/KnowledgeCentre/HIVData/GlobalReport/2008/2008_Global_report.asp)

Conflict &

**Denying Entry, Stay and Residence Due to HIV Status - Ten Things You Need to Know**,

<http://www.iasociety.org/Web/WebContent/File/Entry%20denied%2010%20things%20you%20need%20to%20know.pdf>

**HIV Health and Your Community**, Berkeley: Hesperian Foundation,

[http://www.hesperian.org/publications\\_download\\_hiv.php](http://www.hesperian.org/publications_download_hiv.php)

در سایر زمینه ها:

**Innovative Practices in Physical Education and Sports in Asia**, Bangkok: NESCO,

[http://www2.unescobkk.org/elib/publications/165\\_166/](http://www2.unescobkk.org/elib/publications/165_166/)

**Directory of ICT Resources for Teaching and Learning of Science, Mathematics and Language, 2nd Edition**, Bangkok: UNESCO,

(فهرست منابع ICT برای تدریس و تعلیم علوم، ریاضیات و زبان)  
[http://www2.unescobkk.org/elib/publications/169\\_170/](http://www2.unescobkk.org/elib/publications/169_170/)

**State of the World Minorities 2008**, London: Minority Rights Group International,

<http://www.minorityrights.org/?lid=6138>

**A Community Guide to Environmental Health**, Berkeley: Hesperian Foundation,

[http://www.hesperian.org/publications\\_download\\_EHB.php](http://www.hesperian.org/publications_download_EHB.php)

در زمینه حقوق بشری:

**Denied Status, Denied Education - Children of North Korean Women in China**,

New York: Human Rights Watch, <http://hrw.org/reports/2008/northkorea0408/>

**The General Situation of Children in Afghanistan**, Kabul: Afghanistan Human Rights Commission,  
[http://www.aihrc.org.af/2008/April/Rep\\_eng\\_Chi\\_Nov\\_2007\\_U\\_Apr\\_2008.pdf](http://www.aihrc.org.af/2008/April/Rep_eng_Chi_Nov_2007_U_Apr_2008.pdf)

**A Human Rights-Based Approach to Education For All - A Framework for the Realization of Children's Right to Education and Rights within Education**, New York: UNICEF, Paris: UNESCO,  
[http://www.ungei.org/resources/files/A\\_Human\\_Rights\\_Based\\_Approach\\_to\\_Education\\_for\\_All.pdf](http://www.ungei.org/resources/files/A_Human_Rights_Based_Approach_to_Education_for_All.pdf)

در زمینه جنگ و درگیری و وقایع غیرمنتظره:

Emergencies

**World Disaster Report 2007**, Geneva: International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies, <http://www.ifrc.org/Docs/pubs/disasters/wdr2007/WDR2007-English.pdf>

**Child Soldiers Global Report 2008**, London: Coalition to Stop the use of Child Soldiers,  
<http://www.childsoldiersglobalreport.org/>

**Disabilities Among Refugees and Conflict-Affected Populations**, New York: Women's Commission for Refugee Women and Children,  
[http://www.womenscommission.org/pdf/disab\\_fulll\\_report.pdf](http://www.womenscommission.org/pdf/disab_fulll_report.pdf)

**Growing up under Militarisation: Abuse and Agency of Children in Karen State**, Karen Human Rights Group, <http://www.khrg.org/khrg2008/khrg0801.pdf>

**Justice for Children - The Situation of Children in Conflict with the Law in Afghanistan**, Kabul: Afghanistan Independent Human Right Commission,  
[http://www.aihrc.org.af/Juvenile\\_Detention\\_eng.pdf](http://www.aihrc.org.af/Juvenile_Detention_eng.pdf)

**Non-Discrimination in Emergencies - Training Manual and Toolkit**, New Delhi: Save the Children India, [http://www.crin.org/docs/ND\\_Emergencies.pdf](http://www.crin.org/docs/ND_Emergencies.pdf)

کل نشریات به طور آنلاین از طریق آدرس <http://www.idp-europe.org/eenet> قابل دسترسی می باشند. در جایی که نشریه را پیدا کرده اید، فقط روی Newsletter کلیک کنید و سپس روی Useful Publications کلیک نمایید. در صورت بروز مشکل، از طریق آدرس [asia@eenet.org.uk](mailto:asia@eenet.org.uk) با ما تماس بگیرید.

جنسیت و آموزش دختران:

**Poverty and Economic Vulnerability in South Asia: Does it Impact Girls' Education?**, Kathmandu: UNICEF, UNGEI,  
[http://www.unicef.org/rosa/rosa\\_Final\\_Poverty\\_and\\_Economic\\_22may\\_08.pdf](http://www.unicef.org/rosa/rosa_Final_Poverty_and_Economic_22may_08.pdf)

**From Parity to Equality in Girls' Education: How are we doing in South Asia?**, Kathmandu: UNICEF, UNGEI, [http://www.unicef.org/rosa/Final\\_FPEGE\\_23\\_may\\_08.pdf](http://www.unicef.org/rosa/Final_FPEGE_23_may_08.pdf)

**Progress in Girls' Education: The challenge of Gender Equality in South Asia**, Kathmandu: UNICEF, UNGEI,  
[http://www.unicef.org/rosa/Final\\_Progress\\_in\\_Girls\\_Education\\_23\\_May\(1\).pdf](http://www.unicef.org/rosa/Final_Progress_in_Girls_Education_23_May(1).pdf)

**Gender Mainstreaming: Does it happen in Education in South Asia?**,  
Kathmandu: UNICEF, UNGEI, [http://www.unicef.org/rosa/Gender\\_26\\_May\\_08.pdf](http://www.unicef.org/rosa/Gender_26_May_08.pdf)

**Beyond Gender: Measuring Disparity in South Asia using an Education Parity Index**,  
Kathmandu: UNICEF, UNGEI,  
[http://www.unicef.org/rosa/New\\_BeyondGender\\_09June\\_08.pdf](http://www.unicef.org/rosa/New_BeyondGender_09June_08.pdf)

**Diasappearing Daughters**, London: ActionAid,  
[http://www.crin.org/docs/disappearing\\_daughters\\_0608%5B1%5D.pdf](http://www.crin.org/docs/disappearing_daughters_0608%5B1%5D.pdf)

**Gender and HIV prevention education: Effort in the Asia-Pacific Region**,  
Bangkok: UNESCO,  
[http://www2.unescobkk.org/elib/publications/145/Gender\\_HIV\\_prevention.pdf](http://www2.unescobkk.org/elib/publications/145/Gender_HIV_prevention.pdf)

**Because I am a Girl: The State of the World's Girls 2008**, Surrey: PLAN International,  
[http://www.plan-international.org/pdfs/BIAAG\\_2008\\_english.pdf](http://www.plan-international.org/pdfs/BIAAG_2008_english.pdf)  
CFS, EFA &

در زمینه معلولیت:

**CBM Disability and Development Policy**, Bensheim: CBM,  
[http://www.cbm.org/en/general/downloads/19648/Disability\\_and\\_Development\\_Policy.pdf](http://www.cbm.org/en/general/downloads/19648/Disability_and_Development_Policy.pdf)

**It's About Ability - An Explanation of the Convention on the Rights of Persons with Disabilities**, New York: UNICEF, [http://www.unicef.org/publications/index\\_43893.html](http://www.unicef.org/publications/index_43893.html)  
در زمینه آموزش برای همه و شمولیت:

**The Convention on the Rights of the Child and Quality Education**, Kathmandu: Save the Children Sweden,  
<http://sca.savethechildren.se/upload/scs/SCA/Publications/The%20CRC%20and%20quality%20education%20-%20concept%20paper.pdf>

**Developing Positive Identities: Diversity and Young Children**, The Hague: Bernard van Leer Foundation,  
[http://www.bernardvanleer.org/publication\\_store/publication\\_store\\_publications/developing\\_positive\\_identities\\_diversity\\_and\\_young\\_children/file](http://www.bernardvanleer.org/publication_store/publication_store_publications/developing_positive_identities_diversity_and_young_children/file)

**Making Schools Inclusive: How Change Can Happen**, London: Save the Children UK,  
<http://www.savethechildren.org.uk/en/docs/making-schools-inclusive.pdf>

**Child Rights Situation Analysis**, Bangkok: Save the Children Sweden,  
[http://www.crin.org/docs/Child\\_Rights\\_Situation\\_Analysis\\_Final%5B1%5D.pdf](http://www.crin.org/docs/Child_Rights_Situation_Analysis_Final%5B1%5D.pdf)

**EFA Global Monitoring Report 2008 - Education For All By 2015: Will We Make it?**,  
Paris: UNESCO, <http://www.efareport.unesco.org>

**Inclusive Education: Where There Are Few Resources - Updated 2008**, Oslo: Atlas Alliance, please contact [atlas@atlas-alliansen.no](mailto:atlas@atlas-alliansen.no) or [info@eenet.org.uk](mailto:info@eenet.org.uk)

با EENET Asia تماس بگیرید:

خبرنامه های EENET Asia را از آدرس [www.idp-europe.org/eenet](http://www.idp-europe.org/eenet) دانلود کنید.

از طریق آدرس [asia@eenet.org.uk](mailto:asia@eenet.org.uk) برای EENET Asia ایمیل روان کنید.

آدرس پستی:

EENET Asia  
Jalan Panglima Polim X No. 9  
Kebayoran Baru

Jakarta Selatan 12160  
Indonesia